



فصل اول

«عقود و تعهدات به طور کلی»

تست‌های تألیفی فصل اول

که مثال ۱: آیا تعهد یک جانبه در حقوق ایران پذیرفته شده است؟

(۱) ایقاع در تمام صور ممکنه صحیح می‌باشد.

(۲) خیر در هیچ حالتی صحیح نمی‌باشد، چون ایجاد تعهد مستلزم دخالت در دارایی‌های دیگران است، پس صحیح نیست.

(۳) اصولاً صحیح است، مگر قانونگذار خلاف آن را پیش‌بینی نموده باشد.

(۴) اصولاً مجاز نمی‌باشد، مگر در مواردی که قانونگذار آن را پذیرفته باشد.

پاسخ: گزینه «۴» ✓ چون ایجاد تعهد مستلزم دخالت در دارایی طرف و ایجاد حق برای او می‌باشد، بنابراین اصولاً مجاز نیست که شخص یک طرفه و به اراده خویش (به تنهایی) ایجاد تعهد نماید، مگر این که قانونگذار آن را صحیح بداند، مانند ابراء

که مثال ۲: کدام یک از موارد زیر عقد نمی‌باشد؟

(۱) هبه

(۲) بیع

(۳) وصیت عهدی

(۴) وصیت تملیکی

پاسخ: گزینه «۳» ✓ اگرچه در وصیت عهدی، وصی می‌تواند تا زمانی که موصی زنده است، وصایت را رد کند و اثر ایجاد شده را از بین ببرد، ولی وصایت (وصیت عهدی) فقط به اراده‌ی موصی انجام می‌شود و اعطای نیابت به وصی نیاز به قبول او ندارد و رد وصی فقط مانع نفوذ وصیت می‌شود و شرط بقای وصیت، عدم رد وصی است و در مرحله‌ی ایجاد وصیت تأثیری ندارد.

که مثال ۳: کدام یک از موارد زیر مصداق عمل حقوقی نیست؟

(۱) عقد

(۲) غصب مال غیر

(۳) ایقاع

(۴) گزینه ۱ و ۳

پاسخ: گزینه «۲» ✓ عقد و ایقاع هر دو از اعمال حقوقی می‌باشند. این در حالی است که غصب مال غیر، از جمله وقایع حقوقی می‌باشد.

که مثال ۴: بر مبنای تعریف قانون مدنی کدام گزینه صحیح است؟

(۱) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها ایجاد تعهد می‌کند.

(۲) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که باعث ایجاد شخصیت حقوقی می‌گردد.

(۳) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها در تعهد موجود، تغییر ایجاد می‌نماید و یا این که آن را ساقط می‌کند.

(۴) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها موجب تملیک یک مال و یا استقرار حق انتفاع یا حق ارتفاق نسبت به آن می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» ✓ با توجه به ماده ۱۸۳ (قانون مدنی)، عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند.

که مثال ۵: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را نداشته باشند.

(۲) عقد لازم را نمی‌توان بر هم زد، حتی با اقاله

(۳) عقد لازم را تنها در صورت وجود اختیارات در عقد می‌توان بر هم زد.

(۴) عقد لازم با جنون و سفه از بین نمی‌رود، ولی با فوت یکی از طرفین منحل می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» ✓ در عقد لازم هیچ یک از طرفین عقد نمی‌توانند آن را بر هم زنند. ایراد گزینه‌ی ۲ آن است که اقاله، قاعده‌ی عمومی انحلال قراردادهاست و حتی قراردادهای لازم هم با اقاله قابل انحلال هستند، مگر در چند مورد استثنا. ایراد گزینه‌ی ۳ آن است که واژه‌ی تنها را به کار برده است، در صورتی که عقود لازم به اقاله هم قابل انحلال‌اند و ایراد گزینه‌ی ۴ هم آن است که عقد لازم با فوت و جنون و سفه طرفین هم منحل نمی‌شود.



کلمه مثال ۶: در تفاوت عقد جایز و عقد لازم می‌توان گفت:

- ۱) عقد لازم عقدی است که برای طرفین لازم‌الاتباع است، ولی عقد جایز لازم‌الاتباع نیست.
 - ۲) عقد لازم جز در مواردی که قانون پیش‌بینی نموده، قابل فسخ نیست، ولی عقد جایز همواره قابل فسخ است.
 - ۳) عقد لازم هرگز گسیخته نمی‌شود، ولی عقد جایز قابل گسیختن است.
 - ۴) عقد لازم نسبت به طرفین قرارداد است، ولی عقد جایز نسبت به اشخاص ثالث نیز تسری می‌یابد.
- پاسخ:** گزینه «۲» طبق ماده ۱۸۵ و ۱۸۶ (قانون مدنی)، «عقد لازم، عقدی است که هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را ندارد و عقد جایز آن است که هر یک از طرفین هر زمانی بخواهد می‌تواند آن را فسخ کند». عقد جایز تا زمانی که فسخ نشده است، همانند عقد لازم، لازم‌الاتباع است.

کلمه مثال ۷: کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) کلیه عقود جایز به موت و جنون و سفه طرفین منفسخ می‌شوند.
 - ۲) اصولاً عقود جایز به موت و جنون و سفه احد طرفین منفسخ می‌شوند، مگر در موارد استثنایی
 - ۳) انفساخ عقد به موت و جنون احد طرفین ممکن است در عقود لازم رخ بدهد.
 - ۴) هر عقدی که برای تشکیل و انعقاد نیازمند اهلیت باشد، برای بقایش نیز محتاج اهلیت است.
- پاسخ:** گزینه «۲» ایراد گزینه ۱ آن است که در عقود جایزی که بدون وجود رشد نیز منعقد می‌شوند، عارض شدن سفاهت نیز در صحت آن‌ها تأثیر ندارد؛ مثلاً شخص غیررشید می‌تواند به طور بلاعوض قبول هبه کند و در این مورد نیز به دیگری وکالت دهد، بنابراین اگر شخصی به دیگری برای قبول هبه وکالت بدهد و سپس دچار سفاهت شود، عقد وکالت به حال خود باقی است. ایراد گزینه ۴ نیز این است که عقود جایز برای بقا نیاز به اهلیت دارند، چرا که طبق ماده ۹۵۴ قانون مدنی، عقود جایز با حجر طرفین منحل می‌شوند و از طرف دیگر هر عقدی برای تشکیل نیاز به اهلیت دارد (اعم از جایز یا لازم). پس عقود لازم برای تشکیل نیازمند اهلیت هستند، ولی برای بقا نیازمند به اهلیت نمی‌باشند و با این توضیح ایراد گزینه ۴ مشخص می‌شود.

کلمه مثال ۸: کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) عقد معلق عقدی است که انشا عقد بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
 - ۲) عقد معلق عقدی است که اثر عقد بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری باشد.
 - ۳) عقد معلق عقدی است که در آن انعقاد عقد بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
 - ۴) عقد معلق عقدی است که انشا عقد و اثر آن بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
- پاسخ:** گزینه «۲» بر طبق ماده ۱۸۹ (قانون مدنی)، در عقد معلق انشا یا انعقاد عقد موقوف به امر دیگری نیست، بنابراین گزینه ۱ و ۲ و ۴ نادرست است.

کلمه مثال ۹: کدام بیع معلق است؟

- ۱) بیع ملک موکول به شرط تهرین مالی جهت تضمین ثمن توسط مشتری
 - ۲) بیع ملک موکول به شرط توکیل مشتری در تنظیم سند رسمی
 - ۳) بیع ملک موکول به شرط أخذ وام از بانک توسط مشتری
 - ۴) بیع ملک موکول به شرط حواله پرداخت ثمن به شخص ثالث توسط مشتری
- پاسخ:** گزینه «۳» بیع ملک موکول به شرط أخذ وام از بانک توسط مشتری، یک بیع معلق است. در موارد ۱ و ۲ و ۴ بیع موکول به امری شده که در دست طرفین بوده و خارج از اراده‌ی ایشان نمی‌باشد؛ حال آن که معلق علیه باید امر خارجی باشد، اما در گزینه ۳ بیع ملک موکول به شرطی شده که از جانب بانک محقق می‌گردد و بانک نسبت به طرفین عقد ثالث محسوب می‌شود، لذا در این مورد، عقد معلق به امری احتمالی و خارجی گردیده است؛ زیرا هر چند درخواست وام را مشتری به عمل می‌آورد، اما موافقت و پرداخت وام در دست بانک است. البته لازم به ذکر است که منظور از شرط خارجی بودن معلق، این است که معلق علیه خارج از ارکان عقد باشد، یعنی جزء شرایط صحت عقد نباشد.

کلمه مثال ۱۰: چنانچه شرط عوضی در عقدی غیرمعوض گنجانده شود، درج این شرط عقد را...

- ۱) در ردیف عقود معوض قرار می‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود می‌آید.
 - ۲) در ردیف عقود معوض قرار نمی‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود می‌آید.
 - ۳) در ردیف عقود معوض قرار می‌دهد، ولی چون شرط است، طرفین حق حبس ندارند.
 - ۴) در ردیف عقود معوض قرار نمی‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود نمی‌آید.
- پاسخ:** گزینه «۴» زیرا در عقد معوض آن‌چه مبادله می‌شود، می‌بایست به عنوان عوض و در تقابل با آن‌چه دیگری می‌دهد، قرار گیرد نه این که صرفاً تعهد یا تملیکی فرعی باشد.



❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عقد عینی عقدی است که موضوع آن عین معین است.
- (۲) عقد عینی تعهدی است که باید در دفتر املاک به ثبت برسد.
- (۳) عقد عینی عقدی است که قبض شرط صحت آن است.
- (۴) عقد عینی عقدی است که موضوع عین مال مورد معامله قرار می‌گیرد و منافع از آن مستثنی می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در عقود عینی قبض شرط صحت است، مانند وقف و هبه و ...

❏ مثال ۱۲: A خانه خود را می‌فروشد اگر تا سه ماه نقاشی خانه‌ی وی تکمیل شود، به شرط این که خریدار اتومبیل او را تعمیر کند، این عقد:

- (۱) عقد معلق است.
- (۲) عقد مشروط است.
- (۳) عقد معلق مشروط است.
- (۴) عقد منجز مشروط است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» چون فروش خانه را معلق به اتمام نقاشی خانه در طول سه ماه کرده است، پس عقد معلق است و چون ضمن عقد شرط تعمیر اتومبیل هم گذاشته پس عقد معلق مشروط است.

❏ مثال ۱۳: کدام بیع فوری است؟

- (۱) اشتراک روزنامه و مجلات
- (۲) عقد شرکت
- (۳) عقد بیمه
- (۴) عقد اجاره

❏ پاسخ: گزینه «۱» اگرچه در اشتراک روزنامه و مجله، مبیع تقسیت شده است (یعنی مبیع که مجله می‌باشد، به صورت اقساطی به مشتری تحویل داده می‌شود مثلاً هفتگی یا ماهیانه) ولی در این حالت عامل زمان و اجرای تعهد به صورت مستمر (نه فوری) چهره عرضی دارد و عقد بیع را تابع قواعد عقود مستمر نمی‌کند. سایر گزینه‌ها عقد مستمر می‌باشد.



آزمون فصل اول

که ۱- عقود آزاد در تعیین کدام عنصر آزادند؟

- (۱) در انعقاد قرارداد (۲) در تعیین طرف قرارداد (۳) در تعیین شرایط قرارداد (۴) هر سه گزینه

که ۲- عقود لازم در کدام حالت منحل می‌شود؟

- (۱) اقاله (۲) فوت یکی از طرفین (۳) جنون یا سفه یکی از طرفین (۴) هر سه گزینه

که ۳- کدام یک از عقود ذیل از یک طرف لازم و از یک طرف جایز است؟

- (۱) عقد رهن (۲) عقد کفالت (۳) عقد بیع (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عقد معلق با تعلیق در انشا صحیح است. (۲) عقد معلق با تعلیق در انشا باطل است.
(۳) عقد معلق با تعلیق در منشأ باطل است. (۴) عقد معلق با تعلیق در منشأ هر دو باطل است.

که ۵- عقد بیعی که مورد معامله، مال کلی، عین معین، کلی در معین است، هر یک به ترتیب جزء کدام دسته عقود است؟

- (۱) عهده، عهده، تملیکی (۲) تملیکی، عهده، عهده (۳) عهده، تملیکی، تملیکی (۴) تملیکی، تملیکی، عهده

که ۶- حیات مباحات است.

- (۱) عقد (۲) شبه عقد (۳) ایقاع (۴) واقعه حقوقی

که ۷- کدام گزینه از جمله آثار عقود است؟

- (۱) تعهد (۲) اسقاط تعهد (۳) ایجاد شخصیت حقوقی (۴) هر سه گزینه

که ۸- کدام یک از عقود زیر عقد عینی است، عقدی که:

- (۱) در قانون عنوان معین دارد و قانون‌گذار به لحاظ اهمیت، شرایط و آثار آن را معین کرده است.
(۲) به صرف ایجاب و قبول و بدون نیاز به عامل دیگر به وجود می‌آید.
(۳) شرط صحت آن، قبض است.
(۴) مورد معامله در آن عین معین است.

که ۹- در کدام یک از موارد ذیل، معلق کردن، موجب بطلان عقد است؟

- (۱) عقد ضمان (۲) عقد کفالت (۳) عقد نکاح (۴) گزینه ۱ و ۳

که ۱۰- عقد خیار، جزء کدام دسته از عقود است؟

- (۱) جایز (۲) لازم (۳) معلق (۴) عینی



فصل دوم

«شرایط اساسی صحت معاملات»

تست‌های تألیفی فصل دوم

❏ مثال ۱: برای صحت یک عقد، کدام یک از عوامل زیر لازم است؟

- (۱) رضای طرفین (۲) قصد انشای طرفین (۳) یکی از قصد یا رضای طرفین (۴) قصد و رضای طرفین

❏ پاسخ: گزینه «۴» در ماده ۱۹۰ (قانون مدنی) ذکر شده قصد و رضا همراه هم آمده است.

❏ مثال ۲: قصد انشا یعنی:

- (۱) اعلام اراده (۲) ابراز اراده (۳) اعلام رضایت (۴) نیت ایجاد عقد

❏ پاسخ: گزینه «۴» (قصد انشا یعنی قصد ← نیت و انگیزه + انشا ← ایجاد کردن)

❏ مثال ۳: کدام یک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- (۱) فقدان رضای یکی از طرفین، مانع تأثیر عقود است. (۲) عقد فاقد رضای یکی از دو طرف، غیرنافذ است.
(۳) فقدان رضای یکی از دو طرف عقد، مانع تشکیل عقد است. (۴) عقد فاقد قصد و رضای یکی از دو طرف، باطل است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» چون رضا شرط تشکیل عقد نیست، بلکه شرط نفوذ عقد است.

❏ مثال ۴: الف پیشنهاد فروش ۲ کالا را به صورت جداگانه به شخص ب ایجاب می‌کند. کالای اول، ۵۰ کیلو سیب عین معین در مقابل ۵۰ هزار تومان و

کالای دوم، پنجاه بسته کد شیمیایی در مقابل ۷۰ هزار تومان. شخص ب ۲ هفته بعد قبول می‌کند. وضعیت عقد چگونه است؟

- (۱) چون قبول به ایجاب ملحق شده، عقد نسبت به هر دو کالا منعقد می‌شود.
(۲) عقد نسبت به کالای اول منعقد نشده، ولی نسبت به کالای دوم منعقد شده و صحیح است.
(۳) نسبت به هیچ کدام از دو کالا عقد منعقد نشده است.
(۴) نسبت به کالای اول عقد منعقد شده و صحیح است، ولی نسبت به کالای دوم عقد منعقد نشده است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» اولاً در سوال ذکر شده که فروش دو کالا به صورت مستقل ایجاب گردیده است. پس قبول هر کدام، به تنهایی نیز معتبر است. اما

چون در خصوص سیب با توجه به عین معین بودن و فسادپذیری آن عرفاً ایجاب باطل شده است و مدت دو هفته اعتبار ندارد، اما در مورد کد عرفاً قبول ظرف دو هفته معتبر است، زیرا کد مدت زیادی باقی می‌ماند. در نتیجه گزینه ۲ صحیح است.

❏ مثال ۵: شخص الف به وکالت از جانب شخص ب، فروش اتومبیل ب را به شخص ج ایجاب می‌کند. چند ساعت قبل از قبول شخص ج، وکیل (الف)

فوت می‌کند. قبول شخص ج در این حالت چه اثری دارد؟

- (۱) چون الف به وکالت از جانب ب اقدام نموده، فوت وکیل اثری ندارد و عقد منعقد می‌شود.
(۲) فقط در صورتی که الف وکیل تام‌الاختیار بوده باشد، عقد منعقد می‌شود.
(۳) قبول اثری ندارد.
(۴) تأثیر قبول موکول است به نظر موکل (شخص ب).

❏ پاسخ: گزینه «۳» در توضیح باید گفت که اولاً با فوت ایجاب‌کننده، ایجاب از بین می‌رود و قبول، بعد از فوت ایجاب‌کننده اثری ندارد، ثانیاً در این

سؤال وجود موکل نیز تأثیری ندارد، زیرا ایجاب از جانب وکیل صورت گرفته و این که با فوت وکیل، وکالت از بین می‌رود.

❏ مثال ۶: شخص الف پیشنهاد فروش ۱۰۰ دستگاه رایانه با پردازنده پنج هسته‌ای را با قیمت معین به شخص ب ایجاب می‌کند. شخص ب نیز اعلام می‌کند که ایجاب را به شرط این‌که پردازنده‌ها ۷ هسته‌ای باشند، قبول می‌کند. عقد چه وضعیتی دارد؟

(۱) عقد منعقد شده، ولی شرط معتبر نمی‌باشد.

(۲) عقد منعقد شده، و شرط لازم الاتباع است.

(۳) عقد منعقد نمی‌شود، قبول هیچ اثری ندارد، زیرا این خود ایجاب تازه‌ای است.

(۴) عقد منعقد می‌شود، ولی شرط مشروط به قبول ایجاب‌کننده است.

❑ پاسخ: گزینه «۳» همان‌طور که گفته شد، قبول می‌بایست بدون هیچ قید و شرطی باشد و قبول مشروط در حقیقت خود ایجابی جدید می‌باشد که نیازمند قبول است.

❏ مثال ۷: الف پیشنهاد فروش کالای معینی در برابر قیمت معین را به شخص ب ایجاب می‌کند. شخص ب قبولی خود را از طریق نامه‌ای به شخص الف اعلام می‌کند. یک روز قبل از رسیدن نامه قبولی به شخص الف، شخص ب از طریق تلفن به فروشنده (الف) اعلام می‌کند که از قبولی خود پشیمان شده و از قبولی خود رجوع می‌کند، عقد چه وضعیتی دارد؟

(۱) عقد منعقد نمی‌گردد، زیرا قبل از این‌که فروشنده (الف) از قبولی آگاه شود، خریدار پشیمانی خود را به او اعلام نموده است.

(۲) عقد منعقد می‌شود، زیرا فقط زمانی شخص ب می‌توانست از قبول خود رجوع کند که نامه را به پست نمی‌داد.

(۳) عقد منعقد نمی‌شود، زیرا قبولی از طریق نامه اعتبار ندارد.

(۴) عقد منعقد می‌شود، زیرا رد بعد از اعلان قبول اثری ندارد و آگاهی ایجاب‌کننده از قبول، شرط انعقاد عقد نمی‌باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۴» همان‌طور که در فوق توضیح داده شده، به محض اعلان قطعی قبول (که دادن نامه به پست کاشف از آن است) عقد منعقد می‌گردد و دیگر قابل رجوع نمی‌باشد.

❏ مثال ۸: عنصر سازنده عقد چیست؟

(۱) قصد

(۲) رضا

(۳) قصد و رضا

(۴) اهلیت طرفین

❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۱۹۱ قانون مدنی، عقد با قصد انشای طرفین منعقد می‌گردد، مشروط بر این‌که این قصد مقرون به چیزی باشد که دلالت بر آن نماید. رضا عنصر سازنده عقد نیست، بلکه عنصر نفوذ آن می‌باشد و هنگامی که قصد وجود دارد، بی‌گمان رضا نیز وجود دارد (به جز موارد استثنایی که رضا معیوب است).

❏ مثال ۹: اشتباه در نوع عقد چه تأثیری در عقد دارد؟

(۱) عقد را باطل می‌کند.

(۲) موجب عدم نفوذ عقد می‌گردد.

(۴) هیچ تأثیری در عقد ندارد.

(۳) برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌شود.

❑ پاسخ: گزینه «۱» مانند تصور هبه به جای عقد بیع که کلاً عقد را باطل می‌کند: ما وقع لم یقصد، ما قُصد لم یقع

❏ مثال ۱۰: اشتباه در کدام یک از امور زیر عقد را باطل نمی‌کند؟

(۱) ماهیت موضوع معامله

(۲) وصف فرعی موضوع معامله

(۳) ماهیت معامله

(۴) شخصیت طرف معامله در صورتی که علت عمده عقد باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۲» چون اشتباه در نوع عقد = اشتباه در ماهیت معامله = اشتباه در موضوع معامله یکی هستند و هر سه عقد را باطل می‌کند. اشتباه در طرف معامله هم در صورتی که علت عمده عقد باشد، موجب بطلان عقد است؛ پس گزینه «۲» جواب سؤال است.

❏ مثال ۱۱: مطابق مکتب شخصی، منظور از اشتباه در خود موضوع معامله چیست؟

(۱) اشتباهی که مربوط به جنس مورد معامله است.

(۲) اشتباه در صورت نوعیه موضوع معامله

(۳) اشتباه در وصفی که طرفین آن را وصف اساسی مورد معامله می‌دانند. (۴) اشتباه در شخص طرف معامله

❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق نظریه شخصی، اشتباه در خود موضوع معامله اشتباه در وصفی است که طرفین آن را وصف جوهری و اساسی موضوع معامله می‌دانند.



❏ مثال ۱۲: منظور از کلمه عدم‌نفوذ در ماده ۱۹۹ قانون که مقرر می‌دارد رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست، چیست؟

- (۱) بطلان (۲) غیرنافذ (۳) بطلان یا غیرنافذ (۴) قابل فسخ

❑ پاسخ: گزینه «۳» اشتباه مذکور در این ماده، موجب بطلان و اکراه گاهی موجب بطلان و گاهی موجب غیرنافذ شدن عقد می‌باشند. بنابراین کلمه عدم‌نفوذ اعم از بطلان و غیرنافذ می‌باشد.

❏ مثال ۱۳: شخصی به دیگری فروش یک دستگاه اتومبیل را به مبلغ معین ایجاب می‌کند. طرف مقابل ایجاب را به تصور این که قصد ایجاب‌کننده هبه است، قبول می‌کند. در این صورت عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) هیچ عقدی واقع نشده است. (۲) عقد هبه واقع شده است.
(۳) عقد بیع واقع شده است. (۴) دادگاه باید احراز کند که چه عقدی احراز شده است.

❑ پاسخ: گزینه «۱» چون ایجاب‌کننده قصد انعقاد عقد بیع را داشته و طرف مقابل قصد قبول هبه، بنابراین اشتباه در نوع عقد محقق شده و عقدی واقع نشده است.

❏ مثال ۱۴: اشتباه در کدام مورد موجب بطلان معامله است؟

- (۱) اشتباه در قیمت مال مورد معامله (۲) اشتباه در اوصاف معامله
(۳) اشتباه در ماهیت مورد معامله (۴) اشتباه در شخصیت طرف معامله

❑ پاسخ: گزینه «۳» علت این که گزینه ۲ پاسخ صحیح نمی‌باشد، این است که در این گزینه اوصاف معامله ذکر شده است، در حالی که آن چه که موجب بطلان معامله است، اشتباه در اوصاف اساسی مورد معامله می‌باشد و ایراد گزینه ۴ نیز این می‌باشد که اشتباه در شخصیت تنها در صورتی موجب بطلان معامله است که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.

❏ مثال ۱۵: الف برج‌ساز است و زمینی را خریداری می‌کند تا برج ۱۰ طبقه‌ای بسازد و بفروشد. اما پس از معامله متوجه می‌شود به موجب بخشنامه‌ای ساختن مسکن بیش از ۵ طبقه در آن منطقه ممنوع می‌باشد، وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است.
(۳) از طرف خریدار قابل فسخ است. (۴) در مقابل خریدار غیرقابل استناد است.

❑ پاسخ: گزینه «۱» اشتباه در انگیزه و داعی در معامله موثر نمی‌باشد.

❏ مثال ۱۶: الف و ب و ج یک شرکت تضامنی را تشکیل می‌دهند. پس از انعقاد عقد شرکت، الف و ب در می‌یابند که ج که خود را تاجر سرشناسی معرفی نموده است، تدلیس نموده و یک فرد کاملاً معمولی و بی‌بضاعت می‌باشد. عقد شرکت چه وضعیتی دارد؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) قابل فسخ است. (۴) غیرنافذ است.

❑ پاسخ: گزینه «۲» در شرکت تضامنی و نسبی شخصیت شریک علت عمده عقد می‌باشد؛ بنابراین مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد است. بنابراین چون در موارد مذکور علت عمده عقد شخصیت شریک می‌باشد و در آن اشتباه شده است؛ بنابراین شرکت باطل است.

❏ مثال ۱۷: اثر اشتباه ناشی از تدلیس چیست؟

- (۱) باعث عدم‌نفوذ معامله است.
(۲) سبب فسخ عقد است.
(۳) موجب بطلان عقد است.
(۴) اگر باعث اشتباه در علت عمده عقد یا خود موضوع معامله باشد موجب بطلان و در صورتی که در اوصاف فرعی باشد، موجب ایجاد حق فسخ است.

❑ پاسخ: گزینه «۴» تدلیس در قانون مدنی در شمار خیارات آمده است. اگر در معامله، تدلیس رخ دهد، معامله صحیح است ولی گاهی اتفاق می‌افتد که تدلیس سبب اشتباه در خود موضوع معامله یا شخص طرف معامله می‌شود. در این گونه موارد، اشتباه بر تدلیس مقدم است و عقد باطل می‌باشد.

❏ مثال ۱۸: کدام گزینه غلط است؟

- (۱) اشتباه در ارزش مورد معامله موجب بطلان عقد است.
- (۲) اشتباه در جهات و انگیزه‌های خاص دو طرف، اثر حقوقی در معامله ندارد و عقد صحیح است.
- (۳) اشتباه در جهت مشترک در صورتی مؤثر است که مربوط به موضوع معامله و شخصیت طرف باشد.
- (۴) اشتباه ناشی از تدلیس موجب خیار فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» اشتباه در ارزش مورد معامله، موجب بطلان عقد نمی‌شود و اگر این اشتباه باعث ضرر به اشتباه‌کننده شود، در این صورت وی با استناد به خیار غبن حق فسخ معامله را دارد.

❏ مثال ۱۹: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اشتباه در وصف اساسی همسر اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را باطل می‌گرداند.
- (۲) اشتباه در شخص طرف معامله در صورتی که این شخصیت علت عمده عقد باشد، موجب بطلان عقد است.
- (۳) اشتباه در اوصاف مورد معامله، عقد را باطل می‌کند.
- (۴) اشتباه در علت معامله، موجب عدم‌نفوذ عقد است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» بر اساس ماده ۲۰۱ (قانون مدنی) اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر جایی که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد.

❏ مثال ۲۰: عقد اکراهی چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) معتبر است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۲۰۳ (قانون مدنی): اکراه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص ثالث باشد.

❏ مثال ۲۱: اکراه در معامله چه اثری دارد؟

- (۱) همواره موجب بطلان است.
- (۲) همواره موجب عدم‌نفوذ است.
- (۳) اثری ندارد.
- (۴) گاه موجب بطلان و گاه موجب عدم‌نفوذ است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» اکراه معنوی موجب عدم‌نفوذ و اکراه مادی موجب بطلان است.

❏ مثال ۲۲: A، B را تهدید می‌کند که چنانچه اتومبیل خود را زیر قیمت به وی نفروشد، اتومبیل او را به آتش خواهد کشید و تحت این تهدید B معامله را انجام می‌دهد، سرنوشته عقد چه می‌باشد؟

- (۱) باطل
- (۲) صحیح
- (۳) قابل فسخ
- (۴) غیرنافذ

❏ پاسخ: گزینه «۴» این معامله، معامله اکراهی است و طبق ماده ۲۰۳ (قانون مدنی) حکم آن عدم‌نفوذ است.

❏ مثال ۲۳: پزشکی برای عمل جراحی فرزند شخص الف مبلغی را مطالبه می‌کند که شخص الف مجبور به فروش اتومبیل خود می‌شود، معامله:

- (۱) باطل است.
- (۲) غیرنافذ است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) قابل فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» زیرا این معامله از مصادیق معامله اکراهی نیست، بلکه اضطراری است که طبق ماده ۲۰۶ قانون مدنی، این معامله صحیح و نافذ است.

❏ مثال ۲۴: نظریه پذیرفته شده در حقوق ایران در مورد معیار تشخیص تأثیر اکراه کدام است؟

- (۱) معیار نوعی به صورت مطلق پذیرفته شده است.
- (۲) معیار شخصی به صورت مطلق پذیرفته شده است.
- (۳) اصولاً معیار نوعی غالب است.
- (۴) هر دو معیار نوعی و شخصی پذیرفته شده است، اما در صورت تعارض معیار شخصی غالب است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بنابر ماده ۲۰۲ قانون مدنی هر دو معیار شخصی و نوعی در تشخیص اکراه مؤثر است، ولی در صورت تعارض معیار شخصی مقدم است.



❏ مثال ۲۵: در معامله‌ای که تحت تأثیر اکراه انجام گرفته، اجازه مکره ...

- (۱) فقط نسبت به عین مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۲) فقط نسبت به منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۳) نسبت به عین و منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۴) نسبت به عین و منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی ندارد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اجازه دادن معامله اکراهی اثر قهقرایی دارد یعنی از روز تشکیل عقد موجب انتقال عین و منافع مال شده است.

❏ مثال ۲۶: ولی کودک صغیری ملک صغیر را برای مدت ۱۰ سال به اجاره واگذار نموده است، پس از ۵ سال صغیر، بالغ و رشید می‌شود، برای مدت باقی‌مانده، اجاره:

- (۱) فسخ می‌شود.
 (۲) نیاز به تأیید کسی ندارد.
 (۳) منوط به اجازه شخص بالغ و رشید است.
 (۴) توسط شخص بالغ و رشید قابل فسخ است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» چون در زمان انعقاد عقد اجاره تمامی شرایط صحت وجود داشته، پس نیازی به تأیید مجدد ندارد. در نتیجه عقد تا انقضای مدت صحیح است.

❏ مثال ۲۷: صغیر ممیزی صلح بلاعوضی را قبول می‌کند. پس از مدتی صغیر ممیز و مصالح عقد را اقاله می‌کنند، وضعیت عقد و اقاله چگونه است؟

- (۱) عقد و اقاله هر دو غیرنافذ هستند.
 (۲) عقد و اقاله هر دو نافذ هستند.
 (۳) عقد نافذ ولی اقاله غیرنافذ است.
 (۴) عقد و اقاله هر دو باطل‌اند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» معامله بلاعوض صغیر ممیز صحیح و نافذ است و نیازی به تنفیذ ولی ندارد، ولی اقاله چون به زبان صغیر می‌باشد غیرنافذ و منوط به تنفیذ ولی یا قیم او است.

❏ مثال ۲۸: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) معامله مجنون ادواری در حال افاقه باطل است.
 (۲) معامله مجنون ادواری در حال جنون و افاقه باطل است.
 (۳) معامله مجنون ادواری در حال افاقه اگر افاقه او مسلم نباشد غیرنافذ است.
 (۴) معامله مجنون ادواری در حال افاقه نافذ و در حال جنون باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، مجنون ادواری کلیه معاملاتی در زمان افاقه نافذ است.

❏ مثال ۲۹: در کدام یک از عقود ذیل اگر متعاملین، غیررشید باشد عقد نافذ است؟

- (۱) اجاره (۲) عاریه (۳) ودیعه (۴) هیچ‌کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اولاً عقد اجاره عقدی است معوض، بنابراین طرفین عقد باید بالغ و رشید باشند. ثانیاً عقد عاریه اگرچه عقدی رایگان می‌باشد و سفیه با عاریه گرفتن مالی از آن به صورت مجانی منتفع می‌شود، ولی عقد عاریه تعهداتی را برای مستعیر (عاریه گیرنده) ایجاد می‌کند که نمونه آن حفاظت از مال مورد عاریه است. در خصوص ودیعه نیز مستودع مکلف به نگهداری مال مورد ودیعه است. بنابراین عقود مذکور در تمام گزینه‌ها نیازمند اهلیت می‌باشند و هیچ‌کدام از موارد فوق اگر توسط سفیه منعقد شود نافذ نیست. همچنین باید دقت نمود اگر عقدی کاملاً نافع برای سفیه باشد، چنانچه معامله او دارای اهمیت باشد، نافذ است، لیکن در سوال کلمه متعاملین، یعنی هر دو طرف معامله ذکر شده است.

❏ مثال ۳۰: حکم معامله‌ای که مجنون ادواری انجام داده است، چیست؟

- (۱) غیرقابل استناد است.
 (۲) صحیح است چون اصل اهلیت می‌باشد و عدم اهلیت امری استثنایی می‌باشد.
 (۳) غیرنافذ است و منوط به تنفیذ قیم
 (۴) اصولاً باطل است؛ زیرا حکم دادگاه اماره‌ای بر وجود جنون و عدم اهلیت مجنون ادواری است، مگر این که افاقه او در زمان معامله به نحوی ثابت شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» معاملات مجنون ادواری در حال جنون باطل و در حال افاقه صحیح است، ولی اگر جنون یا افاقه او مسلم نباشد معامله مجنون ادواری باطل است، مگر این که افاقه او ثابت شود.

مثال ۳۱: شخص الف عقد بیعی را با شخص ب منعقد می‌کند. بعد از عقد شخص الف ثابت می‌کند که عقد را به نمایندگی از شخص ج منعقد نموده است، ولی در عقد آن را پنهان داشته است. عقد برای چه کسی منعقد شده است؟ تعهد پرداخت ثمن به ب با چه کسی است؟

(۱) عقد برای شخص الف منعقد شده است؛ چون اراده ظاهری مبتنی بر این است. شخص الف متعهد به پرداخت ثمن است.

(۲) عقد برای شخص ج منعقد شده است، شخص ج مکلف به پرداخت ثمن می‌باشد.

(۳) عقد برای شخص ج منعقد شده است، چون نماینده الف سمت خود را پنهان نموده است، الف باید ثمن را به ب بپردازد و سپس می‌تواند به ج رجوع کند.

(۴) عقد غیرنافذ است و منوط به تنفیذ شخص ب

پاسخ: گزینه «۳» هرگاه نماینده در زمان انعقاد عقد، سمت خود را پنهان نماید و چنین وانمود کند که اصیل است، هر چند مطابق ظاهر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، عقد برای اصیل و به طور صحیح واقع می‌شود ولی نماینده به لحاظ تقصیری که مرتکب شده مسئول اجرای تعهدات ناشی از عقد و ملزم به جبران خسارت وارد به طرف عقد می‌باشد.

مثال ۳۲: الف مالی را به نمایندگی از جانب ب از ج خریداری می‌کند، ولی در هنگام عقد سمت خود را پنهان می‌کند. بعد از انعقاد عقد، الف اثبات می‌کند که معامله را به نمایندگی از ب منعقد نموده است. معامله چه وضعیتی دارد؟

(۱) معامله در هر حال صحیح است.

(۲) معامله در هر حال باطل است.

(۳) معامله اصولاً باطل است.

(۴) معامله اصولاً صحیح است مگر این که ج ثابت کند شخصیت طرف علت عمده عقد بوده که در این صورت به علت اشتباه در شخصیت طرف معامله عقد باطل است.

پاسخ: گزینه «۴» هرگاه شخصیت طرف مقابل علت عمده عقد باشد، اشتباه در آن موجب بطلان معامله خواهد شد.

مثال ۳۳: شخص الف با شخص ب قرار می‌گذارند که اتومبیلی را به قیمت معین معامله کنند. سپس شخص الف به عنوان فروشنده اتومبیل به شخص ج وکالت در انعقاد قرارداد فروش اتومبیل به شخص ب با همان قیمت معین را می‌دهد. البته ج فقط وکیل در امضا قرارداد می‌باشد و تمام توافقات بین فروشنده و خریدار قبلاً صورت گرفته است. حال در هنگام معامله شخص ب وکیل را تهدید می‌کند که اگر سند معامله را امضا نکند خانه او را به آتش می‌کشد شخص ج نیز سند معامله را از روی اکراه در حدود اختیارات خود امضا می‌کند. معامله چه وضعیتی دارد؟

(۱) صحیح و نافذ است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

پاسخ: گزینه «۱» زیرا که در این سوال وکیل تنها فرستاده موکل می‌باشد (اراده او سازنده عقد نیست و تنها مجری اراده موکل است) و چون مفاد سند مطابق با خواست و توافق قبلی موکل و طرف قرارداد می‌باشد، عقد صحیح و نافذ می‌باشد.

مثال ۳۴: شخصی به موجب قرارداد وکالت، وکیل در فروش مالی می‌شود و مال مزبور را به خود منتقل می‌کند، این قرارداد:

(۱) به علت عدم وجود طرفین عقد باطل است. (۲) به علت وجود تعدد اعتباری صحیح است.

(۳) در هر صورت صحیح است. (۴) در هر صورت ولو با رعایت منافع موکل و قیمت ثابت مال باطل است.

پاسخ: گزینه «۲» زیرا در عقود تعدد اعتباری کافی است. گزینه «۳» صحیح نیست؛ زیرا در صورت عدم رعایت غبطه موکل عقد، غیرنافذ می‌شود.

مثال ۳۵: معیار تشخیص مالیت داشتن مورد معامله در حقوق ایران چیست؟

(۱) فقط شخصی است. (۲) فقط نوعی است.

(۳) اصولاً نوعی است، مگر این که در نزد طرفین مالیت داشته باشد. (۴) اصولاً شخصی است، مگر این که در عرف مالیت داشته باشد.

پاسخ: گزینه «۳» همان طور که در فوق تشریح شد، در حقوق ایران معیار مالیت داشتن مورد معامله اصولاً نظر عرف می‌باشد، ولی اگر چیزی در نزد عرف مالیت نداشته باشد، ولی در نظر طرفین قرارداد مالیت داشته باشد، عقد صحیح است.



❏ مثال ۳۶: معیار تشخیص تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه چیست؟

(۱) اراده مشترک دو طرف

(۲) مفاد قرارداد

(۳) اصولاً اراده مشترک دو طرف و مفاد قرارداد و اگر از آن‌ها قابل برداشت نباشد، از طریق نوع کاری که مدیون بر عهده می‌گیرد.

(۴) فقط از طریق عرف

❏ پاسخ: گزینه «۳» برای تشخیص این که آیا مفاد تعهد، ناظر به نتیجه است یا وسیله باید به اراده طرفین که در عقد به صورت صریح یا ضمنی آمده است رجوع کنیم و اگر اراده طرفین معلوم نباشد از طریق نوع کاری که مدیون بر عهده گرفته است نوع تعهد را مشخص می‌کنیم.

❏ مثال ۳۷: در موردی که موضوع معامله کلی است، تعیین کدام مورد ضروری نیست؟

(۴) مرغوبیت

(۳) مقدار

(۲) وصف اساسی

(۱) جنس

❏ پاسخ: گزینه «۴» اگر مورد معامله کلی باشد، مقدار و جنس و وصف کالا لازم است ولی مرغوبیت نیاز به تعیین ندارد و در صورت عدم تعیین، مطابق ماده ۲۷۹ قانون مدنی اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلاای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است، نمی‌تواند بدهد.

❏ مثال ۳۸: کدام گزینه نادرست است؟

(۱) اصولاً مورد معامله باید معلوم باشد، ولی در بعضی از عقود علم اجمالی کافی است.

(۲) مورد معامله همیشه باید معین باشد.

(۳) در عین کلی مورد معامله لازم نیست که در زمان عقد موجود باشد.

(۴) در عین معین اگر مورد معامله در هنگام عقد موجود نباشد، عقد باطل است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» در جعاله می‌تواند مورد معامله مردد باشد.

❏ مثال ۳۹: در کدام عقد علم اجمالی به مورد معامله کافی نیست؟

(۴) بیع

(۳) صلح

(۲) ضمان

(۱) جعاله

❏ پاسخ: گزینه «۴» در عقود مسامحه‌ای علم اجمالی به موضوع معامله کافی است (مثل ضمان، صلح، جعاله)، ولی در عقود مغایه‌ای می‌بایست مورد معامله تفصیلاً معلوم باشد (مثل بیع، اجاره).

❏ مثال ۴۰: ولی قهری یکی از ۲ دختر خود را بدون این که تعیین کند کدام یک را مدنظر دارد به عقد مردی در می‌آورد این عقد:

(۲) به علت معلوم نبودن مورد عقد باطل است.

(۱) به علت مردد بودن مورد عقد باطل است.

(۴) معامله صحیح است و اثر حقوقی دارد.

(۳) به علت کفایت علم اجمالی صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» زیرا در عقد فوق موضوع عقد مردد بین طرفین می‌باشند؛ که در صورت عدم تعیین عقد باطل می‌شود.

❏ مثال ۴۱: کدام یک از موارد زیر جزء شرایط مال موضوع انتقال نمی‌باشد؟

(۲) معلوم و معین بودن در تمام عقود

(۱) موجود بودن مال در زمان عقد در معامله‌ی عین معین

(۴) طلق بودن مال

(۳) مقدورالتسلیم بودن مال

❏ پاسخ: گزینه «۲» زیرا همان‌طور که توضیح داده شد در ماده ۲۱۶ قانون گذار معلوم و معین بودن را جزء شرایط اساسی مورد معامله می‌داند، ولی همان‌طور که بند دوم ماده مقرر کرده در بعضی از عقود لازم نیست که مورد معامله معلوم باشد و علم اجمالی (قابل تعیین بودن) کافی است، ضمناً منظور از طلق بودن مال همان ممنوع نبودن از نقل و انتقال است.

مثال ۴۲: اتومبیل شخصی به سرقت می‌رود و به خارج از کشور منتقل می‌شود، اتومبیل در کشور مزبور شناسایی و توقیف می‌شود، مالک به علت ممنوعیت در خروج از کشور قادر به تسلط بر مال نیست و اتومبیل را به یکی از دوستان خود که توانایی استرداد مال را دارد می‌فروشد این معامله: (۱) صحیح نیست زیرا مال باید قابلیت تسلیم و تسلیم را داشته باشد.

(۲) صحیح است زیرا مالک با وجود عدم توانایی به تسلیم و تصرف، خریدار رضایت داده است.

(۳) صحیح است زیرا خریدار قادر بر تصرف و تسلیم مال است.

(۴) صحیح نیست زیرا مالک قادر بر تصرف مال نیست.

☒ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۳۸ (قانون مدنی)

مثال ۴۳: شرکت هواپیمایی در ضمن قرارداد کار از مهمانداران خود تعهد اخذ می‌کنند که در طی مدت ۱۰ سال اول فعالیت از ازدواج خودداری کنند این قرارداد:

(۱) صحیح است.

(۲) غیرنافذ است.

(۳) در صورت ازدواج به شرکت هواپیمایی اختیار فسخ می‌دهد.

(۴) قرارداد صحیح، ولی این شرط باطل می‌باشد به علت مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه.

☒ پاسخ: گزینه «۴» زیرا تعهد بر عدم ازدواج موجب رواج فساد و فحشا می‌شود و این امر با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرت دارد.

مثال ۴۴: در مورد جهت معامله کدام گزینه صحیح است؟

(۱) جهت معامله امری نوعی است که فقط در صورت تصریح در عقد موجب بطلان عقد است.

(۲) جهت معامله امری نوعی شخصی است که در صورت نامشروع بودن در هر حال موجب بطلان عقد است.

(۳) جهت معامله امری شخصی است که در صورت نامشروع بودن آن و این که هر دو از آن آگاه باشند یا مشترک بین هر دو باشد، موجب بطلان عقد است.

(۴) جهت معامله امری نوعی است که در صورت تصریح در عقد اگر نامشروع باشد، موجب بطلان عقد است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» جهت معامله امری شخصی می‌باشد که در صورتی که نامشروع باشد و در عقد تصریح شود، موجب بطلان معامله است و آگاهی دو طرف از نامشروع بودن جهت معامله به منزله تصریح در عقد است. گزینه (۱) به این علت پاسخ صحیح نمی‌باشد که چون فقط در صورتی جهت نامشروع معامله را موجب بطلان عقد می‌داند که در عقد تصریح شده باشد.

مثال ۴۵: شخصی برای اخذ وام اقدام به انعقاد عقد ازدواج با دختری می‌نماید و در قرارداد جداگانه طرفین اعلام می‌نمایند که بعد از ۳ ماه به دادگاه مراجعه و به صورت توافقی رضایت خود را بر طلاق اعلام نمایند. بعد از ۳ ماه مرد با مراجعه به دادگاه درخواست طلاق می‌نماید و دختر قرارداد دوم را جهت دفاع ارائه می‌کند، دادگاه چگونه حکم می‌دهد؟

(۱) حکم به طلاق می‌دهد زیرا طرفین خود راضی به جدایی می‌باشند.

(۲) دادخواست طلاق را رد می‌کند، زیرا توافق طرفین بر طلاق نافذ نیست.

(۳) ازدواج به علت فقدان قصد ازدواج باطل است.

(۴) حکم به رد دادخواست طلاق و تمکین زوجه می‌دهد.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا طرفین قصد ازدواج نداشته‌اند و معامله صوری به واسطه فقدان قصد باطل است.

مثال ۴۶: الف کالایی را از ب می‌خرد و در مقابل، چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال از حساب خود به ب تحویل می‌دهد، یک روز قبل از موعد چک به واسطه خساراتی که الف به دیگری وارد می‌آورد مجبور می‌شود مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال از حساب خارج کند حال ایفای این دین ...

(۱) باطل است زیرا الف به دیگری بدهکار بود.

(۲) غیرنافذ است و الف می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند.

(۳) صحیح است.

(۴) باطل است زیرا محل دین به واسطه صدور چک به الف منتقل شده است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا پرداخت به واسطه دینی بوده و دیگری نیز طلبکار محسوب می‌شده است. از طرفی با صدور و انتقال چک، محل آن منتقل نمی‌شود.



آزمون فصل دوم

که ۱- معامله یک فرد بالغ با صغیر غیرممیز چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) نافذ است. (۴) غیرنافذ است.

که ۲- در کدام یک از موارد زیر ایجاب از بین می‌رود؟

- (۱) با سپری شدن مدت ایجاب
(۲) در صورت صدور حکم ورشکستگی
(۳) با فوت و حجر طرف
(۴) همه موارد

که ۳- قصد انشا را می‌سازد ولی رضا عنصر است، اگر رضا نباشد، موجب عقد است ولی اگر قصد نباشد، موجب عقد است.

- (۱) تأثیر عقد، عدم نفوذ، بطلان
(۲) تأثیر عقد، بطلان، عدم نفوذ
(۳) عقد، تأثیر عقد، عدم نفوذ، بطلان
(۴) عقد، تأثیر عقد، صحت، عدم نفوذ

که ۴- A اتومبیل خود را می‌خواهد به B بفروشد. B تصور می‌کند که A قصد هبه دارد و آن را می‌گیرد، تکلیف این معامله چیست؟ چرا؟

- (۱) عقد باطل است، اشتباه در هویت موضوع عقد
(۲) عقد نافذ است، اشتباه در نوع عقد
(۳) عقد غیرنافذ است، عدم نفوذ، بطلان
(۴) عقد باطل است، اشتباه در نوع عقد

که ۵- A اسبی را به تصور این که اسب خودش مرده است، می‌خرد بعد آشکار می‌گردد که اسب او زنده بوده است، معامله چه حکمی دارد؟ چرا؟

- (۱) باطل است، اشتباه ناشی از تدلیس
(۲) صحیح است، اشتباه در داعی معامله
(۳) باطل است، اشتباه در داعی معامله
(۴) صحیح است، اشتباه در قانون

که ۶- اجازه معامله بعد از رفع اکراه نسبت به مؤثر است؟

- (۱) گذشته (۲) آینده (۳) حال (۴) گزینه ۱ و ۳

که ۷- اثر معامله به قصد فرار از دین است.

- (۱) صحیح و نافذ است.
(۲) معامله به خاطر جهت نامشروع باطل است.
(۳) غیرقابل استناد در برابر طلبکاران.
(۴) صحیح است، اگر طلبکاران اجازه دهند.

که ۸- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) معلوم بودن کمیت مورد عقد، لازم است.
(۲) معلوم بودن اوصاف مهم مورد عقد، لازم نیست.
(۳) معلوم بودن جنس مورد عقد، لازم است.
(۴) معلوم بودن ارزش مورد عقد، لازم است.

که ۹- عقد اضطراری است.

- (۱) نافذ (۲) باطل (۳) غیرنافذ (۴) قابل فسخ

که ۱۰- رکن ایجاد عقد کدام است؟

- (۱) قصد انشا (۲) قصد و رضا (۳) قصد (۴) اهلیت قانونی

که ۱۱- قصد انشا به چه معنی می‌باشد؟

- (۱) اعلام رضایت (۲) ابراز اراده (۳) اعلام اراده (۴) نیت انعقاد عقد

که ۱۲- در صورتی که طرفین رضایت به انعقاد عقد نداشته باشند عقد:

- (۱) باطل است. (۲) نافذ است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

که ۱۳- توالی بین ایجاب و قبول به چه معناست؟

- (۱) ایجاب و قبول، بی‌فاصله با هم واقع شوند.
(۲) قبول، بعد از ایجاب باشد.
(۳) قبول باید در زمانی اعلام شود که موجب هنوز بر پیشنهاد خود باقی است.
(۴) قبول، قبل از ایجاب باشد.



ک ۱۴- اگر فردی در حال مستی معامله‌ای را انجام دهد، حکم آن معامله چیست؟

- (۱) قابل فسخ است. (۲) غیرنافذ است. (۳) صحیح است. (۴) باطل است.

ک ۱۵- کدام یک از معاملات زیر باطل است؟

- (۱) به قصد فرار از دین (۲) صوری (۳) کم فروشی (۴) گران فروشی

ک ۱۶- هرگاه طرفین عقد، علم به غیرقابل تسلیم بودن مبیع داشته باشند ولی معامله کنند، آن گاه بعد از عقد خریدار بر آن تسلط پیدا کند، حکم این

معامله چیست؟

- (۱) غیرنافذ است. (۲) باطل است. (۳) منفسخ است. (۴) بایع حق فسخ دارد.

ک ۱۷- ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث چیست؟

- (۱) عقد است. (۲) ماهیتی است که از مبنا و نسبت به ثالث، ایقاع است. (۳) ایقاع است. (۴) اداره‌ی مال غیر است.

ک ۱۸- فروش مال مولی علیه توسط قیم به خود:

- (۱) غیرنافذ است. (۲) باطل است. (۳) صحیح است با اجازه دادستان. (۴) قابل فسخ است.

ک ۱۹- اشتباه در کدام یک از موارد زیر عقد را باطل می‌کند؟

- (۱) ماهیت عقد (۲) ارزش مورد معامله (۳) اوصاف مهم مورد عقد (۴) جهت عقد

ک ۲۰- کدام یک از موارد زیر جزء عیوب اراده نیست؟

- (۱) اشتباه (۲) اکراه (۳) اجبار (۴) تدلیس

ک ۲۱- اشتباه در نوع عقد چه تأثیری در عقد دارد؟

- (۱) عقد را باطل می‌کند. (۲) عقد را غیرنافذ می‌کند. (۳) حق فسخ ایجاد می‌کند. (۴) در عقود لازم موجب بطلان می‌شود و در عقود جایز اثری ندارد.

ک ۲۲- در صورتی که اشتباه در اوصاف فرعی موضوع قرارداد وجود داشته باشد، حکم معامله در چیست؟

- (۱) صحیح است. (۲) غیرنافذ است. (۳) باطل است. (۴) صحیح و قابل فسخ است.

ک ۲۳- کدام یک از عبارتهای زیر صحیح می‌باشد؟

- (۱) عقد مکره غیرنافذ است. (۲) عقد مکره غیرنافذ است. (۳) عقد مکره باطل است. (۴) عقد مکره باطل است.

ک ۲۴- معامله‌ی اضطراری و اکراهی به ترتیب چه اثری دارد؟

- (۱) باطل و غیرنافذ است. (۲) صحیح و غیرنافذ است. (۳) غیرنافذ و صحیح است. (۴) غیرنافذ و باطل است.

ک ۲۵- اگر اکراه به درجه‌ای باشد که سبب فقدان قصد طرف مقابل گردد، حکم معامله‌ی انجام شده چه می‌باشد؟

- (۱) غیرنافذ است. (۲) صحیح است. (۳) باطل است. (۴) قابل فسخ است.



فصل سوم

«آثار قراردادهای و تعهدات»

تست‌های تألیفی فصل سوم

کج مثال ۱: الف تعهد به ساختن یک منزل مسکونی برای دیگری می‌کند ولی برای انجام آن به جای استفاده از مصالح سیمان و گچ و ... از کاه و گل استفاده می‌کند، طرف مقابل به این امر اعتراض می‌کند و الف با استناد به عدم تصریح استفاده از مصالح سیمان و گچ و ... خود را مختار در استفاده از نوع دلخواه می‌داند. قاضی در مواجهه با چنین اختلافی چگونه حکم می‌دهد؟

- (۱) به علت عدم تصریح در قرارداد اعتراض طرف مقابل را رد می‌کند.
- (۲) به استناد ماده ۲۲۰، با توجه به عرف مصالح منطقه، حکم علیه الف صادر می‌کند.
- (۳) صرفاً طرفین را به صلح و سازش دعوت می‌کند.
- (۴) به علت عدم وجود قانون در این زمینه و عدم تصریح در قرارداد حکم به نفع الف صادر می‌کند.

پاسخ: گزینه «۲» به استناد ماده ۲۲۰ (قانون مدنی) ☒

کج مثال ۲: در خصوص اصول حاکم بر قرارداد، سلسله مراتب به چه ترتیبی صحیح است؟

- (۱) قوانین تکمیلی، اراده طرفین، عرف، قوانین امری
- (۲) قوانین امری، اراده طرفین، عرف، اراده طرفین
- (۳) قوانین امری، اراده طرفین، عرف، قوانین تکمیلی
- (۴) عرف، قوانین امری، اراده طرفین، قوانین تکمیلی

پاسخ: گزینه «۳» ☒

کج مثال ۳: شخصی پس از انعقاد معامله مدعی می‌شود که در نوع معامله اشتباه کرده و به تصور این که طرف مقابل به او هبه کرده است، او نیز قبولی را اعلام کرده، در این جا چه کسی مدعی است و وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) مدعی بطلان باید ادعای خود را اثبات کند، به استناد اصل صحت.
- (۲) مدعی صحت باید درستی معامله را اثبات کند، به استناد اصل استصحاب.
- (۳) مدعی بطلان باید ادعای خود را ثابت کند، به استناد اصل استصحاب.
- (۴) مدعی صحت باید درستی معامله را اثبات کند، به استناد اصل صحت.

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۲۲۳ (قانون مدنی): «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر این که فساد آن معلوم گردد.» ☒

کج مثال ۴: وضعیت تعدیل قراردادهای در نظام حقوقی کنونی ایران چگونه است؟

- (۱) به هیچ عنوان تعدیل قرارداد امکان‌پذیر نیست.
- (۲) فقط در صورت تصریح در قرارداد امکان تعدیل قرارداد وجود دارد.
- (۳) فقط در موارد مصرّح در قانون تعدیل قرارداد امکان‌پذیر است.
- (۴) در موارد مصرّح در قانون و قرارداد طرفین امکان تعدیل قرارداد وجود دارد.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که در بالا توضیح داده شد، قاضی فقط در موارد مصرّح در قانون و یا در مواردی که طرفین در قرارداد پیش‌بینی نموده‌اند قرارداد را تعدیل نماید. ☒

آزمون فصل سوم

که ۱- اصل الزامی بودن قراردادها شامل است.

- (۱) چیزی است که صریحاً در عقد ذکر شده است.
(۲) لوازم عرفی و قانونی عقد.
(۳) گزینه ۱ و ۲
(۴) فقط لوازم قانونی عقد.

که ۲- کدام گزینه جزء آثار قراردادها نیست؟

- (۱) اصل لزوم‌الاتباع بودن مفاد قرارداد (۲) اصل لزوم قراردادها
(۳) اصل نسبی بودن قرارداد (۴) اصل عدم صحت قراردادها

که ۳- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) در صورت تعارض عرف و عادت با قوانین تکمیلی، عرف مقدم است.
(۲) در صورت تعارض عرف و عادت با قوانین تکمیلی، قوانین تکمیلی مقدم است.
(۳) در صورت تعارض عرف و عادت با مفاد قرارداد، عرف و عادت مقدم است.
(۴) در صورت تعارض قوانین تکمیلی با مفاد قرارداد، قوانین تکمیلی مقدم است.

که ۴- کدام مورد جزء شرایط تعدیل دین در دادگاه ایران، نمی‌باشد؟

- (۱) با مطالبه داین و تمکن مدیون، وی از پرداخت امتناع کند.
(۲) طلبکار تعدیل دین را درخواست کرده باشد.
(۳) دادگاه با توجه به اوضاع، بدون درخواست طلبکار این تصمیم را گرفته باشد.
(۴) موضوع دین وجه رایج باشد.

که ۵- منظور از اصل نسبی بودن در قراردادها یعنی است.

- (۱) آثار قراردادها نسبت به متعاملین و قائم مقام آن‌ها و اشخاص ثالث مؤثر است.
(۲) آثار قراردادها فقط و فقط نسبت به متعاملین مؤثر است.
(۳) آثار قراردادها فقط و فقط نسبت به متعاملین و قائم مقام آن‌ها مؤثر است.
(۴) آثار قراردادها فقط و فقط نسبت به اشخاص ثالث مؤثر است.

که ۶- کدام یک از موارد زیر جزء استثنائات اصل نسبی بودن قراردادها نیست؟

- (۱) تعهد به نفع ثالث (۲) تعهد به ضرر ثالث (۳) معامله فضولی (۴) قرارداد جمعی

که ۷- ممکن است در قرارداد حق فسخ برای یکی از طرفین یا هر دو یا شخص ثالث پیش بینی شده باشد به این می‌گویند.

- (۱) اختیار شرط (۲) اختیار عیب (۳) اختیار غبن (۴) اختیار تدلیس

که ۸- الفاظ عقود محمول است بر معنی است.

- (۱) منطقی (۲) عرفی (۳) حقوقی (۴) ادبی

که ۹- لازم‌الاتباع بودن در کدام یک از عقود زیر وجود دارد؟

- (۱) جایز (۲) خیاری (۳) لازم (۴) هر سه گزینه

که ۱۰- تعهد به نفع ثالث از حیث ماهیت حقوقی است.

- (۱) واقعی حقوقی (۲) عمل حقوقی (۳) عقد (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۱۱- اصل در عقود است.

- (۱) جایز بودن است. (۲) لازم بودن است. (۳) رضایی بودن است. (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح می‌باشد.

که ۱۲- در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدله می‌تواند کند.

- (۱) فقط مطالبه‌ی خسارت کند.
(۲) فقط قرارداد را فسخ کند.
(۳) فقط از حق حبس استفاده کند.
(۴) با اجازه حاکم به هزینه متعهد، عمل را انجام دهد.

که ۱۳- در صورتی که متعهد از انجام تعهد سرباز زند و امکان الزام او وجود نداشته باشد:

- (۱) در صورتی که مباشرت متعهد شرط نباشد، حاکم می‌تواند به هزینه متعهد موجبات انجام آن را فراهم کند.
(۲) در هر حال حاکم می‌تواند اجرای تعهد را به شخص دیگری واگذار کند.
(۳) حاکم حق ندارد اجرای تعهد را به دیگری واگذار کند.
(۴) در صورتی که مباشرت متعهد شرط نباشد، حاکم باید به هزینه متعهدله موجبات انجام آن را فراهم نماید.



که ۱۴- در صورت تعارض عرف با قانون، کدام مقدم است؟

- (۱) حکم عرف مقدم است در صورتی که قانون از قوانین تکمیلی باشد.
- (۲) حکم قانون مقدم است.
- (۳) حکم عرف مقدم است در صورتی که طرفین با آگاهی بر عرف، قرارداد را منعقد کرده باشند.
- (۴) حکم عرف و قانون بی‌تأثیر است.

که ۱۵- اگر عقد اصلی اکراهی باشد، شرط ضمن عقد:

- (۱) باطل است.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) غیرنافذ است.

که ۱۶- کدام یک از شروط زیر باطل است؟

- (۱) شرط معلق
- (۲) شرط مجهول
- (۳) شرط بدون فایده
- (۴) شرط ترک فعل

که ۱۷- شرط نامشروع جزء شروط باطل و:

- (۱) مفسد عقد است.
- (۲) غیرمبطل است.
- (۳) مبطل است.
- (۴) هیچکدام

که ۱۸- کدام یک از شروط زیر موجب بطلان عقد می‌شود؟

- (۱) شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد
- (۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد
- (۳) شرط نامشروع
- (۴) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.

که ۱۹- منظور از شرط نتیجه چیست؟

- (۱) شرطی است که در آن بر هدف و نتیجه‌ی عقد اصلی تأکید می‌شود.
- (۲) شرطی است که دارای فایده‌ی عقلایی است.
- (۳) شرطی است که تحقق امر طبیعی در عالم خارج در عقد شرط شده باشد.
- (۴) شرطی است که به موجب آن، تحقق نتیجه‌ی یکی از اعمال حقوقی در خارج شرط شود.

که ۲۰- اگر یک قطعه زمینی به شرط آن که ۱۰۰۰ متر باشد فروخته شود و بعداً معلوم شود که زمین ۱۱۰۰ متر است، معامله چه وضعی پیدا می‌کند؟

- (۱) فروشنده حق فسخ دارد.
- (۲) مقدار اضافی متعلق به خریدار است به شرط آن که قیمت آن را طبق توافق به فروشنده بپردازد.
- (۳) فروشنده یا خریدار حق فسخ معامله را دارند.
- (۴) مقدار اضافی متعلق به فروشنده است.

که ۲۱- در صورتی که نتیجه‌ی مورد شرط تحقق پیدا نکند:

- (۱) عقد مشروط قابل فسخ است.
- (۲) عقد مشروط قابل اجرا است.
- (۳) عقد مشروط باطل است.
- (۴) مشروط‌علیه، مشروط را باید محقق سازد.

که ۲۲- اگر بعد از عقد، انجام شرط غیرممکن شود:

- (۱) عقد غیرنافذ است.
- (۲) عقد باطل است.
- (۳) عقد قابل فسخ است.
- (۴) عقد نافذ و غیرقابل فسخ است.

که ۲۳- اگر گندم موجود در انبار به شرط این که ۱۰ تن باشد فروخته شود و بعداً معلوم شود که گندم موجود کمتر بوده:

- (۱) معامله باطل است.
- (۲) معامله غیرنافذ است.
- (۳) معامله صحیح و قابل فسخ است.
- (۴) معامله صحیح و غیرقابل فسخ است.

که ۲۴- شرط ضمن عقد:

- (۱) باطل است.
- (۲) باطل و مبطل است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) فقط در صورت مجهول کردن عوض باطل است.

که ۲۵- وضعیت شخص ثالث در نظام قراردادی حقوق ایران چگونه است؟

- (۱) بر اساس اصل نسبی بودن قراردادهای وضع شخص ثالث سالبه به انتفا موضوع است.
- (۲) تعهدات صرفاً به نفع ثالث پذیرفته شده است.
- (۳) تعهدات خواه نافع خواه مضر برای ثالث پذیرفته شده است.
- (۴) حقوق ایران در این خصوص ساکت است.

فصل چهارم

«معامله فصولی»

تست‌های تألیفی فصل چهارم

❏ مثال ۱: در معامله فصولی کدام عنصر مفقود است؟

- (۱) قصد (۲) رضا و قصد (۳) رضا (۴) مشروعیت قصد و رضا

❏ پاسخ: گزینه «۳» چرا که در عقد فصولی قصد از جانب فصول وجود دارد و عقد تشکیل شده است و به خاطر عدم وجود رضای مالک غیرنافذ می‌باشد که با الحاق رضای مالک عقد کامل می‌شود. قصد جنبه نوعی داشته ولی رضا جنبه شخصی دارد و باید از طرف مالک باشد.

❏ مثال ۲: اگر در معامله فصولی، مالک در مجلس عقد حاضر بوده و سکوت کند، معامله:

- (۱) درست است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» رجوع کنید به ماده‌ی ۲۴۹ (قانون مدنی)

❏ مثال ۳: کدام یک از موارد ذیل از مصادیق معامله فصولی است:

- (۱) شخصی که مالک مال نیست مال غیر را به نام و به حساب مالک و برای او بدون داشتن سمت نمایندگی معامله کند.
(۲) شخصی مال غیر را برای خود (به عنوان مالک آن) معامله کند.
(۳) وکیل خارج از حدود اختیارات خود عمل می‌کند.
(۴) هر سه گزینه

❏ پاسخ: گزینه «۴» گزینه ۱ و گزینه ۳ هر دو ذیل یک مجموعه‌اند و معامله فصولی‌اند؛ زیرا رضای مالک در هیچ کدام نیست. گزینه ۲ هم مصداق بارز معامله فصولی است.

اجازه لازم نیست فوری باشد یعنی مالک فرصت دارد که فکر و تأمل کند و بعد اجازه یا رد خود را اعلام کند، اما قانون‌گذار فرضی را در نظر گرفته که اگر تأخیر در اجازه موجب ضرر به اصیل شود، اصیل حق دارد معامله را بر هم زند. به عنوان مثال اصیل (شخصی که طرف معامله فصول بوده است) می‌خواهد در زمین مورد معامله کشت پنبه کند و تأخیر در اجازه باعث می‌شود فصل کشت بگذرد و وی زیان ببیند، این‌جاست که قانون‌گذار راه‌حل داده است و در ماده‌ی ۲۵۲ قانون مدنی آورده «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد، مشارالیه می‌تواند معامله را به هم بزند.»

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در رد یا قبول معامله فصولی فوریت شرط است.
(۲) در رد یا قبول معامله فصولی فوریت شرط نیست.
(۳) اصیل حق بر هم زدن معامله را ندارد، اگر چه تأخیر در رد یا قبول معامله فصولی موجب تضرر وی شود.
(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق نص صریح ماده‌ی ۲۵۲ (قانون مدنی)

طبق ماده ۲۵۳ قانون مدنی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت کند، این حق به وارث وی می‌رسد و آن‌ها می‌توانند معامله را قبول یا رد کنند. دلیل این حرف این است که این حق یک حق مالی است، بنابراین جزء دارایی فرد است و به وارث می‌رسد.

❏ مثال ۵: اگر سارقی فرش متعلق به یک پسر ۱۴ ساله را بفروشد معامله چه وضعیتی دارد؟ اگر پسر قبل از رسیدن به سن کبر فوت کند، تکلیف این معامله چیست؟

- (۱) غیرنافذ است و با تنفید سرپرست پسر نافذ خواهد شد، بعد از فوت به عهده‌ی وراث است.
(۲) باطل است، فوت پسر تأثیری در نفوذ معامله ندارد.
(۳) معلق است تا پسر کبیر شود، وراث عهده‌دار تنفیذ خواهد بود.
(۴) بر عهده‌ی دادگاه است، بعد از فوت معامله منفسخ می‌شود.

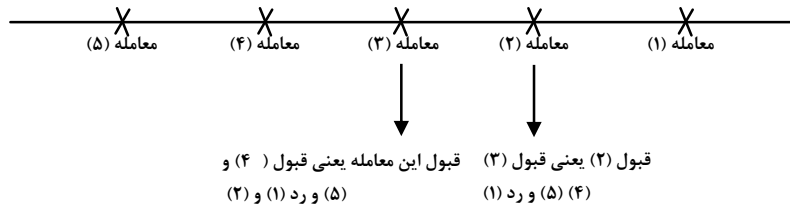
❏ پاسخ: گزینه «۱» طبق ماده‌ی ۲۴۷ قانون مدنی، چون سارق مال غیر را فروخته و هیچ سمتی از طرف پسر نداشته است، معامله فصولی و غیرنافذ خواهد بود و تنفیذ بر عهده‌ی سرپرست وی است (چون پسر به سن کبر نرسیده است).



که مثال ۶: اگر مال شخص، فضولتاً مورد معاملات متعدد قرار گیرد، تنفیذ...

- (۱) آخرین معامله، موجب نفوذ معاملات قبلی است.
 (۲) معامله نخست، موجب نفوذ معاملات بعدی است.
 (۳) معامله اول سبب رد معاملات بعدی است.
 (۴) معامله وسط موجب رد معاملات بعدی و نفوذ معاملات قبلی

پاسخ: گزینه «۲» برای توضیح به نمودار زیر دقت کنید. ☒



که مثال ۷: در قانون مدنی کدام یک از نظرات حقوقی در مورد اثر اجازه مالک در عقد فضولی پذیرفته شده است؟

- (۱) کشف حکمی (۲) کشف حقیقی (۳) کشف (۴) نقل

پاسخ: گزینه «۱» اجازه مالک، ناقل نیست، یعنی موجب انتقال مالکیت نمی‌شود بلکه کاشف است، یعنی کاشف از انتقال مالکیت از زمان وقوع عقد می‌باشد و کاشف بودن آن حکمی است. ☒

که مثال ۸: آقای الف فضولاً خانه‌ی ب را به ج فروخته و مبيع به تصرف ج درآمده است. ب بعد از اطلاع از فروش خانه معامله بیع را رد کرده و تنفیذ نمی‌کند، سقف خانه در مدتی که در تصرف ج بوده خراب شده حال مسئولیت متوجه چه کسی خواهد بود؟

- (۱) الف و ج هر دو در برابر ب متضامناً ضامن هستند.

(۲) فقط الف ضامن است.

(۳) فقط ج ضامن است.

(۴) الف و ج در صورتی مسئول‌اند که تعدی و تفریط کرده باشند.

پاسخ: گزینه «۱» طبق نص صریح ماده ۲۵۹، اصیل که مال در تصرف وی است ضامن خواهد بود، اما با توجه به مقررات باب غصب (علی‌الخصوص ماده ۳۱۷ قانون مدنی) گزینه ۱ صحیح می‌باشد. ☒

که مثال ۹: اگر فضول، مبيع را به اصیل بدهد و مبيع در اثر زلزله تلف شود و سپس مالک بیع را رد کند مالک می‌تواند بدل را از کدام شخص درخواست کند؟

- (۱) اصیل (۲) فضول یا اصیل

(۳) فضول (۴) اصیل عالم به فضولی بودن بیع

پاسخ: گزینه «۲» بر اساس مواد ۲۵۹ قانون مدنی، اصیل به علت داشتن ید غاصبانه در هر حال اگرچه مرتکب تقصیر هم نشده باشد ضامن عین و منافع (خواه استیفا کرده باشد خواه نکرده باشد) است. اما با توجه به اصول حقوقی گزینه‌ی «۳» صحیح‌تر است. ☒

که مثال ۱۰: در صورتی که مورد معامله فضولی به تصرف مشتری داده شده باشد، نسبت به منافع استیفا نشده مورد معامله، پس از رد عقد، مشتری:

- (۱) در برابر مالک ضامن است. (۲) ضامن نیست.

(۳) در صورتی که جاهل باشد ضامن نیست. (۴) در برابر فضول ضامن است.

پاسخ: گزینه «۱» بر اساس مواد ۲۵۹ قانون مدنی، اصیل به علت داشتن ید غاصبانه در هر حال اگرچه مرتکب تقصیر هم نشده باشد، ضامن عین و منافع (خواه استیفا کرده باشد خواه نکرده باشد) است. اما با توجه به اصول حقوقی گزینه‌ی «۲» صحیح‌تر است. ☒



آزمون فصل چهارم

که ۱- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) اجازه با هر لفظ و فعلی که دلالت بر امضای عقد نماید حاصل (۲) سکوت مالک با حضور در مجلس عقد فضولی، اجازه تلقی می‌شود.
می‌شود.
(۳) اجازه نباید مسبوق به رد باشد. (۴) اجازه لازم نیست فوری باشد.

که ۲- اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت کند، حق تنفیذ یا رد بر عهده کیست؟

- (۱) حاکم (۲) وصی (۳) ورثه (۴) معامله دیگر نیاز به تنفیذ ندارد

که ۳- تأثیر اجازه نسبت به منافع عوضین معامله، از چه روزی مؤثر است؟

- (۱) از تاریخ اجازه (۲) زمانی که مالک معین می‌کند. (۳) زمانی که حاکم تعیین می‌کند. (۴) از تاریخ عقد

که ۴- هرگاه بعد از معامله فضولی معلوم شود که آن مال، ملک فضول بوده است، در این صورت

- (۱) معامله صحیح است و نیاز به تنفیذ ندارد. (۲) صحت معامله موکول به اجازه‌ی فضول است.
(۳) صحت معامله موکول به اجازه‌ی حاکم است. (۴) معامله باطل است.

که ۵- اگر در معامله فضولی، مالک در مجلس عقد حاضر بوده و به منزله‌ی قبول سر تکان دهد ولی ساکت باشد، معامله:

- (۱) درست است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

که ۶- منظور از انتقال مال به خود فضول به نحوی از انحاء شامل

- (۱) انتقال قهری (۲) انتقال قراردادی (۳) انتقال قانونی (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۷- A ماشین B را سرقت می‌کند، بعد از مدتی به کسی که اطلاع بر سرقت نداشته می‌فروشد، معامله چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است. (۲) قابل فسخ است. (۳) غیرنافذ است. (۴) معتبر است.

که ۸- اگر مورد بیع فضولی، بدون اذن مالک به وسیله خریدار، مجدداً فروخته شود و سپس خریدار دوم نیز آن را بفروشد و مالک معامله دوم را تنفیذ کند، چه می‌شود؟

- (۱) معامله اول باطل (۲) معامله اول و دوم باطل (۳) معامله اول و دوم نافذ (۴) فقط معامله دوم نافذ

که ۹- اگر فضول مبیع را به اصیل بدهد و مبیع بدون تعدی و تفریط نزد اصیل تلف شود و سپس مالک بیع را رد کند، مالک می‌تواند بدل مبیع را از کدام شخص درخواست کند؟

- (۱) فقط از اصیل (۲) فقط از فضول (۳) از فضول یا اصیل (۴) فقط از اصیل عالم به فضولی بودن مبیع

که ۱۰- معامله نسبت به مال غیر، با کدام عنوان نافذ نیست؟

- (۱) ولایت (۲) وصایت (۳) وکالت (۴) اولاد



فصل پنجم

«شروط ضمن عقد»

تست‌های تألیفی فصل پنجم

- ❏ مثال ۱: اگر در عقد نکاح زوج وکیل شود تا ملک زن را به رایگان به خود انتقال دهد، این شرط برای کدام یک از طرفین الزام‌آور و غیرقابل فسخ است؟
- (۱) برای زوج و زوجه الزام‌آور است.
(۲) فقط برای زوج الزام‌آور است.
(۳) فقط برای زوجه الزام‌آور است.
(۴) چون وکالت عقدی است جایز برای هیچ‌کدام الزام‌آور نیست.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» از آن جایی که این شرط به سود زوج می‌باشد، بنابراین زوج می‌تواند از آن صرف‌نظر کند و از وکالت استعفا دهد.

- ❏ مثال ۲: شرطی باطل نیست که ...
- (۱) ارزش مورد آن مجهول باشد.
(۲) انجام آن غیرمقدور باشد.
(۳) اوصاف فرعی مورد آن نامعلوم باشد.
(۴) ماهیت مورد آن مجهول باشد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» براساس ماده ۲۳۲، گزینه ۲ و مستفاد از بند ۳ ماده ۱۹۰ (قانون مدنی) گزینه ۱ و ۴ غلط می‌باشد.

- ❏ مثال ۳: کدام گزینه از شروط ذیل باطل است، ولی مفسد عقد نیست؟
- (۱) شرطی که نامشروع باشد.
(۲) شرط خلاف مقتضای عقد
(۳) شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.
(۴) شرطی که موجب نامشروع گردیدن جهت معامله می‌شود.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۲۳۲ (قانون مدنی) شرطی که نامشروع است از جمله شروط باطل است ولی عقد را باطل نمی‌کند.

- ❏ مثال ۴: کدام گزینه غلط است؟
- (۱) شرط خلاف مقتضای ذات عقد، جزء شروط باطل و مفسد عقد است.
(۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد جزء شروط باطل است، ولی موجب بطلان عقد نیست.
(۳) شرط غیرمقدور جزء شروط باطل و غیر مبطل است.
(۴) شرط صفت چنان‌چه غیرمقدور و نامشروع نباشد، جزء شروط صحیح است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۳۳ (قانون مدنی) شرط خلاف مقتضای ذات عقد نه تنها شرطی باطل است، بلکه عقد را نیز باطل می‌کند.

- ❏ مثال ۵: کدام شرط باطل و مفسد عقد است؟
- (۱) شرط نامشروع.
(۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد.
(۳) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.
(۴) شرطی که در آن نفع و فایده نباشد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۲۳۳ (قانون مدنی)

- ❏ مثال ۶: شرط مجهول اگر موجب جهل به عوضین نشود....
- (۱) از نظر قانون مدنی صحیح و از نظر اصول حقوقی نیز صحیح می‌باشد.
(۲) از نظر قانون مدنی و اصول حقوقی باطل می‌باشد.
(۳) از نظر قانون مدنی صحیح و از نظر اصول حقوقی اگر قابل تعیین نباشد باطل می‌باشد.
(۴) از هر نظر باطل و مبطل عقد است.

- ❏ پاسخ: گزینه «۳» قانون مدنی شروط باطل و مبطل را در مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ قانون مدنی شمارش نموده است و فقط شرط مجهولی را که موجب جهل به عوضین نباشد، باطل و مبطل عقد دانسته است و سخنی از شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین نشود بیان نکرده است، پس بنابر ظاهر قانون مدنی شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین نشود صحیح است، ولی همان‌طور که در بالا ذکر شد این شرط از لحاظ اصول حقوقی اگر قابل تعیین نباشد باطل است.

❏ مثال ۷: اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر خود، وکیل در ادراهی اموال باشد این شرط چه نوع شرطی است؟

(۱) شرط فعل

(۲) شرط صفت

(۳) شرط نتیجه

(۴) هم شرط فعل و هم شرط نتیجه است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مسأله وکیل شدن موضوع شرط است نه وکالت دادن؛ لذا وکیل شدن با تحقق عقد نکاح حاصل می‌شود و نیازی به انعقاد عقد وکالت نیست.

❏ مثال ۸: کدام گزینه در مورد شرط نتیجه صحیح است؟

(۱) نتیجه حاصل عقدی در ضمن عقد دیگر است.

(۲) شرط کردن در یک عقد است.

(۳) شرط کردن نتیجه یک دعوا در یک عقد است.

(۴) درج نتیجه یک وضعیت در ضمن عقد است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» بر طبق ماده ۲۳۴ و ۲۳۶ (قانون مدنی)

❏ مثال ۹: آیا خودداری از اجرای شرط فعل، به طرف مقابل (مشروطه) حق فسخ می‌دهد؟

(۱) مشروطه در هیچ صورت حق فسخ ندارد.

(۲) مشروطه در صورتی حق فسخ دارد که اجبار مشروط‌علیه ممکن نباشد.

(۳) مشروطه در صورت امتناع از اجرای شرط فعل، حق فسخ دارد.

(۴) مشروطه در صورتی حق فسخ دارد که اجبار مشروط‌علیه ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» طبق ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ (قانون مدنی)

❏ مثال ۱۰: در صورت غیرممکن شدن انجام عمل مورد شرط به سبب عوامل خارج از اراده، مشروطه کدام یک از اقدامات زیر را می‌تواند انجام دهد؟

(۱) الزام متعهد به جبران خسارت (۲) اسقاط شرط (۳) ابطال معامله مشروط (۴) فسخ معامله مشروط

❏ پاسخ: گزینه «۴» به طور کلی اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود، مشروطه حق فسخ عقد را خواهد داشت.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اگر بعد از انعقاد عقد انجام شرط ممتنع شود، معامله منفسخ می‌شود. (۲) تخلف از شرط صفت در عقد نکاح، موجب انفساخ عقد است.

(۳) شرطی که غیرمقدور باشد، باطل و مبطل عقد است. (۴) شرط نتیجه قابل اسقاط نیست.

❏ پاسخ: گزینه «۴» طبق ماده ۲۳۲ (قانون مدنی)

❏ مثال ۱۲: اگر معامله مشروطی اقاله گردد، طبق قانون مدنی ...

(۱) اگر شرط محقق نشده باشد باطل می‌شود.

(۲) تنها اگر شرط صفت یا نتیجه باشد باطل می‌شود.

(۳) تنها اگر شرط فعل باشد باطل می‌شود.

(۴) شروط ضمن آن در هر حال باطل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بر اساس ماده ۲۴۶ (قانون مدنی)



آزمون فصل پنجم

که ۱- کدام گزینه جزء شروطی که باطل‌اند و موجب بطلان عقد نمی‌شود، نیست:

- (۱) شرط نامقدور (۲) شرط نامشروع (۳) شرط بی‌نفع (۴) شرط خلاف مقتضای ذات عقد

که ۲- در صورت غیر ممکن شدن انجام عمل مورد شرط به سبب عوامل طبیعی خارج از اراده، مشروط‌له کدام یک از اقدامات زیر را می‌تواند انجام دهد؟

- (۱) الزام متعهد به جبران خسارت (۲) اسقاط شرط (۳) ابطال معامله مشروط (۴) فسخ معامله مشروط

که ۳- اگر ضمن بیع شرط شده باشد که خریدار برای اقساط ثمن، خانه مسکونی خود را نزد فروشنده رهن گذارد و او از انجام شرط خودداری کند معامله:

- (۱) قابل فسخ است. (۲) غیرنافذ است. (۳) قابل فسخ نیست. (۴) معلق است.

که ۴- شرط راجع به کیفیت و کمیت مورد معامله، شرط

- (۱) صفت (۲) نتیجه (۳) فعل (۴) کمی

که ۵- اگر مشروط‌له از بطلان شرط مطلع باشد (شرطی که موجب بطلان عقد نمی‌شود) اگر آگاه نباشد

- (۱) حق فسخ دارد، حق فسخ ندارد. (۲) حق فسخ ندارد، حق فسخ دارد. (۳) حق فسخ دارد، حق فسخ ندارد. (۴) حق فسخ ندارد، حق فسخ ندارد.

که ۶- هرگاه در عقد، شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد

- (۱) مشروط‌له حق فسخ معامله را دارد. (۲) معامله باطل است. (۳) معامله صحیح و نافذ است. (۴) معامله غیرنافذ است.

که ۷- هرگاه بعد از عقد، انجام شرط، ممتنع شود

- (۱) عقد باطل است. (۲) کسی که شرط به نفع او شده اختیار فسخ معامله را دارد. (۳) معامله غیرنافذ است. (۴) کسی که شرط گذاشته اختیار فسخ معامله را دارد.

که ۸- بیماری و ورشکستگی متعهد به استناد نامقدور بودن انجام شرط،

- (۱) موجب بطلان شرط است. (۲) موجب بطلان عقد است. (۳) موجب بطلان شرط نمی‌شود. (۴) اختیار فسخ به متعهد می‌دهد.

که ۹- اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شود و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است،

- (۱) معامله باطل است. (۲) معامله غیرنافذ است. (۳) مشتری می‌تواند به نسبت کمبود زمین از ثمن بکاهد. (۴) مشتری حق فسخ معامله را دارد.

که ۱۰- اگر دو طرف معامله در زمان تراضی از عدم امکان اجرای شرط آگاه باشند

- (۱) شرط باطل است. (۲) شرط صحیح است. (۳) معامله باطل است. (۴) مشروط‌له اختیار فسخ دارد.



فصل ششم

«عدم اجرای تعهد و آثار آن»

تست‌های تألیفی فصل ششم

کلمه مثال ۱: الف مالی را به ب می‌فروشد. پس از عقد الف مال را به خریدار تحویل می‌دهد. سپس الف ادعا می‌کند که آن مال ملک ج بوده است و بدون اطلاع او مال را فروخته است. اگر الف ثابت کند که مال، ملک ج بوده و ج راضی به معامله نیست، ب باید مال را به چه کسی مسترد کند؟

(۱) ب باید مال را به الف مسترد کند؛ زیرا مال را از او تحویل گرفته است.

(۲) ب باید مال را به الف یا ج (مالک) مسترد کند؛ چون الف مال را به ب تسلیم نموده و ج نیز مالک مال می‌باشد.

(۳) ب باید مال را به ج مسترد کند، مگر این که الف ثابت کند که مال با اذن مالک ج در نزد او بوده است.

(۴) ب مالک جدید می‌باشد و لزومی به استرداد مال نمی‌باشد.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۶۹ قانون مدنی «وفاء به عهد وقتی محقق می‌شود که متعهد چیزی را که می‌دهد مالک یا مأذون از جانب مالک باشد و ...» و در ماده ۲۷۰ قانون مدنی نیز آمده است: «اگر متعهد در مقام وفای به عهد مالی تأدیه نماید، دیگر نمی‌تواند به عنوان این که در حین تأدیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد مگر این که مال غیر و با مجوز قانونی در دید او بوده، بدون این که اذن در تأدیه داشته باشد».

کلمه مثال ۲: اگر مدیون بدهی خود را به شخص بیگانه (نه طلبکار یا وکیل او) بپردازد و بیگانه آن را به طلبکار برساند. تأدیه در چه زمانی صورت گرفته است؟

(۱) زمان قبض بیگانه.

(۲) هنگام وصول دین به طلبکار.

(۳) تأدیه مذکور اثر قانونی ندارد.

(۴) به اراده طلبکار بستگی دارد.

پاسخ: گزینه «۲» زیرا دین زمانی تأدیه می‌شود که مال به طلبکار یا وکیل مأذون از جانب او تأدیه گردد.

کلمه مثال ۳: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) ایفای تعهد در هیچ حال توسط غیرمتعهد ممکن نمی‌باشد.

(۲) ایفای تعهد که مباشرت متعهد در آن شرط است توسط غیرمدیون جایز نیست، مگر در مواردی با رضایت مدیون

(۳) ایفای تعهد به وسیله غیرمتعهد بدون رضایت متعهد ممکن نمی‌باشد.

(۴) ایفای تعهدی که قائم به شخص نیست، با مخالفت متعهد ممکن نمی‌باشد.

پاسخ: گزینه «۲» در مواردی که تعهد قائم به شخص است، اصولاً تعهد نمی‌تواند توسط دیگری انجام شود. به موجب ماده ۲۶۸ قانون مدنی انجام فعلی، در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد، به وسیله دیگری ممکن نیست مگر به رضایت متعهدله. باید توجه داشت تنها مواردی را شامل می‌شود که تنها متعهدله در انجام شرط به وسیله شخص متعهد نفع دارد. در فرضی که متعهد نیز در این باره نفعی دارد، دخالت شخص ثالث ممکن نیست مگر به تراضی دو طرف.

کلمه مثال ۴: در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه وجود ندارد، اگر متعهد به اشتباه دین خود را ایفا کند

(۱) دعوای استرداد او مسموع نیست.

(۲) دعوای استرداد او مسموع است.

(۳) دعوای استرداد او مسموع نیست مگر این که تعهد نامشروع بوده باشد.

(۴) دعوای استرداد او مسموع است مگر این که تعهد نامشروع بوده باشد.

پاسخ: گزینه «۲» تعهد طبیعی تعهدی است که در آن، متعهد مدیون بوده، ولی ملزم به پرداخت دین خود نمی‌باشد. به عبارت دیگر در تعهد طبیعی، متعهدله طلبکار است ولی حق مطالبه طلب خود را ندارد. اگر متعهد به میل خود (نه در اثر اشتباه یا اکراه) تعهد طبیعی را ایفا نماید نمی‌تواند آن چه را که پرداخته است مسترد کند. در حالی که در سوال متعهد به اشتباه ایفای دین نموده است. دین مشمول مرور زمان، نفقه گذشته اقارب و صدقه از مصادیق تعهد طبیعی به شمار می‌روند و نکته مهم این است که اگر تعهدی که قابل مطالبه نیست، نامشروع باشد (مثل قمار)، پرداخت اثری در نفوذ آن ندارد و پولی که پرداخت شده قابل استرداد است.



کلمه مثال ۵: در کدام یک از موارد زیر حق حبس وجود ندارد؟

- (۱) در عقد بیعی که مبیع و ثمن هر دو مؤجل باشند و تاریخ سررسید آنها یکی باشد.
- (۲) در عقد بیعی که مبیع مؤجل بوده و ثمن حال باشد.
- (۳) در عقد بیعی که مبیع و ثمن هر دو حال باشند.
- (۴) هیچ‌کدام

☒ پاسخ: گزینه «۲» زیرا تعیین اجل برای یکی از دو تعهد نشان می‌دهد که در آن رابطه اجرای تعهد مؤجل به تأخیر می‌افتد و تعهد دیگر که حال است بی‌درنگ اجرا می‌شود.

کلمه مثال ۶: کدام یک از موارد درست است؟

- (۱) اگر در بیع برای تحویل مبیع و ثمن اجل یکسانی تعیین شده باشد، حق حبس وجود ندارد.
- (۲) اگر در بیع مبیع و ثمن حال باشند، حق حبس وجود ندارد.
- (۳) اگر بیع فسخ شده باشد، در مقام بازگرداندن دو عوض حق حبس وجود ندارد.
- (۴) اگر معامله اقاله شود در مقام استرداد عوضین حق حبس وجود ندارد.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا با فسخ معامله حق حبس ساقط شده و در مقام بازگرداندن دو عوض حق حبس وجود ندارد. گزینه «۴» غلط است زیرا اقاله نوعی معامله است (اگرچه معامله جدیدی نمی‌باشد) و طرفین در مقام استرداد عوضین حق حبس دارند.

کلمه مثال ۷: اگر برای ایفای تعهد مدتی معین نشده باشد و اختیار زمان انجام تعهد هم با متعهدله نبوده تعهد چگونه است؟

- (۱) بر اساس عرف و عادت برای آن مدت معین می‌شود.
- (۲) تعهد حال بوده و بی‌درنگ اجرا می‌شود.
- (۳) هر زمان متعهد خواست اجرا می‌شود.
- (۴) هر زمان متعهدله درخواست کرد اجرا خواهد شد.

☒ پاسخ: گزینه «۲»

کلمه مثال ۸: برای مطالبه خسارت تخلف از انجام تعهد از متعهد:

- (۱) تقصیر متعهد باید اثبات شود.
- (۲) عدم تقصیر متعهدله اثبات شود.
- (۳) لازم نیست که تقصیر متعهد اثبات شود.
- (۴) لازم است که هم تقصیر متعهد و هم عدم تقصیر متعهدله اثبات شود.

☒ پاسخ: گزینه «۳» هرگاه متعهد تعهد را انجام ندهد، مکلف به جبران خسارات وارده است، مگر این‌که وجود قوه قاهره را ثابت نماید.

کلمه مثال ۹: هرگاه متصدی حمل و نقل در اجرای تعهد تأخیر کند و در روزی که می‌خواهد کالا را حمل کند، سیل پیش‌بینی نشده‌ای جاده را خراب کرده و مانع اجرای تعهد شود، آیا مشارالیه می‌تواند خود را معاف از مسئولیت بداند و چرا؟

- (۱) بلی، زیرا قوه قاهره مانع اجرای تعهد شده است.
- (۲) خیر، زیرا تقصیر متعهد سابق بر قوه قاهره بوده است.
- (۳) بلی، زیرا تعهد متصدی حمل و نقل به وسیله است.
- (۴) بلی، زیرا توافق ضمنی طرفین بر عدم مسئولیت در فرض مزبور بوده است.

☒ پاسخ: گزینه «۲» در این مثال متعهد با تأخیرش در ایجاد فورس‌ماژور مؤثر بوده است بنابراین حادثه منسوب به او بوده است. پس قوه‌ی قاهره و فورس‌ماژور نمی‌تواند باعث معافیت وی از مسئولیت شود.

کلمه مثال ۱۰: قوه‌ی قاهره عبارت است از ...

- (۱) حادثه‌ای است غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد.
- (۲) حادثه‌ای است غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را دشوار می‌سازد.
- (۳) حادثه‌ای است خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد.
- (۴) حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و امثال آن است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» در مورد قوه‌ی قاهره سه عنصر اهمیت دارد: خارجی، غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل اجتناب.



آزمون فصل ششم

که ۱- اجبار به انجام تعهد؟

- (۱) فقط در صلاحیت مقامات قانونی است.
(۲) فقط توسط متعهدله امکان پذیر است.
(۳) از راه اعمال زور و قدرت شخص امکان پذیر است.
(۴) هم توسط مقامات قانونی و هم متعهدله امکان پذیر است.

که ۲- الف یک میلیون تومان به ب بدهکار است و از دادن آن خودداری می‌کند، در این صورت؟

- (۱) مدیون بازداشت خواهد شد.
(۲) دادگاه حکم به اعسار مدیون می‌دهد.
(۳) مدیون باید ضامن بدهد.
(۴) دین متعهد از طریق توقیف اموال وی تأدیه خواهد شد.
که ۳- اگر طرف معامله تعهد کرده باشد که دیوار خود را از حد معین بالاتر نبرد، لیکن برخلاف تعهد عمل نماید، دادگاه حکم می‌دهد.

- (۱) به حبس متعهد
(۲) به پرداخت ارش
(۳) به خراب کردن دیوار به طور کلی
(۴) به خراب کردن دیوار تا حد مجاز

که ۴- اگر موعد اجرای تعهد در عقد رسیده باشد، در این صورت چه زمانی حق مطالبه خسارت وجود دارد؟

- (۱) هرگاه ضرر وارد شد.
(۲) بعد از انقضای موعد مقرر
(۳) به حکم دادگاه
(۴) هر زمان که متعهدله بخواهد.

که ۵- اگر کسی برای میهمانی در روز معین با مدیر رستورانی جهت تهیه غذا قراردادی ببندد و مدیر رستوران از اجرای تعهد در روز مقرر سر باز زند،

- (۱) بعد از انقضای موعد، متعهد مکلف به اجرای تعهد است.
(۲) بعد از انقضای موعد، متعهد مکلف به اجرای تعهد نیست.
(۳) در صورت تقاضای متعهدله، مکلف به جبران خسارت ناشی از تأخیر می‌باشد.
(۴) تکلیف را دادگاه تعیین می‌کند.

که ۶- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.
(۲) اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که توافق طرفین در تعیین مبلغ خسارت معتبر و الزام آور باشد.
(۳) تعیین وجه التزام، برای تأخیر در انجام تعهد، صحیح و معتبر نیست.
(۴) تعیین وجه التزام، برای عدم انجام تعهد، صحیح و معتبر است.

که ۷- خسارت ناشی از عدم النفع و خسارت تأخیر تأدیه؟

- (۱) در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد، قابل مطالبه نیست.
(۲) قابل مطالبه نیست، مطلقاً قابل مطالبه است.
(۳) در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد، مطلقاً قابل مطالبه است.
(۴) قابل مطالبه نیست، در موارد قانونی قابل مطالبه است.

که ۸- اگر متعهد به واسطه نتواند از عهده تعهد خود بر آید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.

- (۱) قوه قاهره
(۲) فورس ماژور
(۳) مأموریت شغلی
(۴) گزینه ۱ و ۲

که ۹- فعل متعهدله یا شخص ثالث که سبب عدم اجرای تعهد شده، هنگامی موجب معافیت کامل از مسئولیت است که باشد.

- (۱) قابل پیش‌بینی
(۲) قابل دفع
(۳) اوصاف قوه قاهره را داشته
(۴) خارجی

که ۱۰- کدام مورد جزء عناصر قوه قاهره نیست؟

- (۱) قابل پیش‌بینی
(۲) غیرقابل اجتناب
(۳) غیرقابل دفع
(۴) خارجی



فصل هفتم

«انحلال قرارداد»

تست‌های تألیفی فصل هفتم

کلمه مثال ۱: الف کاسه‌ای را از ب خریداری می‌کند. سپس الف متوجه می‌شود که کاسه شکسته و معیوب است. در این حالت عقد چه وضعیتی دارد؟

(۱) عقد صحیح است، و الف به استناد خيار عیب می‌تواند معامله را فسخ یا مطالبه ارجش نماید.

(۲) عقد صحیح است ولی الف فقط می‌تواند معامله را به استناد خيار عیب فسخ کند.

(۳) عقد باطل است و ثمن باید به الف مسترد شود.

(۴) الف مختار است که عقد را به استناد خيار عیب فسخ کند یا به استناد بطلان عقد ثمن را استرداد کند.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا باتوجه به توضیحات بالا، چون اگر مورد معامله به علت معیوب بودن مالیت نداشته باشد، معامله باطل است و نوبت به خيار عیب نمی‌رسد.

کلمه مثال ۲: الف از ب ماشینی را خریداری می‌کند. در ضمن عقد بایع شرط می‌کند که خيار عیب ساقط و در صورت ظهور عیب خریدار حق رجوع برای دریافت ارجش یا فسخ عقد ندارد. بعد از عقد اتومبیل واژگون می‌شود و خساراتی را وارد می‌آورد و معلوم می‌شود که این واژگونی در نتیجه عیبی است که اتومبیل هنگام انعقاد عقد داشته است در این صورت:

(۱) خریدار نمی‌تواند برای دریافت غرامت یا ارجش به فروشنده رجوع کند یا عقد را فسخ کند.

(۲) خریدار می‌تواند برای دریافت غرامت به فروشنده رجوع کند، ولی حق دریافت ارجش یا فسخ عقد را ندارد.

(۳) خریدار می‌تواند عقد را فسخ کند و همچنین برای دریافت غرامت به فروشنده رجوع کند.

(۴) خریدار می‌تواند برای دریافت ارجش و غرامت به فروشنده رجوع کند، ولی حق فسخ عقد را ندارد.

☒ پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در مطالب فوق تشریح شد با تبری از عیوب حق فسخ و مطالبه ارجش ساقط می‌شود، ولی تبری از عیوب یا اسقاط خيار عیب مانع رجوع برای دریافت غرامت به فروشنده مقصر نمی‌شود.

خيار عیب نیز مانند سایر خيارات قابل اسقاط است. اسقاط خيار ممکن است صریح باشد یا ضمنی. اسقاط صریح خيار با تبری از عیوب صورت می‌پذیرد، ولی برای این که شامل عیب آینده نیز بشود، باید اعلام اسقاط خيار عیب انجام می‌شود. (زیرا منشأ خيار عیب می‌تواند عیوب حال یا آینده باشد).

کلمه مثال ۳: هرگاه مبیع عیبی در زمان انعقاد بیع داشته باشد که از نظر مشتری مخفی مانده باشد در حالی که عیب مزبور نوعاً و عرفاً ظاهر است، چه راهی برای دفع ضرر از مشتری وجود دارد؟

(۱) راهی برای رفع ضرر از مشتری وجود ندارد و معامله لازم و غیر قابل فسخ است.

(۲) مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند.

(۳) مشتری می‌تواند معامله را فسخ یا ارجش مطالبه کند.

(۴) مشتری فقط حق مطالبه ارجش دارد.

☒ پاسخ: گزینه «۳» باید دقت داشت که مشتری هنگامی خيار عیب دارد که ملتفت به عیب نباشد، خواه عیب مذکور واقعاً پنهان بوده یا این که ظاهر بوده ولی مشتری از آن آگاه نباشد. در این صورت مشتری می‌تواند عقد را فسخ کند یا مطالبه ارجش نماید.

کلمه مثال ۴: در ماده ۴۲۶ قانون مدنی مقرر گردیده است که معیار تشخیص معیوب بودن مبیع، عرف و عادت می‌باشد. منظور عرف و عادت چه مکانی می‌باشد؟

(۱) محل وقوع ایجاب

(۲) محل انعقاد عقد

(۳) محل انعقاد عقد، مگر این که طرفین محل دیگری را مقرر کنند.

(۴) محل وقوع ایجاب و محل وقوع قبول

☒ پاسخ: گزینه «۳» منظور از عرف و عادت، عرف و عادت محل انعقاد عقد می‌باشد مگر این که طرفین عرف محل دیگری را معیار قرار داده باشند.

مثال ۵: شخصی یک دستگاه اتومبیل خریداری می‌کند. فروشنده در زمان عقد به خریدار تذکر می‌دهد که اتومبیل دود سفیدی را تولید می‌کند و خریدار به تصور این که این دود صرفاً موجب آلودگی است و عملاً عیب محسوب نمی‌شود حاضر به انعقاد معامله می‌شود. پس از خرید اتومبیل، خریدار متوجه می‌شود که دود سفید ناشی از مشکل موتور اتومبیل است که تعمیر آن مبلغ گزافی هزینه دارد و عدم تعمیر آن موجب غیر قابل استفاده شدن اتومبیل می‌شود. در این حالت آیا خریدار حق فسخ عقد را دارد؟

- (۱) به استناد خيار تدلیس می‌تواند عقد را فسخ کند، چون فروشنده به او توضیح نداده بود که دود سفید ناشی از چیست.
- (۲) خیر نمی‌تواند عقد را فسخ کند، چون آگاه به دود سفید بود اگرچه نمی‌دانست که این دود ناشی از چیست.
- (۳) به استناد خيار عیب می‌تواند عقد را فسخ کند.
- (۴) عقد باطل است.

پاسخ: گزینه «۳» زیرا علم به عیب در صورتی مانع وجود خيار می‌شود که خریدار بداند که نقص مشاهده شده در مصرف کالا اخلاص می‌کند یا از بهای آن می‌کاهد.

مثال ۶: کدام یک از عیوب زیر موجب ایجاد خيار نمی‌باشد؟

- (۱) عیبی که هنگام عقد موجود باشد.
 - (۲) عیبی که بعد از عقد، در نتیجه عیبی سابق بر عقد به وجود می‌آید.
 - (۳) عیبی که بعد از عقد و بعد از قبض به وجود آید.
 - (۴) عیبی که بعد از قبض، در نتیجه عیبی سابق بر قبض به وجود آید.
- پاسخ:** گزینه «۳» عیبی که بعد از قبض به وجود آید موجب ایجاد حق فسخ نمی‌باشد، مگر این که ناشی از عیبی سابق بر قبض باشد.

مثال ۷: الف اتومبیلی را خریداری می‌کند. پس از قبض متوجه می‌شود که اتومبیل معیوب است. یک عیب آن در زمان عقد وجود داشته و عیب دیگر بعد از عقد و قبل از قبض ایجاد شده است. معیار تعیین قیمت سالم و معیوب در این مثال چه زمانی است؟

(۱) در مورد هر دو عیب زمان انعقاد عقد

(۲) در مورد هر دو عیب، زمان حدوث عیب دوم

(۳) در مورد عیب اول، زمان انعقاد عقد و در مورد عیب دوم، زمان قبض

(۴) در مورد عیب اول، زمان انعقاد عقد و در مورد عیب دوم، زمان حدوث عیب

پاسخ: گزینه «۴» معیار تعیین قیمت مبيع سالم و معیوب زمان عقد است، ولی در موردی که عیب بعد از عقد و قبل از قبض یا زمان خيار مختص به مشتری عارض می‌شود، ملاک تعیین ارزش زمان حدوث عیب است.

مثال ۸: شخصی اتومبیلی را خریداری می‌کند اما بدون این که متوجه شود معیوب است آن را به شخص دیگری می‌فروشد. خریدار دوم که متوجه می‌شود اتومبیل معیوب است عقد را به استناد خيار عیب فسخ می‌کند و مبيع به خریدار اول باز می‌گردد. حال آیا خریدار اول می‌تواند عقد را فسخ کند یا ارزش بخواهد؟

- (۱) فقط می‌تواند ارزش بخواهد.
- (۲) فقط می‌تواند عقد را فسخ کند.
- (۳) می‌تواند عقد را فسخ کند یا ارزش بخواهد.
- (۴) نمی‌تواند ارزش بخواهد یا عقد را فسخ کند.

پاسخ: گزینه «۳» اگرچه به موجب بند ۱ ماده ۴۲۹ قانون مدنی در صورت تلف شدن مبيع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر، مشتری نمی‌تواند عقد را فسخ کند و فقط می‌تواند مطالبه ارزش کند، ولی در صورتی که انتقال به غیر بدون آگاهی از عیب صورت گرفته باشد، اگر به دلیلی انتقال، فسخ یا اقاله شود و مبيع به خریدار باز گردد، او حق فسخ عقد را به استناد خيار عیب دارد.

مثال ۹: مالک مال خریدار را تهدید می‌کند که اگر مال معیوب او را به بهای سالم نخرد فرزندش را به قتل می‌رساند. خریدار بدون اطلاع از عیب حاضر به معامله می‌شود. عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است.
- (۲) غیرنافذ است.
- (۳) قابل فسخ به استناد خيار عیب می‌باشد.
- (۴) صحیح و لازم و غیر قابل فسخ است.

پاسخ: گزینه «۲» در این مثال، عقد در نتیجه اکراه غیرنافذ است و خيار عیب در آن جاری نمی‌باشد، مگر این که خریدار عقد را امضا کند (تنفیذ کند) و سپس به استناد خيار عیب فسخ کند.



کلمه مثال ۱۰: خیار غبن در کدام عقد جاری نمی‌شود؟

- (۱) بیع (۲) اجاره (۳) هبه با شرط عوض (۴) عقد مغاینه‌ای

☒ پاسخ: گزینه «۳» در عقد هبه (حتی اگر با شرط عوض هم باشد) خیار غبن جاری نمی‌شود؛ چون خیار غیب تنها به عقود معوض جاری می‌شود.

کلمه مثال ۱۱: زمان ارزیابی دو عوض در خیار غبن چه زمانی می‌باشد؟

- (۱) زمان انعقاد عقد (۲) زمان قبض (۳) زمان فسخ (۴) زمان اطلاع یافتن مشتری از وجود خیار

☒ پاسخ: گزینه «۱» زمان ارزیابی دو عوض و مقایسه آن دو و تشخیص غبن فاحش، زمان انعقاد قرارداد می‌باشد.

کلمه مثال ۱۲: آیا خیار غبن در عقد صلح راه دارد؟

- (۱) خیر، چون عقد صلح همواره عقدی مسامحه‌ای است.
(۲) خیر، چون عقد صلح عقد مغاینه‌ای است.
(۳) راه دارد، مگر این‌که عقد صلح بر مبنای مسامحه یا به منظور رفع تنازع واقع شود.
(۴) در هر حال در عقد صلح خیار غبن راه دارد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» اگر عقد صلح بر مبنای تسامح باشد عقدی است مسامحه‌ای بنابراین خیار غبن وجود نخواهد داشت، ولی اگر عقد صلح به صورت عقدی مغاینه‌ای باشد تحقق خیار غبن ممکن است.

کلمه مثال ۱۳: آیا در عقود احتمالی خیار غبن ممکن است ایجاد شود؟

- (۱) اصولاً ممکن است مگر در موارد خاص
(۲) اصولاً ممکن نیست، مگر در مواردی که معلوم شود تسامح وجود ندارد.
(۳) در هر حال ممکن است.
(۴) در هیچ حال ممکن نمی‌باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» اصولاً عقود احتمالی بر مبنای تسامح استوار هستند؛ بنابراین خیار غبن در آن راه ندارد، ولی در مواردی که معلوم شود که در عقد احتمالی تسامح وجود ندارد خیار غبن ممکن است وجود داشته باشد.

کلمه مثال ۱۴: شخصی اتومبیلی را که در بازار ۱۰ میلیون تومان قیمت دارد به قیمت ۲۰ میلیون تومان خریداری می‌کند. بعد از انعقاد عقد ادعا می‌کند که از قیمت واقعی اتومبیل در هنگام عقد اطلاع نداشته و می‌خواهد به استناد غبن عقد را فسخ کند. ولی فروشنده مدعی می‌شود که خریدار در هنگام معامله به قیمت واقعی آگاهی داشته و با این وجود حاضر به انعقاد معامله با قیمت گزاف شده است و بنابراین خیاری وجود ندارد. در این مورد سخن چه کسی مطابق اصل است؟

- (۱) خریدار (۲) فروشنده (۳) دادگاه تشخیص می‌دهد. (۴) هیچ‌کدام

☒ پاسخ: گزینه «۱» اصل عدم آگاهی خریدار به قیمت واقعی می‌باشد، مگر این‌که اماره یا دلیلی بر آگاهی مشتری بر قیمت واقعی وجود داشته باشد؛ بنابراین فروشنده باید آگاهی مشتری را از قیمت واقعی ثابت کند.

کلمه مثال ۱۵: کدام یک از خيارات زیر فوری نمی‌باشد؟

- (۱) غبن (۲) تدلیس (۳) عیب (۴) تبعض صفقه

☒ پاسخ: گزینه «۴» سایر موارد مطابق قانون مدنی فوری می‌باشند.

کلمه مثال ۱۶: شخصی مالی را که قیمت واقعی آن ۵ میلیون ریال است به قیمت ۱۰ میلیون ریال خریداری می‌کند. بعد از سه ماه متوجه می‌شود که مال را به دو برابر قیمت زمان معامله خریداری کرده است اما در همان هنگام آگاهی، قیمت مال به ۱۵ میلیون ریال افزایش پیدا می‌کند. در این حالت آیا خریدار خیار غبن دارد؟

- (۱) خیر چون غبن منقضي شده است.
(۲) بله چون بقای خیار استصحاب می‌گردد.
(۳) خیر چون اصل عدم خیار است.
(۴) بسته به مورد متفاوت است.

☒ پاسخ: گزینه «۲» حتی اگر به خاطر ترقی قیمت ضرر جبران شود خیار وجود خواهد داشت.

کلمه مثال ۱۷: برای تحقق خیار تدلیس، عملیات فریب‌دهنده چه زمانی باید واقع شود؟

- (۱) هنگام انعقاد عقد (۲) قبل از انعقاد عقد (۳) قبل یا بعد از انعقاد عقد (۴) در زمان اجرای عقد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» عملیات فریب‌دهنده باید قبل از معامله انجام شود و به کار رود تا رغبت به انجام معامله را ایجاد کند.

کلمه مثال ۱۸: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در خیار تدلیس اگر ثابت شود که معامله‌کننده در هر حال به معامله رضایت می‌داده است خیار وجود ندارد.
 (۲) دروغی که وصف غیرواقعی را به کالا به طور قاطع نسبت دهد تدلیس است.
 (۳) سکوت فروشنده درباره عیب آشکار مبیع اصولاً تدلیس است.
 (۴) در تدلیس عملیات فریب‌دهنده باید موجب فریب طرف معامله شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» سکوت فروشنده درباره عیب آشکار مبیع اصولاً تدلیس محسوب نمی‌شود، مگر این که خودداری از اعلام عیب آشکار در اوضاع و احوالی قرار بگیرد که در دید عرف تدلیس و فریب است.

کلمه مثال ۱۹: کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) به نظر مشهور کار فریبنده باید عمدی باشد و به قصد فریب طرف انجام شود.
 (۲) در صورتی که کسی نیمی از حقیقت را بگوید و نیمی را پنهان کند تدلیس واقع می‌شود.
 (۳) تدلیس در صورتی موجب ایجاد خیار می‌شود که منسوب به طرف قرارداد باشد.
 (۴) به نظر مشهور کار فریبنده لازم نیست عمدی باشد و گاهی می‌تواند غیرعمدی باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» به نظر مشهور کار فریبنده باید به صورت عمدی و به قصد فریب طرف انجام شود و اگر فریب غیرعمدی باشد، تدلیس نیست و اثر آن را در عیوب اراده باید جستجو کرد.

کلمه مثال ۲۰: خیار تدلیس در کدام مورد ممکن است محقق شود؟

- (۱) فقط در عین معین ممکن است به وجود آید.
 (۲) فقط در عین کلی ممکن است به وجود آید.
 (۳) اصولاً در عین معین ممکن است به وجود آید و در عین کلی فقط در صورتی راه دارد که مربوط به اوصاف مشترک تمام اقسام کلی باشد.
 (۴) اصولاً در عین کلی به وجود می‌آید و در موارد استثنایی در عین معین
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» تدلیس در اوصاف مبیع معین باعث ایجاد فسخ می‌شود و در عین کلی راه ندارد، مگر این که مربوط به اوصاف تمام اقسام کلی باشد. مثل موردی که شخصی آسپرین را داروی شفابخش سرطان معرفی می‌کند که در این صورت تدلیس نسبت به وصفی است که در تمام اقسام کلی وجود ندارد و هیچ آسپرینی شفابخش سرطان نمی‌باشد.

کلمه مثال ۲۱: خیار تدلیس از چه زمانی فوری است؟

- (۱) خیار تدلیس از زمان انعقاد عقد فوری است.
 (۲) خیار تدلیس فوری نمی‌باشد.
 (۳) خیار تدلیس از زمان علم به وجود خیار فوری است.
 (۴) خیار تدلیس قبل از علم به تدلیس فوری است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۴۰ قانون مدنی، تدلیس از زمان علم به آن فوری می‌باشد.

کلمه مثال ۲۲: تدلیس نسبت به کدام مورد ممکن است محقق شود؟

- (۱) مبیع (۲) ثمن (۳) مبیع و ثمن (۴) هیچکدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» اگر بایع تدلیس نموده باشد، مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن، در صورت تدلیس مشتری (ماده ۴۳۹ قانون مدنی)



که مثال ۲۳: قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد، بیان‌گر کدام یک از خيارات است؟

- (۱) خيار عيب (۲) خيار تبعض صفقه (۳) خيار غبن (۴) خيار تأخير ثمن

☒ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۴۱ قانون مدنی، تبعض صفقه وقتی ایجاد می‌شود که بخشی از عقد باطل باشد. همچنین هرگاه بخشی از قرارداد منفسخ یا فسخ شود خيار تبعض صفقه پدید می‌آید. بنابراین ملاحظه می‌گردد که عقد واحد به عقود متعدد منحل شده است.

که مثال ۲۴: اگر بعض از مبيع مالیت نداشته باشد، عقد بيع چه حکمی دارد؟

- (۱) بيع کلاً باطل است.
 (۲) بيع کلاً صحيح است و خریدار حق دریافت ارش دارد.
 (۳) بيع درست و لازم و نافذ است و خریدار هیچ حقی ندارد.
 (۴) بيع نسبت به بعض که مالیت ندارد باطل و نسبت به بعض دیگر صحيح و خریدار حق فسخ دارد از جهت تبعض صفقه
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» در غبن صاحب خيار بايد در هنگام معامله از قيمت واقعی ناآگاه باشد. در خيار عيب، مشتری بايد هنگام عقد به وجود عيب جاهل باشد. در تدليس نیز مشتری بايد در هنگام عقد از تدليس ناآگاه باشد.

که مثال ۲۵: در مورد خيار تبعض صفقه کدام گزینه صحيح نمی‌باشد؟

- (۱) بخش باطل شده از عناصر اساسی عقد نباشد.
 (۲) تبعض صفقه در صورتی است که بخش درست از توابع بخش باطل نباشد.
 (۳) خيار تبعض صفقه ویژه عين معين است.
 (۴) در صورت نقص مبيع از وصف مشروط خيار تبعض صفقه ایجاد نمی‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» خيار تبعض صفقه ویژه عين معين نمی‌باشد و در عين کلی نیز راه دارد.

که مثال ۲۶: شخصی ۶ دانگ ملکی را به قیمت ۵۰ میلیون تومان خریداری می‌کند. بعد از عقد معلوم می‌شود ۳ دانگ ملک متعلق به فروشنده نمی‌باشد و متعلق به ثالث است و ثالث نیز راضی به معامله نمی‌باشد. در این صورت عقد تنها نسبت به ۳ دانگ واقع می‌شود. قیمت ۳ دانگ ملک در بازار ۴۰ میلیون تومان و قیمت ۶ دانگ ملک در بازار یکصد میلیون تومان می‌باشد. میزان مبلغی را که فروشنده می‌بایست به خریدار مسترد کند کدام است؟

(۱) ۳۰ میلیون تومان (۲) ۲۰ میلیون تومان (۳) ۲۵ میلیون تومان (۴) ۱۵ میلیون تومان

☒ پاسخ: گزینه «۱» نسبت ۴۰ میلیون تومان به ۱۰۰ میلیون تومان $\frac{4}{100}$ می‌باشد. در این صورت بايع بايد $\frac{4}{100}$ ثمن معامله را (که می‌شود ۲۰ میلیون تومان) نگاه دارد و بقیه را به خریدار پس دهد (که می‌شود ۳۰ میلیون تومان).

که مثال ۲۷: در تفاوت خيار شرط و خيار تلف از شرط کدام گزینه صحيح است؟

- (۱) خيار تلف از شرط به ورثه منتقل نمی‌شود، ولی خيار شرط منتقل می‌شود.
 (۲) خيار شرط نتیجه تراضی است، ولی خيار تخلف از شرط نتیجه تخلف از تراضی است.
 (۳) خيار شرط فوری است، ولی خيار تخلف از شرط فوریت ندارد.
 (۴) خيار شرط ویژه عين معين است، ولی تخلف از شرط ویژه کلی می‌باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» خيار شرط، نتیجه تراضی طرفین می‌باشد که ضمن عقد پیش‌بینی نموده‌اند، ولی خيار تخلف از شرط نتیجه تخلف از تراضی و امتناع از اجرای تعهد ناشی از عقد می‌باشد.

که مثال ۲۸: در کدام عقد امکان شرط خيار وجود ندارد؟

- (۱) بيع (۲) اجاره (۳) وقف (۴) هبه

☒ پاسخ: گزینه «۳» در عقد وقف امکان شرط کردن خيار وجود ندارد.



❏ مثال ۲۹: اگر برای خیار شرط مدت ذکر نشده باشد وضعیت عقد و شرط چگونه است؟

- (۱) عقد صحیح و شرط باطل است.
 (۲) عقد و شرط هر دو باطل هستند.
 (۳) عقد صحیح و شرط قابل اسقاط می‌باشد.
 (۴) شرط باطل می‌باشد و عقد قابل فسخ می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۰۱ قانون مدنی، اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، عقد و شرط هر دو باطل‌اند.

❏ مثال ۳۰: مدت خیار شرط باید به چه صورتی تعیین شده باشد؟

- (۱) صریح
 (۲) ضمنی
 (۳) صریح یا ضمنی
 (۴) با تعیین ساعت آغاز و ساعت پایان آن
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مدت خیار ممکن است به طور صریح یا ضمنی تعیین شود و تعیین ساعت آغاز و پایان مهلت ضروری نمی‌باشد.

❏ مثال ۳۱: در کدام عقد امکان شرط کردن وجود دارد؟

- (۱) ضمان
 (۲) وقف
 (۳) هبه معوض
 (۴) نکاح
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در عقود ضمان و وقف و نکاح امکان شرط وجود ندارد.

❏ مثال ۳۲: اگر در شرط خیار ابتدای مدت ذکر نشده باشد، شرط عقد و چه وضعیتی دارند؟

- (۱) شرط خیار و عقد هر دو باطل می‌باشند؛ چون مدت خیار عملاً مجهول است.
 (۲) عقد صحیح و شرط باطل است.
 (۳) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و خیار دائمی است.
 (۴) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و ابتدای مدت از تاریخ عقد محسوب است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۴۰۰ قانون مدنی: «اگر ابتدای مدت خیار ذکر نشده باشد، ابتدای آن از تاریخ عقد محسوب است».

❏ مثال ۳۳: اگر خیار شرط برای ثالث شرط شده باشد، آیا قابل انتقال است؟

- (۱) به صورت قهری قابل انتقال است، ولی به ورثه ارث نمی‌رسد.
 (۲) به صورت قهری قابل انتقال است، ولی به صورت ارادی منتقل نمی‌شود.
 (۳) قابل انتقال نمی‌باشد خواه به صورت قهری خواه به صورت ارادی.
 (۴) در هر حال قابل انتقال می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگر خیار برای شخص ثالثی شرط شود، او حق انتقال آن را ندارد؛ زیرا صلاحیت داوری به او داده شده است، نه این که حقی برای ثالث ایجاد شده باشد، همچنین به ورثه ثالث نیز منتقل نمی‌شود.

❏ مثال ۳۴: خیار شرط با شرط انفساخ چه تفاوتی دارد؟

- (۱) خیار شرط مدت دارد، ولی شرط انفساخ مدت ندارد.
 (۲) خیار شرط جنبه قراردادی دارد، ولی شرط انفساخ جنبه قانونی دارد.
 (۳) خیار شرط مربوط به طرفین عقد است، ولی شرط انفساخ جنبه قانونی دارد.
 (۴) خیار شرط ایجاد حق فسخ عقد برای یکی از طرفین یا هر دو یا ثالث است، ولی شرط انفساخ معلق کردن انفساخ عقد به عاملی غیر از اراده طرفین است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار شرط مطابق ماده ۳۹۹ قانون مدنی عبارت است از حق فسخ ایجاد شده برای یکی از طرفین یا شخص ثالث. بنابراین به صرف درج خیار شرط عقد منحل نمی‌شود، ولی شرط انفساخ که همان شرط فاسخ است، عبارت است از معلق نمودن انحلال عقد به حادثه‌ای خارجی. ایراد گزینه (۱) آن است که هم شرط خیار و هم شرط انفساخ اگر در عقد معوض شرط شده باشند باید دارای مدت باشند، چرا که در غیر این صورت عقد غرری خواهد بود. ایراد گزینه (۲) آن است که شرط انفساخ نیز جنبه قراردادی دارد؛ زیرا همان گونه که از نام آن پیداست نوعی شرط نتیجه است که بی‌گمان در زمره توافقات قرار می‌گیرد؛ به همین جهت گفته شده است که شرط انفساخ، نوعی اقاله معلق است. ایراد گزینه (۳) آن است که خیار شرط نیز مطابق ماده ۳۹۹ قانون مدنی می‌تواند برای شخص ثالث باشد.



❏ مثال ۳۵: کدام یک از شروط زیر توسط مشروطه قابل اسقاط می‌باشد؟

- (۱) شرط فعل (۲) شرط صفت (۳) شرط نتیجه (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» فقط شرط فعل قابل اسقاط است و شرط صفت و نتیجه قابل اسقاط نمی‌باشند.

❏ مثال ۳۶: اگر در ضمن عقد شرطی شده باشد که شرط صفت باشد و معلوم شود که آن صفت موجود نمی‌باشد، کسی که شرط به نفع او شده حق فسخ دارد. این مربوط به کدام یک از انواع عین می‌باشد.

- (۱) کلی (۲) معین (۳) کلی در معین (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» حکم ماده ۲۳۵ قانون مدنی که در فوق ذکر شد، در مورد خيار فسخ ناظر به موردی است که موضوع معامله عین معین باشد ولی اگر کلی باشد حق فسخ وجود ندارد و باید الزام به تسلیم مطابق موضوع قرارداد انجام شود.

❏ مثال ۳۷: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) شرط صفت قابل اسقاط است.
(۲) شرط نتیجه قابل اسقاط است.
(۳) شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط است.
(۴) شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط نمی‌باشد، ولی حق فسخ ناشی از بطلان شرط قابل اسقاط می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط نمی‌باشد، ولی حق فسخ ناشی از بطلان آن‌ها قابل اسقاط می‌باشد.

❏ مثال ۳۸: کدام گزینه غلط است؟

- (۱) خيار تأخير ثمن مختص بايع است.
(۲) خيار رؤيت بعد از رؤيت فوري است.
(۳) در بيع کلی خيار رؤيت است.
(۴) مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی خيار رؤيت در عقد کلی راه ندارد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی خيار رؤيت در عقد کلی راه ندارد.

❏ مثال ۳۹: شخصی یک تن برنج را با اوصاف معین خرید، ولی وقتی فروشنده برنج را آماده و برای تحویل ارائه کرد، خریدار متوجه شد برنج فاقد اوصاف مورد توافق است، چه اقدام قانونی خریدار می‌تواند انجام دهد؟

- (۱) فروشنده تعهد خود را درست انجام نداده و می‌تواند از قبول آن برنج خودداری کند و فروشنده را وادار به تسلیم برنج با اوصاف مقرر کند.
(۲) می‌تواند به علت غبن معامله را فسخ کند؛ چون قیمت برنج مورد توافق با برنج ارائه شده متفاوت است.
(۳) می‌تواند به علت خيار تخلف از وصف عقد را فسخ کند؛ زیرا برنج وصف مورد توافق را ندارد.
(۴) می‌تواند به استناد خيار عيب عقد را فسخ کند؛ چون برنج معيوب است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» چون از ظاهر سوال بر می‌آید که مورد معامله کلی فی الذمه می‌باشد؛ بنابراین خریدار می‌تواند الزام فروشنده را به تسلیم برنج با اوصاف مقرر درخواست کند و حق فسخ عقد را ندارد.

❏ مثال ۴۰: با دادن تفاوت قیمت، کدام یک از خيارات زیر ساقط می‌شود؟

- (۱) غبن (۲) عيب (۳) رؤيت (۴) هيچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» هيچ کدام از خيارات فوق با دادن تفاوت قیمت توسط فروشنده ساقط نمی‌شود.

❏ مثال ۴۱: خيار رؤيت و تخلف از وصف در کدام عقد جاری است؟

- (۱) بيع (۲) اجاره (۳) صلح (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خيار رؤيت و تخلف از وصف ویژه عقد بيع نمی‌باشد و در تمام عقود وجود دارد.

❏ مثال ۴۲: کدام یک از خيارات زیر ویژه مبيع است و در مورد ثمن وجود ندارد؟

- (۱) رؤيت و تخلف از وصف (۲) عيب (۳) حيوان (۴) تدليس
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» خيار حيوان ویژه مبيع می‌باشد و در ثمن وجود ندارد، ولی سایر خيارات فوق الذکر در ثمن نیز می‌تواند وجود داشته باشد.



آزمون فصل هفتم

که ۱- کدام مورد در خصوص خيار تبعض صفقه صحيح است؟

- (۱) ويژه بيع است. (۲) فوري است. (۳) در ثمن جريان ندارد. (۴) در مبيع كلي جريان دارد.

که ۲- کدام مورد در خصوص انفساخ صحيح است؟

- (۱) اثر آن به گذشته نيز سرايت دارد. (۲) ويژه عقود تمليكي است. (۳) فقط به حكم قانون امكان پذير است. (۴) قهري است.

که ۳- کدام مورد درباره بيع شرط غلط است؟

- (۱) خيار با انعقاد بيع به وجود مي آيد. (۲) منافع مبيع در فاصله عقد و فسخ مال خريدار است. (۳) خيار به هر دو طرف بيع شرط تعلق دارد. (۴) مشتري در مدت زمان خيار نمي تواند در مورد معامله تصرفات ناقل انجام دهد.

که ۴- کدام يك از اقسام خيارات فوري است؟

- (۱) خيار رؤيت و تخلف از وصف (۲) خيار تخلف از شرط (۳) خيار تعذر تسليم (۴) هيچ کدام

که ۵- خيار غبن است.

- (۱) قابل اسقاط است. (۲) مخصوص بايع است. (۳) با دادن مابه التفاوت جبران مي شود. (۴) فقط در شرايط خاصي فوري است.

که ۶- خيار شرط است.

- (۱) مخصوص بايع است. (۲) از اقسام خيارهاي فوري است. (۳) براي فردي خارج از قرارداد هم مي تواند باشد. (۴) بدون مدت هم صحيح است.

که ۷- خيار عيب.....

- (۱) به ارث منتقل نمي شود. (۲) مطلقا با ارش نيز ساقط نمي شود. (۳) قابل اسقاط نيست. (۴) اگر مشتري در مبيع تصرف کند، حق فسخ آن ساقط مي شود.

که ۸- کدام مورد از خيارات ذيل به طور صريح در قانون مدني در زمره خيارات قانوني نيامده است؟

- (۱) خيار تعذر تسليم (۲) خيار تبعض صفقه (۳) خيار تخلف از شرط (۴) خيار تخلف از وصف

که ۹- کدام مورد از شرايط خيار عيب است؟

- (۱) پنهان باشد. (۲) در زمان عقد موجود باشد. (۳) بايع از آن آگاه باشد. (۴) گزينه ۱ و ۲

که ۱۰- کدام مورد از اقسام انحلال قرارداد است؟

- (۱) اقاله (۲) فسخ به خيار (۳) انحلال به شرط فاسخ (۴) هر سه مورد



فصل هشتم

«سقوط تعهدات»

تست‌های تألیفی فصل هشتم

❏ مثال ۱: اگر شخصی یک میلیون ریال را بدون ذکر عنوان به دیگری بدهد، این پرداخت اصولاً است.

- (۱) امانت (۲) ادای دین (۳) هبه (۴) قرض

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۶۵ (قانون مدنی) پرداخت وجه بدون ذکر عنوان به دیگری، به منزله ایفای تعهد یا همان ادای دین است.

❏ مثال ۲: تعهدی را که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود اصطلاحاً چه می‌نامند؟

- (۱) اخلاقی (۲) مذهبی (۳) حقوقی (۴) طبیعی

❏ پاسخ: گزینه «۴» موضوع ماده ۲۶۶ (قانون مدنی) است که در اصطلاح حقوقی به این نوع تعهد، تعهد طبیعی گویند.

❏ مثال ۳: اگر کسی دین دیگری را ادا کند در صورتی می‌تواند به مدیون مراجعه کند که:

- (۱) اذن در تأدیه داشته باشد. (۲) مدیون او را از ادای دین منع نکرده باشد.
(۳) مدیون زنده باشد. (۴) موضوع دین وجه نقد باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» طبق ماده ۲۶۷ (قانون مدنی)

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) پرداخت‌کننده دین دیگری، مطلقاً حق مراجعه به مدیون ندارد.
(۲) اگر شخص ثالث مأذون در پرداخت دین دیگری باشد، می‌تواند برای دریافت معادل آن چه پرداخته است به مدیون مراجعه کند.
(۳) پرداخت‌کننده دین دیگری، مطلقاً حق مراجعه به مدیون را دارد.
(۴) پرداخت‌کننده دین دیگری در صورتی حق رجوع به مدیون را دارد که مدیون او را منع از پرداخت نکرده باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۲۶۷ (قانون مدنی)

❏ مثال ۵: هرگاه متعهدله از دریافت مال مورد تعهد خودداری کند متعهد ...

- (۱) می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کرده و برائت حاصل کند.
(۲) می‌تواند مورد تعهد را نزد خود نگه‌دارد و هیچ مسئولیتی بر عهده وی نخواهد بود.
(۳) می‌تواند به دادگاه رجوع کرده و با اثبات امتناع متعهدله ذمه خود را بری کند.
(۴) می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کرده و با تصرف دادن مال مورد تعهد به آنان برائت حاصل کند.
- ❏ پاسخ: گزینه «۴» زیرا بر اساس ماده ۲۷۳ قانون مدنی، فرد در صورت امتناع متعهدله از قبول مورد تعهد می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کند ولی زمانی بری‌الذمه محسوب می‌شود که مورد تعهد را به تصرف حاکم یا قائم‌مقام او بدهد.

❏ مثال ۶: اگر موضوع تعهد گوسفند معینی باشد و متعهد به جای آن گاوی بدهد، متعهدله ...

- (۱) حق دارد از گرفتن آن خودداری کند. (۲) با پرداخت تفاوت قیمت، حق گرفتن آن را دارد.
(۳) حق ندارد از گرفتن آن خودداری کند. (۴) اگر جنس شی مورد تعهد نباشد، حق دارد از گرفتن آن خودداری کند.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» با توجه به متن ماده ۲۷۵ قانون مدنی، متعهدله را نمی‌توان مجبور کرد که چیز دیگری به غیر آن چه که موضوع تعهد است قبول کند، پس حق دارد از گرفتن آن خودداری کند.

❏ مثال ۷: چه زمانی متعهد می‌تواند متعهدله را مجبور کند تا قسمتی از موضوع تعهد را پرداخت کند؟

(۱) دادگاه به لحاظ وضعیت مدیون پرداخت قسمتی از دین را مقرر کرده باشد. (۲) فقط در صورتی که موضوع تعهد وجه نقد باشد.

(۳) موضوع تعهد حین تأدیه در چند محل مختلف یافت شود. (۴) مدیون ادعا نماید که قادر به پرداخت دین خود به طور یکجا نمی‌باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۲۷۷ قانون مدنی، تنها در صورتی که متعهد وضعیت مالی خوبی نداشته باشد، دادگاه با تعیین مهلت یا قسط‌بندی کردن متعهد در حقیقت متعهدله را مجبور می‌کند که با پرداخت قسمتی از تعهد موافقت نماید.

❏ مثال ۸: هزینه انجام تعهد به عهده کیست؟

(۱) متعهدله (۲) متعهد (۳) متعهد و متعهدله به تساوی (۴) هر یک را که قرعه معین کند.

❏ پاسخ: گزینه «۲» بر اساس ماده ۲۸۱ قانون مدنی، مدیون همان متعهد است و مخارج انجام تعهد بر عهده اوست.

❏ مثال ۹: محل انجام تعهد کجاست؟

(۱) محل اقامت متعهد

(۲) محل اقامت متعهدله

(۳) علی‌الاصول محل وقوع عقد

(۴) محلی که موضوع تعهد در آنجا واقع شده

❏ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۲۸۰ قانون مدنی، اصل بر این است که تعهد باید در محل وقوع عقد واقع شود.

❏ مثال ۱۰: برای تحقق ابراء:

(۱) مقدار دین باید معلوم باشد. (۲) مدیون در قید حیات باشد. (۳) مدیون باید اهلیت داشته باشد. (۴) داین قصد انشا داشته باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» که گفته باید معلوم باشد، نادرست است چون شرط معلوم بودن در قانون نیامده است، گزینه (۳) هم نادرست است چون طبق ماده ۲۹۰ قانون مدنی، اهلیت داشتن برای متعهدله (داین) است نه مدیون، گزینه (۲) هم نادرست است چون طبق ماده ۲۹۱ قانون مدنی، می‌توان ذمه میت را هم ابراء کرد.

❏ مثال ۱۱: ماهیت ابراء چیست؟

(۱) عقد معوض

(۲) عقد غیرمعوض

(۳) ایقاع

(۴) واقعه حقوقی

❏ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۲۹۸ قانون مدنی، چون گفته داین از حق خود به اختیار صرف نظر کند، پس یک طرفه است و ایقاع است.

❏ مثال ۱۲: A ملکی را به B می‌فروشد، سپس در اثر تصادف فوت می‌کند. آیا ورثه A می‌توانند با B تراضی بر اقاله نمایند؟

(۱) خیر، ماده ۲۸۳ قانون مدنی تصریح بر متعاملین دارد.

(۲) بلااشکال است زیرا اقاله یکی از اسباب سقوط تعهد است و از زمره حقوق مالی است؛ پس قابل انتقال به ورثه است.

(۳) اقاله در این‌جا همانند اخذ به شفعه است که بعد از فوت شفیع، دیگر به وراث منتقل نمی‌شود.

(۴) هم در اقاله و هم در حق شفعه بعد از فوت متعاملین و یا فوت شفیع حق مزبور به وراث منتقل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۱» نص صریح ماده ۲۸۳ قانون مدنی گفته طرفین و هیچ صحبتی از قائم مقام و ورثه نشده است؛ پس ورثه A حق تراضی بر اقاله با B را ندارند.

❏ مثال ۱۳: اگر A اتومبیلی از B بخرد بعد از معامله آن را تعمیر کند و به خاطر این تعمیر قیمت اتومبیل بالا برود و سپس بیع اقاله شود، خریدار:

(۱) با بایع به نسبت افزایش قیمت شریک می‌شود.

(۲) فقط می‌تواند هزینه تعمیرات را بگیرد.

(۳) فقط می‌تواند افزایش قیمت را بگیرد.

(۴) با بایع به نسبت هزینه تعمیرات شریک می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» با توجه به متن ۲۸۸ قانون مدنی: اگر مالک بعد از عقد، مشتری در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود، درحین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود. پس A فقط مستحق است که افزایش قیمت را بگیرد.

❏ مثال ۱۴: در تبدیل تعهد از طریق تبدیل دائن.....

(۱) فقط رضایت متعهد لازم است (۲) رضایت متعهدله لازم است (۳) رضایت ثالث لازم است (۴) رضایت هر سه مورد لازم است

❏ پاسخ: گزینه «۴» زیرا در تبدیل تعهد از طریق دائن، رضایت و انشای هر سه طرف یعنی متعهد و متعهدله اول و متعهدله جدید (ثالث) ضروری است.



کمال مثال ۱۵: B مبلغ یک میلیون تومان از C وام می‌گیرد و به عنوان تضمین خانه خود را در رهن C در می‌آورد بعد از مدتی B و C توافق می‌کنند که D مبلغ یک میلیون را به C برگرداند در اینجا.....

- (۱) تبدیل تعهد از طریق تبدیل داین عقد، رهن باقی است.
(۲) تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون، عقد رهن هم از بین می‌رود.
(۳) تبدیل تعهد از طریق تبدیل داین، عقد رهن هم از بین می‌رود.
(۴) تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون، عقد رهن باقی است.

پاسخ: گزینه «۲» در این جا B مدیون است و با توافق، D جایگزین وی می‌شود. پس طبق ماده ۲۹۲ قانون مدنی، تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون صورت گرفته است. درمورد عقد رهن باید گفت طبق ماده ۲۹۳ قانون مدنی، عقد رهن تضمین عقد سابق بوده و چون عقد سابق با تبدیل تعهد از بین رفته است، تضمین آن هم که رهن بوده خود به خود از بین می‌رود.

کمال مثال ۱۶: برای وقوع تهاتر لازم نیست.....

- (۱) هر دو دین کلی فی‌الذمه باشد.
(۲) هر دو دین آزاد باشد.
(۳) هر دو دین هم‌جنس باشد.
(۴) هر دو دین منشأ یکسان داشته باشد.
پاسخ: گزینه «۴» برای وقوع تهاتر گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ لازم است، ولی اصلاً شرط یکسان بودن منشأ در دو دین برای تهاتر وجود ندارد.

کمال مثال ۱۷: اگر بعد از ضمان، مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شود، عقد ضمان.....

- (۱) منفسخ می‌شود.
(۲) باقی می‌ماند.
(۳) بنا به اختیار ضامن یا فسخ می‌شود یا باقی می‌ماند.
(۴) هیچ کدام
پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۹۷ (قانون مدنی) عقد ضمان باقی خواهد ماند و مدیون شدن مضمون‌له به مضمون‌عنه، هیچ فراغتی برای ضامن ایجاد نخواهد کرد.

کمال مثال ۱۸: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه فقط قهری است.
(۲) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه هم قهری است هم قراردادی.
(۳) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه فقط قراردادی است.
(۴) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه قانونی است.
پاسخ: گزینه «۲» منشأ مالکیت ما فی‌الذمه هم می‌تواند قهری باشد مثل بدهی وارث منحصر به مورث بعد از فوت مورث ساقط می‌شود؛ هم می‌تواند قراردادی باشد مانند این که دائن طلب خود را هبه کند به مدیون.



آزمون فصل هشتم

که ۱- اگر کسی مالی را به دیگری بدهد.....

- (۱) فرض بر این است که هبه بوده است.
(۲) نمی‌تواند استرداد کند.
(۳) ظاهر در تبرع است.
(۴) فرض بر این است که هبه نبوده است.

که ۲- در فرض اختلاف میان تبرعی بودن یا نبودن..... باید ثابت کند.

- (۱) مدعی تبرعی نبودن
(۲) مدعی تبرعی بودن
(۳) دادگاه
(۴) گزینه ۱ و ۳

که ۳- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) غیرمدیون در صورت اجازه از طرف مدیون می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۲) غیرمدیون در صورت اجازه از طرف دادگاه می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۳) غیرمدیون در صورت اجازه از مدیون و سپس دادگاه می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۴) غیرمدیون حتی اگر اجازه از طرف مدیون هم نداشته باشد، می‌تواند دین مدیون را بپردازد.

که ۴- اگر شخصی دین دیگری را ادا کند:

- (۱) حق رجوع به مدیون ندارد، مگر این که ادای دین به اذن مدیون باشد.
(۲) در هر حال حق رجوع به مدیون دارد.
(۳) مطلقاً حق رجوع ندارد.
(۴) فقط در صورتی حق رجوع دارد که با درخواست مدیون ادا کرده باشد.

که ۵- تأدیه مورد تعهد به کدام یک از اشخاص زیر موجب سقوط تعهد نیست:

- (۱) خویشاوندان نزدیک متعهد
(۲) متعهدله
(۳) وکیل متعهدله
(۴) شخص مأذون از طرف متعهدله

که ۶- شخصی یک تن شکر به صورت کلی فروخته است. ایفای تعهد بایع به خریدار، چیست؟

- (۱) ایقاع
(۲) عقد
(۳) عمل غیرحقوقی
(۴) هیچ یک

که ۷- تهاتر قهری دو دین وقتی اتفاق می‌افتد که اتحاد در..... وجود داشته باشد.

- (۱) جنس و سبب
(۲) جنس، زمان، مکان
(۳) سبب، زمان و مکان
(۴) زمان و مکان

که ۸- در صورتی که مضمون عنه مالک ما فی‌الذمه خود شود، این حادثه چه اثری در عقد ضمان دارد؟

- (۱) باعث برائت او و سقوط تعهد ضامن می‌شود.
(۲) هیچ اثری در عقد ضمان ندارد.
(۳) حق رجوع مضمون له به او را از بین می‌برد.
(۴) مضمون له حق رجوع به ضامن را دارد.

که ۹- در وضع کنونی بازار بین دو دین که یکی به ریال است و دیگری به ارز خارجی.....

- (۱) تهاتر حاصل می‌گردد.
(۲) تبدیل تعهد حاصل می‌گردد.
(۳) تهاتر حاصل نمی‌گردد.
(۴) تبدیل تعهد حاصل نمی‌گردد.

که ۱۰- وقتی که متعهدله ما فی‌الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل می‌نماید، از مورد تبدیل تعهد از طریق.....

- (۱) تبدیل متعهد
(۲) تبدیل موضوع تعهد
(۳) تبدیل متعهدله
(۴) تبدیل سبب دین



پاسخنامه آزمون‌های عقود و قراردادها

فصل اول: عقود و تعهدات به طور کلی

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»

فصل دوم: شرایط اساسی صحت معاملات

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۳»	۱۴- گزینه «۴»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۲»	۱۸- گزینه «۲»	۱۹- گزینه «۱»	۲۰- گزینه «۴»
۲۱- گزینه «۱»	۲۲- گزینه «۴»	۲۳- گزینه «۱»	۲۴- گزینه «۲»	۲۵- گزینه «۳»

فصل سوم: آثار قراردادها و تعهدات

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۲»	۱۲- گزینه «۴»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۱»	۱۵- گزینه «۱»
۱۶- گزینه «۳»	۱۷- گزینه «۲»	۱۸- گزینه «۲»	۱۹- گزینه «۴»	۲۰- گزینه «۱»
۲۱- گزینه «۱»	۲۲- گزینه «۳»	۲۳- گزینه «۳»	۲۴- گزینه «۴»	۲۵- گزینه «۲»

فصل چهارم: معامله‌ی فضولی

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۴»

فصل پنجم: شروط ضمن عقد

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل ششم: عدم اجرای تعهد و آثار آن

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۱»

فصل هفتم: انحلال قرارداد

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»

فصل هشتم: سقوط تعهدات

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»

وقایع حقوقی



فصل اول

«وقایع حقوقی – مسئولیت مدنی و آثار مسئولیت مدنی»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: کدام یک از موارد زیر واقعه‌ی حقوقی است؟

- (۱) وقف (۲) صلح محاباتی (۳) غصب (۴) حواله بر بری

❏ پاسخ: گزینه «۳» گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ عمل حقوقی است و تنها غصب واقعه‌ی حقوقی است مستند به ماده‌ی ۳۱۵ قانون مدنی: «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده است هر چند مستند به فعل او نباشد».

❏ مثال ۲: کدام یک از گزینه‌های ذیل معنای مسئولیت مدنی را می‌رساند؟

- (۱) مسئولیت مدنی یعنی این که هر مالکی مسئول نگهداری مال خودش است.
(۲) مسئولیت مدنی ناشی از ضمانی است که تخلف فرد از توافق حاصل شود.
(۳) ملزم بودن شخص به جبران خسارتی است که از خطای او به دیگری وارد می‌شود.
(۴) منظور این است که هزینه‌ی نگهداری هر مالی با مالک آن است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مسئولیت مدنی همان مسئولیت غیرقراردادی است، یعنی تعهد شخص به جبران خسارت وارده به دیگران.

❏ مثال ۳: کدام یک از عبارات ذیل نادرست است؟

- (۱) وقتی که شخص از الزامات و تعهدات یک قرارداد سرپیچی کند مسئول قراردادی است.
(۲) وقتی که شخص از الزامات قانونی و عمومی تخلف کند و این سرپیچی منجر به خسارت به غیر شود مسئول قهری (غیرقراردادی) است.
(۳) در مسئولیت قراردادی اثبات و احراز عهدشکنی متعهد کافی است.
(۴) در ضمان مسئولیت قهری، صرف اثبات ورود ضرر کافی است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مسئولیت مدنی قراردادی کافی است که متعهدله ثابت کند که متعهد از بار تعهد مندرج در قرارداد تخلف و یا سرپیچی کرده است، ولی در مسئولیت غیرقراردادی (قهری) باید ثابت شود که بین فعل عامل زیان و ضرر رابطه علیت برقرار است (یعنی همان تقصیر)؛ به عبارت دیگر علاوه بر این که احراز شود ضرری متوجه زیان دیده شده، تقصیر عامل زیان را نیز باید ثابت کند.

❏ مثال ۴: با توجه به قانون مسئولیت مدنی و اصول کلی در حقوق ایران، مبنای مسئولیت بیشتر با کدام نظریه سازگارتر است؟

- (۱) خطر در برابر هرگونه انتفاع (۲) تقصیر (۳) تضمین (۴) خطر در برابر انتفاع مادی

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، «هرکس عمداً (تقصیر عمد) یا در نتیجه بی احتیاطی (تقصیر بدون عمد) به دیگری خسارت بزند، مسئول جبران خسارت می‌باشد».

❏ مثال ۵: کدام یک از موارد زیر جزء الزامات خارج از قرارداد نمی‌باشد؟

- (۱) اتلاف (۲) استیفای نامشروع (۳) تسبیب (۴) تهاوت قهری

❏ پاسخ: گزینه «۴» اتلاف و تسبیب طبق ماده ۳۰۷ قانون مدنی: «امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است. ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفاء». و استیفای نامشروع طبق ماده ۳۱۰ قانون مدنی: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است» جزء الزامات خارج از قرارداد است. تهاوت قهری باعث سقوط تعهد می‌شود و از اسباب ایجاد الزام و تعهد نیست.

مثال ۶: کدام یک از اشخاص نامبرده در ذیل در حکم غاصب است؟

- (۱) کسی که مانع از عبور و مرور همسایه‌ای که مالک حق ارتفاق در ملک می‌باشد، می‌شود.
- (۲) کسی که مالی به عاریه در دست او بوده و منکر وجود آن مال نزد خویش گردیده است.
- (۳) وارث منحصری که پیش از ادای دیون شخص متوفی، ترکه را به تصرف خود درآورده است.
- (۴) شخصی که به طور غیرقانونی پنجره‌ای مشرف بر حیاط شخص دیگر قرار می‌دهد.

پاسخ: گزینه «۲» هرگاه امین، با مطالبه‌ی مالک از تسلیم مال به او خودداری کند، از تاریخ امتناع، در حکم غاصب است. ماده ۳۱۰ قانون مدنی: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن‌ها در دست او است منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است». همچنین شخص جاهلی که مال مغضوب را به نحوی از انحا از غاصب دریافت می‌کند، در حکم غاصب است یعنی همان خریدار مال مغضوب ماده ۳۲۵ قانون مدنی: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت». اشخاص مذکور در گزینه‌های ۱ و ۳ نه غاصبانند و نه در حکم غاصب.

مثال ۷: اگر مال مغضوب در دست یکی از غاصبان تلف شود و مالک به غاصب دیگری رجوع کند، غاصبی که جبران خسارت کرده است به چه کسی حق رجوع دارد؟

- (۱) به کسی که مال در دست او تلف شده است یا به یکی از لاحقین خود. (۲) فقط به کسی که مال در دست او تلف شده است.
- (۳) به هیچ کس حق رجوع ندارد.
- (۴) به یکی از غاصبان سابق خود.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۱۸ قانون مدنی، اگر مالک به غاصبی که مال در دست او تلف نشده است، مراجعه نماید، مشارالیه می‌تواند یا به کسی که مال در دست او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود تا منتهی شود به کسی که مال، در دست او تلف شده است. بنابراین جز در مورد غاصب جاهل (در حکم غاصب)، غاصبی که جبران خسارت کرده است، حق رجوع به غاصبین سابق بر خود را ندارد.

مثال ۸: اتلاف شامل کدام یک از موارد زیر می‌شود؟

- (۱) فقط عین
- (۲) عین و منفعت
- (۳) عین و منفعت و حق
- (۴) عین و حقوق مدنی

پاسخ: گزینه «۳» هر چند در قانون مدنی (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) فقط عین و منفعت را گفته، ولی حق را نیز شامل می‌شود.

مثال ۹: کدام یک جزء عناصر موضوع ماده ۳۰۸ قانون مدنی، نیست؟

- (۱) مال بودن
- (۲) استیلا داشتن
- (۳) به نحو عدوان
- (۴) هیچ کدام

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۰۸، غصب استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، در صورتی که گزینه ۱ فقط از مال نامبرده است.

مثال ۱۰: در اجتماع سبب و مباشر در مورد خسارت کدام مسئول است؟

- (۱) مسبب مسئول است.
- (۲) مباشر مسئول است.
- (۳) مسبب مسئول است مگر در صورت اقوی بودن مباشر
- (۴) مباشر مسئول است مگر در صورت اقوی بودن مسبب

پاسخ: گزینه «۴» براساس ماده ۸۳۲ قانون مدنی، هرگاه یک نفر سبب و دیگری مباشر تلف باشد، علی‌الاصول مباشر مسئول است، مگر این که سبب اقوی باشد که در این صورت سبب، مسئول می‌باشد، هر چند طبق ظاهر این ماده در صورت تساوی دخالت مباشر و مسبب، تنها مباشر مسئول است ولی به نظر می‌رسد در این مورد باید هر دو را به نسبت میزان دخالتشان در ورود زیان مسئول دانست.

مثال ۱۱: در تصادم بین دو وسیله نقلیه در صورتی که هیچ کدام مقصر نباشند، مسئولیت برعهده کیست؟

- (۱) مسئولیت راننده به نسبت درجه تأثیر او در ایجاد حادثه است.
- (۲) مسئولیتی در بین نیست.
- (۳) هر کدام از راننده‌ها باید نیمی از خسارات طرف دیگر را بپردازد.
- (۴) هر کدام باید خسارت وارده به دیگری را جبران کند.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی: هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مشغول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنان‌چه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.



مثال ۱۲: در اثر تصادف راننده‌ای با شخصی که نفقه‌خواهر بی‌بضاعت خویش را به طور مرتب می‌داد، برادر کشته می‌شود، آیا خواهر آن شخص می‌تواند از راننده مقصر خسارت بخواهد که نفقه او را به جای برادرش بدهد؟

- (۱) به استناد از دست دادن منفعت ممکن‌الحصول می‌تواند.
(۲) به استناد از دست دادن منفعت محتمل‌الحصول نمی‌تواند.
(۳) نمی‌تواند، چون منفعتی را از دست داده که حق قانونی او نبوده.
(۴) می‌تواند، چون منفعتی را از دست داده که حق او بوده است.
- پاسخ:** گزینه «۳» به این دلیل نمی‌تواند خسارت را درخواست نماید چون منفعت از دست رفته حق قانونی‌اش نبوده است. ☒

مثال ۱۳: کدام یک از موارد ذیل از جمله شرایط ضرر قابل مطالبه نیست؟

- (۱) ضرر باید مستقیم باشد.
(۲) ضرر باید مسلم باشد.
(۳) ضرر باید در عرف غیرقابل اغماض باشد.
(۴) ضرر باید جبران نشده باشد.
- پاسخ:** گزینه «۳» در ارتباط با ضرر داوری عرف تنها یک معیار نوعی است ولیکن معیار نوعی کافی نیست. چه بسا ضرری که عرف آن را ناچیز می‌داند برای شخص نوعی خسارت و زیان واقعی باشد و این مسأله در زبان‌های معنوی بیشتر آشکار است. ☒

مثال ۱۴: اگر کسی آتش روشن کند و باد وسیله‌ی سرایت آن به باغی شود، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) چون آتش‌افروز سبب بوده و باد مباشر بوده، ضمان برعهده‌ی آتش‌افروز است.
(۲) چون عوامل طبیعی (باد) در ایجاد تلف دخالت داشته، نصف مسئولیت بر عهده آتش‌افروز است.
(۳) آتش‌افروز مسئول است چون عوامل طبیعی در تلف مال ضمان مسبب را از بین نمی‌برد.
(۴) آتش‌افروز مسئول تلف نیست چون قصد ایجاد تلف را نداشته است.
- پاسخ:** گزینه «۳» باید توجه داشت که دخالت عوامل طبیعی همچون باد و باران در تلف مال، ضمان مسبب را از بین نمی‌برد. ☒

مثال ۱۵: اگر مالک حق رجوع خویش به غاصب دوم را نسبت به منافع عین ساقط کند در این صورت:

- (۱) حق رجوع به غاصب اول را از دست می‌دهد
(۲) حق رجوع به غاصبان سوم و بعد از او را نخواهد داشت.
(۳) حق رجوع به هیچ یک از غاصبان را نخواهد داشت.
(۴) حق رجوع به بقیه غاصبین (غیر از غاصب دوم) را خواهد داشت.
- پاسخ:** گزینه «۴» می‌دانیم که مالک در انتخاب کسی که از میان مسئولین باید به او رجوع شود آزاد است، بنابراین مالک می‌تواند از حق رجوع خویش نسبت به یکی از غاصبین صرف‌نظر کند و اسقاط حق رجوع در برابر یکی از غاصبین، مانع از رجوع به دیگران نیست و نکته مهم این است که نباید اسقاط حق رجوع به یکی از غاصبین را با ابراء یکی از غاصبین اشتباه کرد که احکام جداگانه‌ای دارند. یعنی اگر در مثال سؤال بالا، مالک، غاصب دوم را ابراء می‌کرد، در این صورت گزینه دوم صحیح بود یعنی حق رجوع به لاقین را از دست می‌داد. ☒

مثال ۱۶: کدام یک از مواد ذیل از مواردی که فرد را از مسئولیت مدنی معاف می‌کند نیست؟

- (۱) رضایت زیان‌دیده در ورود زیان جسمانی به اشخاص، جز در موارد استثنایی
(۲) رضایت زیان‌دیده در ورود زیان به اموال، جز در موارد استثنایی
(۳) حکم قانون و دستور مقامات صالح
(۴) اکراه در صورتی که شدید باشد و سبب اقوی از مباشر تلقی شود.
- پاسخ:** گزینه «۱» همان‌طور که در موارد بالا توضیح داده شد، رضایت زیان‌دیده یا شخص در مورد صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، هیچ اثری ندارد. ☒

مثال ۱۷: در یک روز برفی شخصی بدون استفاده از زنجیر چرخ اقدام به رانندگی در جاده بیرون شهر کرده که ناگهان بر اثر لغزش زمین منجر به برخورد با یک اتومبیلی می‌شود که کنار جاده پارک نموده است، حال نوع تقصیر را مشخص کنید.

- (۱) تقصیر عمد
(۲) تقصیر غیرعمد
(۳) تقصیر در حکم عمد است
(۴) تقصیری وجود ندارد
- پاسخ:** گزینه «۲» در این جا چون فرد نه قصد فعل (برخورد با اتومبیل) و نه قصد نتیجه (ایراد خسارت) داشته، ولی بر اثر بی‌احتیاطی (استفاده نکردن از زنجیر چرخ) می‌گوییم که تقصیرش شبه عمد است. ☒

مثال ۱۸: در کدام یک از موارد زیر مسئولیت مدنی به وجود نمی‌آید؟

- (۱) خودداری امین از نگهداری مال مورد امانت که به موجب قرارداد تعهد نگهداری دارد.
- (۲) خودداری از حضانت کودک
- (۳) خودداری از نگذاشتن نرده آهنی در برابر پلکانی که ارتفاع دارد.
- (۴) خودداری شناگر قابلی که در کنار استخر است از نجات دادن کودکی که در حال غرق شدن است.

پاسخ: گزینه «۱» مسئولیت در این مورد، قراردادی و ناشی از قرارداد است نه مسئولیت مدنی. در مورد گزینه «۴» نیز به نظر می‌رسد که انجام ندادن تکالیف عرفی نیز تقصیر محسوب می‌شود یعنی در عرف هرکس که به جای آن فرد کنار استخر بود مانع از غرق شدن او می‌شد یا لاقل به او کمک می‌کرد تا غرق نشود.

مثال ۱۹: بر طبق حقوق موضوعه ایران، هرگاه دو عامل در دو زمان مختلف در وقوع حادثه زیان‌بار دخالت داشته باشند و هیچ‌یک از آن دو مباشر نباشند، کدام یک مسئول است؟

- (۱) نزدیک‌ترین سبب به وقوع حادثه ضامن است.
- (۲) کسی که تأثیر کار او در تحقق زیان قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود.
- (۳) هر دو بر حسب نحوه مداخله ضامن خواهند بود.
- (۴) هر دو نفر به نسبت درجه تأثیرشان در تحقق زیان ضامن می‌باشند.

پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در توضیح سبب مقدم در تأثیر گفته شد، ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی از این نظریه تأثیر پذیرفته است و اعلام می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آن که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

مثال ۲۰: در اثر برخورد دو اتومبیلی که یکی از آن‌ها با سرعت غیرمجاز و یکی دیگر بدون چراغ حرکت کرده و موجب ایراد خسارتی به اتومبیل ثالث می‌شوند:

- (۱) هر یک از آن‌ها به نسبت درجه تأثیر خود در ورود ضرر عهده‌دار خسارت خواهد بود.
- (۲) به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.
- (۳) زیان‌دیده در انتخاب مسئول مخیر است.
- (۴) برحسب درجه تقصیر هر دو مسئول‌اند.

پاسخ: گزینه «۲» به موجب ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی جدید: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند».

مثال ۲۱: راه‌حل‌های متخذه در حقوق موضوعه ایران در ارتباط با احراز رابطه سببیت در مسئولیت مدنی، در مجموع بیشتر با کدام یک از نظریه‌های زیر انطباق دارد؟

- (۱) سبب مقدم در تأثیر
- (۲) سبب نزدیک و بی واسطه
- (۳) سبب متعارف و اصلی
- (۴) مسئولیت بر مبنای نحوه مداخله

پاسخ: گزینه «۳» همان‌طور که گفته شد مواد گوناگونی (۵۱۷ تا ۵۲۱ جدید) از این نظریه پیروی کرده‌اند و به نظر می‌رسد که در حقوق موضوعه ایران این نظریه در مجموع نسبت به نظریه‌های دیگر انطباق بیشتری با قوانین ایران دارد.

مثال ۲۲: سبب وقوع حادثه‌ای سرعت غیرمجاز راننده و طوفان ناگهانی و شدید تشخیص داده می‌شود در این مثال بر فرض ورود خسارت به ثالث، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) راننده نصف خسارت را برعهده دارد.
- (۲) راننده تمام خسارت را باید پرداخت کند.
- (۳) راننده به نسبت درجه تقصیر خود باید خسارت را پرداخت کند.
- (۴) راننده به نسبت نحوه مداخله خود در وقوع حادثه باید خسارت را پرداخت کند.

پاسخ: گزینه «۲» نتیجه منطقی نظریه تقصیر (که به عنوان اصل در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) پذیرفته شده است، این است که از میان همه شرایط و اسبابی که در وقوع حادثه دخالت داشته‌اند تنها سبب و عاملی مسئول قرار گیرد که تقصیر داشته است. بنابراین هرگاه در موردی در وقوع حادثه‌ای شخصی خطا کرده باشد و به همراه قوه قاهره خسارتی را به بار آورد، تنها آن شخص که تقصیر کرده، مسئول تمام خسارات خواهد بود و به خاطر دخالت قوه قاهره چیزی از مسئولیت او کاسته نمی‌شود.



مثال ۲۳: اگر کسی مال خود را به کودکی بسپارد و آن مال تلف شود، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) مسئولیت بر عهده کودک است.
 - (۲) مسئولیت به طور تساوی بر عهده کودک و صاحب مال است.
 - (۳) مسئولیت بر عهده خود صاحب مال است.
 - (۴) مسئولیت به نسبت درجه تقصیر بین کودک و صاحب مال تقسیم می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۳» در موردی که زیان دیده در وقوع حادثه و اضرار به خود تقصیر دارد گفتیم که مسئولیت بین او و عامل ورود ضرر تقسیم می‌شود ولی اگر زیان دیده در وقوع حادثه و اضرار به خود عمد داشته باشد، در این صورت اقدام او به زیان خود مانع از خسارت گرفتن از دیگری است. این همان معنای قاعده اقدام است. همچنین در موردی که عرف او را سبب اصلی و قوی‌تر وقوع حادثه بشمارد.

مثال ۲۴: اگر اتومبیلی با سرعت غیرمجاز حرکت کند و فردی به قصد خودکشی خود را به بیرون ماشین پرتاب کند، چه کسی مسئولیت دارد؟

- (۱) هر دو مسئول هستند و مسئولیت به نسبت درجه تقصیر بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۲) هر دو مسئول هستند و مسئولیت به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۳) راننده مسئول تمام خسارت است.
 - (۴) زیان دیده خود مسئول است و راننده هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۴» در فرضی که زیان دیده در وقوع ضرر و خسارت علیه خود نقش دارد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که این مسئولیت چگونه بین زیان دیده و عامل تقسیم می‌شود؟ در این گونه موارد دادگاه تمام عواملی را که در ایجاد حادثه دخالت داشته‌اند ارزیابی می‌کند و با ملاحظه تمام آن‌ها «نحوه مداخله» را تشخیص می‌دهد که درجه تقصیر یکی از مهمترین عواملی است که در این ارزیابی مهم، نقش مؤثر و قاطع دارد. بنابراین چون در مثال مسأله تقصیر کلاً بر عهده خود زیان دیده بود و با توجه به این که در صورتی که زیان دیده در ورود خسارت به خود اگر عمد داشته باشد، نمی‌تواند ادعای مطالبه خسارت از عامل کند، در این جا نیز کل خسارت بر عهده خود زیان دیده است.

مثال ۲۵: در فرضی که بر مال مغضوب، ایادی متعددی حاکم شود (تعاقب ایادی)، در خصوص منافع مال، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هر یک از غاصبین به اندازه زمان تصرف خود و سابقین خود ضامن هستند.
 - (۲) ضامن هر غاصب تنها نسبت به منافع زمان خود است.
 - (۳) غاصب اول بیشترین مسئولیت را دارد و غاصب آخر کمترین مسئولیت را.
 - (۴) غاصب اول کمترین مسئولیت و غاصب آخر بیشترین مسئولیت را دارد.
- پاسخ:** گزینه «۳» مطابق ماده ۳۲۰ که می‌گوید نسبت به منافع مال مغضوب، هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگرچه استیفای منفعت نکرده باشد. لیکن غاصبی که از عهده‌ی منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است، می‌تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.

مثال ۲۶: کارگران مشمول قانون کار در صورتی که با هم سبب ورود خسارتی شوند، مسئولیتشان چگونه است؟

- (۱) مسئولیت تضامنی دارند - میزان مسئولیت هر یک به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۲) مسئولیت نسبی دارند - میزان مسئولیت هر یک با توجه به درجه تقصیر آن‌ها مشخص می‌شوند.
 - (۳) مسئولیت تضامنی دارند - میزان مسئولیت هر یک با توجه به نحوه مداخله هر یک مشخص می‌شوند.
 - (۴) مسئولیت نسبی دارند - میزان مسئولیت هر یک به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به صورت ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی.

مثال ۲۷: در چه صورتی (در کدام یک از موارد زیر) کارفرما در قبال خسارات وارده توسط کارگران خویش مسئولیت ندارد؟

- (۱) خسارات وارده توسط کارگر بیمه شده در اوقات رفت و برگشت از منزل به کارگاه
 - (۲) حوادثی که حین اقدام برای نجات سایر بیمه‌شدگان آسیب دیده اتفاق می‌افتد.
 - (۳) اوقاتی که کارگر بیمه شده به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه انجام مأموریتی می‌کند.
 - (۴) اوقاتی که بیمه شده در خارج از محوطه کارگاه برای کارفرما کار می‌کند، ولی از جانب او مأموریت ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۴» همان‌طور که گفتیم برای تحقق مسئولیت کارفرما دو شرط لازم است: ۱- ورود زیان از طرف کارکنان اداری یا کارگران ۲- ورود زیان هنگام کار یا به مناسبت آن باشد و اقداماتی که بیمه شده در خارج از محوطه کارگاه انجام می‌دهد برای این‌که آن‌را به هنگام کار یا به مناسبت آن به حساب آوریم، باید به دستور کارفرما، مأمور انجام آن مأموریت باشد.

مثال ۲۸: ولی در اثر کوتاهی در نگهداری مجنون، موجب ایراد خسارت به اتومبیلی توسط مجنون شده است، لیکن پس از بررسی اوضاع مالی ولی ایشان توان پرداخت خسارت را ندارد.

- (۱) جبران نیمی از خسارت بر عهده‌ی مجنون است و جبران نیم دیگر آن بر عهده ولی.
- (۲) زیان وارده باید از اموال مجنون جبران شود.
- (۳) جبران زیان در هر حال با ولی است.
- (۴) مورد از جمله مواردی است که زیان‌دیده با اعسار عامل زیان روبه‌رو می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» در ارتباط با بحث مسئولیت ولی یا سرپرست صغیر و مجنون، باید گفت که در صورتی که ولی در نگهداری، مرتکب تقصیر نشده باشد، ضمان بر عهده‌ی فرد محجور است (صغیر یا مجنون) ولی در صورتی تقصیر از ناحیه ولی که ولی او توان جبران خسارت را دارد یا ندارد، اگر دارد که باید بپردازد و اگر ندارد، خسارت از اموال صغیر یا مجنون در صورت استطاعت آن‌ها جبران می‌شود.

مثال ۲۹: مطابق قانون مسئولیت مدنی، اگر کارمند دولت در حین انجام وظیفه خسارتی به دیگری وارد کند، جبران خسارت بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) در صورتی که کارمند اشتباه کرده باشد، دولت مسئول جبران خسارت است و اگر تقصیر کرده باشد شخصاً مسئول است.
- (۲) کارمند شخصاً مسئول است، مگر این‌که ورود خسارت ناشی از نقص وسایل اداری دولتی باشد که در این صورت دولت مسئول است.
- (۳) دولت در هر حال مسئول جبران خسارت وارده است و بعد از پرداخت خسارت می‌تواند به کارمند مراجعه کند.
- (۴) دولت در هر حال مسئول جبران خسارت است و در صورتی می‌تواند به کارمند رجوع کند که عمد یا تقصیر او را اثبات کند.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی.

مثال ۳۰: کدام یک از موارد ذیل در ارتباط با مسئولیت ناشی از فعل غیر، مسئول جبران خسارت شخص دیگر نیستند؟

- (۱) بیمه‌گر مسئولیت
- (۲) صندوق تأمین خسارت‌های بدنی
- (۳) قائم مقام خاص شخص مسئول
- (۴) وارثان شخص مسئول در صورت فوت او

پاسخ: گزینه «۳» قائم مقام خاص، شخصی است که در اثر انتقال مالی از یکی از طرفین قرارداد به او، جانشین طرف مزبور در خصوص آثار آن قرار می‌گیرد. بنابراین قائم مقام خاص عامل ورود زیان به هیچ وجه ملزم به جبران خسارات وارده از سوی شخص مزبور به دیگران نمی‌باشند. اشخاص نامبرده شده در سایر گزینه‌ها بر حسب مورد، مسئول جبران خسارت شخص مسئول می‌باشند و مسئولیت آن‌ها ناشی از فعل غیر است.

مثال ۳۱: اگر بر اثر خراب شدن دیوار کسی اتومبیل متعلق به غیر خسارت ببیند، آیا صاحب دیوار مسئول جبران خسارت است؟

- (۱) بله، مگر این‌که ثابت کند راننده‌ی اتومبیل مرتکب تقصیر شده و آن را در محل غیرمجاز پارک کرده است.
- (۲) بله، مگر این‌که ثابت کند خرابی دیوار بر اثر حادثه‌ی خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط نمود.
- (۳) بله، مگر این‌که ثابت کند احتیاط لازم را در نگهداری آن به عمل آورده است.
- (۴) بله، در صورتی که زیان‌دیده تقصیر او را در نگهداری دیوار اثبات کند.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که در توضیح ماده ۳۳۳ قانون مدنی گفتیم برای این‌که زیان‌دیده بتواند از مالک خسارت بگیرد، باید ثابت کند که خرابی دیوار ناشی از عیبی بوده است. (۱) مالک مطلع بر آن بوده (۲) یا از عدم مواظبت او تولید شده است و این هر دو فرض مفهومی جز تقصیر مالک ندارد زیرا انسانی متعارف ملک یا ساختمان خود را با چنین عیبی رها نمی‌کند و بار اثبات هم بر عهده‌ی زیان‌دیده است.

مثال ۳۲: اگر همسایه اثر رطوبت ناشی از تصرف مالک مجاور را در دیوار ملک خود مشاهده کند ولی به همسایه‌اش اخطار ندهد تا این‌که دیوارش خراب شود مسئولیت بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) اگر مالک مجاور تصرفی به قدر متعارف کند ولی برای رفع حاجت از خود نباشد مسئول است.
- (۲) اگر تصرف مالک مجاور برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود نباشد مسئول است.
- (۳) چون صاحب دیوار نیز خود سبب بوده به همسایه اخطار نداده است هر دو مسئول خسارت هستند.
- (۴) چون صاحب دیوار به فعل زیان‌بار همسایه دامن زده و باعث اضرار شده خود مسئول است.

پاسخ: گزینه «۴» در موردی که بی‌مبالایی و کاهلی زیان‌دیده به اثر فعل زیان‌بار دامن زده و باعث اضرار شده است، باید ضرر را ناشی از اقدام شمرد. در نتیجه در این مورد نیز ضرر ناشی از اقدام است و خسارت ناشی از خراب شدن دیوار به عهده‌ی متصرف نیست. در فرض که تقصیر زیان‌دیده یا ثالث بر زیان افزوده است، اگر میزان افزوده معلوم باشد، خواننده‌ی دعوا مسئول نیست و در موردی که میزان تأثیر هر یک معین نباشد، زیان‌دیده بیش از نیمی از خسارت را نمی‌تواند بگیرد.



کلمه مثال ۳۳: اگر هنگام حرکت ریگی از زیر چرخ‌های اتومبیل پرتاب شود و خسارتی ایجاد کند، مسئول کیست؟

- (۱) جهش سنگریزه در حکم حادثه‌ی قهری است، در نتیجه هیچ کس مسئول نیست.
- (۲) جهش سنگریزه در حکم حادثه‌ی قهری است، در نتیجه به دلیل اجتماع اسباب، راننده مسئول نیمی از خسارت است.
- (۳) پرتاب ریگ نتیجه‌ی فعالیت دارنده‌ی اتومبیل است، در نتیجه راننده مسئول تمام خسارات وارده است.
- (۴) چون راننده تقصیری در جهش سنگریزه نداشته است، پس مسئول خسارات نیست.

پاسخ: گزینه «۳» در این‌جا پرتاب ریگ نتیجه‌ی فعالیت دارنده‌ی اتومبیل و از حوادث متعارف و شایع این گونه وسایل نقلیه و مشمول ماده یک قانون بیمه‌ی اجباری است و تقصیر نداشتن راننده‌ی اتومبیل دارنده‌ی آن را از مسئولیت مفروض قانون معاف نمی‌کند. به موجب تبصره‌ی ۶ ماده ۱ قانون اصلاح شده در ۱۳۸۷ (بیمه اجباری): «منظور از شخص ثالث، هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار زیان‌های بدنی یا مالی شود، به استثنای راننده‌ی مسبب حادثه».

کلمه مثال ۳۴: راننده‌ای از کوچه‌ی فرعی بدون رعایت حق تقدم به خیابان اصلی می‌رود و با وسیله‌ی دیگری که در آن خیابان با سرعت غیرمجاز حرکت می‌کند تصادم می‌کند، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) راننده‌ای که از کوچه فرعی می‌پیچد - چون خطای شدیدتر را مرتکب شده است.
- (۲) هر دو راننده مسئول هستند و هر کدام باید تمام خسارات طرف مقابل را بپردازند.
- (۳) چون هر دو مقصر هستند هیچ گونه ضمانی در بین نیست.
- (۴) چون هر دو راننده مقصر هستند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه‌ی دیگری را ضامن است.

پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی که در قسمت بالا توضیح داده شد.

کلمه مثال ۳۵: در چه صورتی تصادم دو اتومبیل حکم به جبران خسارت داده نمی‌شود؟

- (۱) هر دو راننده مقصر باشند.
- (۲) هیچ کدام از راننده‌ها مقصر نباشند.
- (۳) در صورت نداشتن تقصیر
- (۴) سبب تصادم قوه‌ی قاهره باشد.

پاسخ: گزینه «۴» در تصادم دو اتومبیل به دلیل نداشتن تقصیر نمی‌توان طرفین را مسئول شناخت، زیرا مسئولیت در این فرض مبتنی بر تقصیر نیست. پس تنها در صورتی حکم به جبران خسارت داده نمی‌شود که قوه‌ی قاهره سبب تصادم باشد که در فرض اول نیز توضیح داده شد. در موردی که تصادم دو وسیله نقلیه موتوری باعث ورود ضرر به ثالث شود فرض مسئولیت برای دارنده‌ی هر دو وسیله در برابر او وجود دارد در نتیجه زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از دو دارنده رجوع کند و تمام خسارت را بگیرد ولی در تقسیم خسارت بین دو مسئول سهم هر کدام نیمی از خسارت است (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی).

کلمه مثال ۳۶: علی اتومبیل خود را به دوستش برای مدتی امانت می‌دهد. دوست او در اثر سرعت زیاد با اتومبیل دیگری تصادف می‌کند و به آن خسارت می‌زند صاحب اتومبیل زیان‌دیده، خسارت خود را از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

- (۱) از علی و از راننده‌ی مقصر از هر کدام که بخواهد.
- (۲) از راننده‌ی مقصر به تنهایی
- (۳) از دارنده به تنهایی (علی)
- (۴) از راننده‌ی مقصر، نصف و از علی نصف دیگر

پاسخ: گزینه «۱» مطابق مواد ۳۲۸ و ۳۳۵ قانون مدنی، راننده‌ی مقصر از باب اتلاف و یا تسبیب در مقابل زیان‌دیده مسئول می‌باشد، از سوی دیگر مطابق قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، دارنده‌ی وسیله نقلیه در مقابل اشخاص ثالث مسئول خسارت وارده از ناحیه‌ی وسیله نقلیه، به آن‌ها می‌باشند که این مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارنده نیست. بنابراین زیان‌دیده می‌تواند هم به راننده‌ی مقصر و هم به دارنده‌ی اتومبیل مراجعه نماید.

کلمه مثال ۳۷: اگر مال در محل غصب مثلی باشد ولی در محل تلف قیمی باشد، مسئولیت چگونه است؟

- (۱) غاصب باید مثل مال را به مالک بدهد.
- (۲) غاصب باید قیمت حین الاداء را بپردازد.
- (۳) غاصب باید آخرین قیمت را بدهد.
- (۴) غاصب در دادن مثل یا قیمت مختار است.

پاسخ: گزینه «۱» مبنای انتخاب مثل یا قیمت این است که از چه راه بهتر می‌توان از مالک رفع ضرر کرد و دادن مثل راهی است که وضعیت او را به سابق برمی‌گرداند.



❏ مثال ۳۸: اگر مال در محل غصب قیمی باشد ولی در محل تلف مثلی باشد، مسئولیت غاصب چگونه است؟

- (۱) غاصب باید مثل مال را به مالک بدهد.
(۲) غاصب باید قیمت زمان غصب را بپردازد.
(۳) غاصب در دادن مثل یا قیمت مختار است.
(۴) غاصب باید قیمت حین الاداء را بپردازد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» چون مال در محل غصب قیمی بوده است، بنابراین غاصب می‌تواند قیمت مال تلف شده را به مالک پرداخت کند، ولی چون مال در محل تلف مثلی بوده است، غاصب می‌تواند با دادن مثل جبران خسارت کند و مالک حق ندارد الزام او را به دادن قیمت بخواهد.

❏ مثال ۳۹: در کدام یک از موارد ذیل شرط عدم مسئولیت صحیح و نافذ است؟

- (۱) شرط عدم مسئولیت وکیل در اجرای وکالت
(۲) شرط عدم مسئولیت در زیان وارده بر سلامت جسمانی فرد
(۳) شرط عدم مسئولیت در ارتباط با خسارت‌های سنگین
(۴) شرط عدم مسئولیت در ارتباط با خسارت‌هایی که تقصیر عامل زیان عرفاً قابل اغماض نیست و در حکم عمد است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» تعهد وکیل از نوع تعهد به وسیله است، در تعهد به وسیله، عدم اجرای تعهد به خودی خود الزام و مسئولیتی برای متعهد ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه متعهدله تقصیر و یا مسامحه متعهد را ثابت کند، برخلاف تعهد به نتیجه که صرف عدم انجام تعهد موجب ضمان و مسئولیت است برای متعهد، مگر این که متعهد بتواند قوه قهریه را در عدم انجام تعهد ثابت کند.
در ارتباط با گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ شرط عدم مسئولیت در تمام آن موارد باطل است و نفوذ حقوقی ندارد، اما گزینه ۱ اگر در اثر عدم انجام مورد وکالت خسارتی به غیر وارد شود و این خسارت قابل پیش‌بینی باشد به طوری که عرفاً وکیل به طور عمد باعث ایراد آن خسارت شده است، باید گفت عدم مسئولیت وکیل و شرط آن صحیح نمی‌باشد ولیکن چون گزینه ۱ اطلاق دارد، در ارتباط با گزینه‌های دیگر صحیح‌تر است.



آزمون فصل اول

کدام ۱- ماهیت حقوقی تهاثر چیست؟

- (۱) واقعه حقوقی ارادی (۲) واقعه حقوقی قهری (۳) ایقاع (۴) عقد

کدام ۲- تعهدی را که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید دعوای استرداد او مسموع نخواهد بود، اصطلاحاً چه می‌نامند؟ تعهد:

- (۱) اخلاقی (۲) طبیعی (۳) مذهبی (۴) حقوقی

کدام ۳- ماهیت حقوقی غصب چیست؟

- (۱) واقعه حقوقی قهری (۲) واقعه حقوقی ارادی (۳) ایقاع (۴) عقد

کدام ۴- کدام یک از موارد زیر واقعه حقوقی نیست؟

- (۱) کسی که بلاجهت از عمل دیگری کسب منفعت کرده است. (۲) مأخوذ بالسوم (۳) مقترض مال مغصوبه (۴) حواله بر بری

کدام ۵- کدام یک از موارد ذیل، جزء الزامات قهری (خارج از قرارداد) است؟

- (۱) ضمان فروشنده مال معیوب
(۲) ضمان بایع در تلف مبیع قبل از قبض نسبت به رد ثمن به خریدار
(۳) ضمان متعهد متخلف در رد وجه التزام
(۴) ضمان مستأجر به پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف بعد از انقضای اجاره

کدام ۶- در تفاوت اتلاف و تسبیب کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) در تسبیب تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است، ولی در اتلاف تقصیر ملاک نیست.
(۲) در اتلاف شخص مستقیماً و در تسبیب فرد با واسطه سبب از بین رفتن مالی می‌شود.
(۳) گزینه ۱ و ۲
(۴) تسبیب و اتلاف همواره با فعل انجام می‌شود.

کدام ۷- در کدام یک از موارد ذیل، نیازی به اثبات رابطه سببیت بین عامل ضرر و فعل زیانبار نیست؟

- (۱) استیفای منفعت (۲) تسبیب (۳) اتلاف (۴) غصب

کدام ۸- در ارتباط با مسئولیت متصدی حمل و نقل در قانون مدنی و قانون تجارت، کدام یک صحیح است؟

- (۱) در قانون تجارت متصدی مسئول رساندن کالا به مقصد است و تقصیر وی باید اثبات شود.
(۲) در قانون مدنی متصدی مسئول سالم رساندن کالا به مقصد است و تقصیر وی باید اثبات شود.
(۳) در قانون مدنی متصدی امین است و در صورت تلف کالا، تقصیر وی باید ثابت شود تا مسئول قرار گیرد (تعهد به وسیله)، ولی در قانون تجارت متصدی مسئول سالم رساندن کالا به مقصد است (تعهد به نتیجه) و تنها اگر قوه قاهره را ثابت کند از مسئولیت معاف است.
(۴) در قانون تجارت متصدی امین است و تعهدش بر سالم رساندن کالا به مقصد است، ولی در صورت تلف کالا و هر صورت مسئول است.

کدام ۹- مسئولیت مدنی چیست؟

- (۱) یعنی این که هر شخصی نسبت به دیگران مسئول است.
(۲) منظور این است که هر مالکی مسئول نگهداری مال خویش است.
(۳) منظور این است که هزینه نگهداری هر مالی با مالک آن است.
(۴) یعنی ضمان فرد نسبت به خطایش

کدام ۱۰- ضمان فردی که در اثر اشتباه فردی دیگر در هویت دائن، مال را دریافت کرده کدام است؟

- (۱) ضمان قهری (۲) ضمان قراردادی (۳) ضمان طبیعی (۴) ضمان اخلاقی



فصل دوم

«غصب»

تست‌های تألیفی فصل دوم

کدام مثال ۱: کدام یک از موارد زیر موضوع غصب قرار می‌گیرد؟

- (۱) اعیان اموال (۲) عین و منفعت (۳) عین اموال و حق (۴) عین، منفعت و حق

پاسخ: گزینه «۴» با این که ماده ۳۰۸ فقط عین و حق را آورده است، ولی همان طور که توضیح داده شد منفعت اموال نیز می‌تواند موضوع غصب قرار گیرد. ☒

کدام مثال ۲: اگر عیبی که در زمان غصب ایجاد شده روبه‌فزونی باشد و در تصرف مالک باعث فساد تمام آن مال شود، ضمان غاصب چگونه است؟

- (۱) غاصب ضامن قیمت مال است، بر این مبنا که در حکم تلف است.
(۲) غاصب باید علاوه بر رد عین، ارزش را نیز بدهد بدین گونه که هر چه عیب بیشتر شود ارزش نیز بیشتر می‌شود.
(۳) غاصب ضامن رد مال و ارزش عیبی است که در زمان غصب حاصل شده.
(۴) غاصب ضامن رد مال و ارزش عیبی است که در زمان پرداخت ارزش بوده است.

پاسخ: گزینه «۲» مشهور و بیشتر فقها نظر دوم را تأیید کرده‌اند، ولی این ضمان ناظر به موردی است که مالک نتواند از آثار آن عیب احتراز کند. ☒

کدام مثال ۳: زمان توصیف مثلی بودن یا قیمی بودن مال برای پرداخت خسارت مالک در فرضی که مال هنگام غصب و یا تلف مثلی بوده و بعداً قیمی

شود چه زمانی است؟

- (۱) زمان غصب (۲) زمان تلف
(۳) زمان پرداخت (۴) زمان تغییر وضعیت مال از مثلی به قیمی

پاسخ: گزینه «۳» زمان توصیف مال هنگام پرداخت است. بنابراین اگر مال هنگام غصب یا تلف مثلی بوده، ولی هنگام پرداخت مثل آن یافت نشود، مال را باید قیمی به حساب آورد و غاصب در این صورت ضامن قیمت مال خواهد بود. ☒

کدام مثال ۴: اگر مال مغضوب قیمی باشد و غاصب آن را تلف کند، قیمت چه زمانی مناط اعتبار است و غاصب باید قیمت چه زمانی را به مالک پرداخت کند؟

- (۱) قیمت زمان غصب (۲) قیمت زمان تلف (۳) قیمت زمان پرداخت (۴) بالاترین قیمت‌ها

پاسخ: گزینه «۳» از ظاهر قانون مدنی و اصول حقوقی این نتیجه بدست می‌آید که ملاک قیمت روز پرداخت است (همان يوم الادا). ☒

کدام مثال ۵: ضمان غاصب در مورد منافع اموالی که اجاره ندارند مثل مرغ و درخت چگونه ارزیابی می‌شود؟

- (۱) ضمان غاصب محدود به منافع استیفا یا تلف شده است.
(۲) ضمان غاصب محدود به اجرت‌المثل انتفاعی است که متعارف است.
(۳) ضمان غاصب محدود به بالاترین اجرت‌المثل است.
(۴) ضمان غاصب محدود به همه‌ی منافع مال است.

پاسخ: گزینه «۱» غاصب باید اجرت‌المثل مال مغضوب را در زمان تصرف خود به مالک بدهد، مشروط بر این که در عرف اجاره‌ای برای آن منظور شده باشد. بنابراین در مورد اموالی که اجاره ندارند، ضمان غاصب محدود به منافع استیفا یا تلف شده است. ☒

کدام مثال ۶: هرگاه مال مغضوب در دست یکی از غاصبان معیوب شود، تفاوت قیمت مال سالم و معیوب بر عهده‌ی کدام یک از غاصبین است؟

- (۱) همه غاصبین مسئول تفاوت قیمت مال مغضوب سالم و معیوب در مقابل مالک هستند.
(۲) کسانی که مال سالم را در دست داشتند مسئول تفاوت قیمت هستند.
(۳) کسانی که مال معیوب را در دست داشتند مسئول تفاوت قیمت هستند.
(۴) کسی که مال در دست او معیوب شده است مسئول تفاوت قیمت است.

پاسخ: گزینه «۲» ☒



❏ مثال ۷: حسن و حسین و علی هر کدام به مدت یک ماه خانه‌ای را در تصرف غاصبانه داشته‌اند و اکنون مالک می‌خواهد برای گرفتن بدل منافع تلف شده به آنان رجوع کند، هر کدام چقدر مسئولیت دارند؟

(۱) هر کدام نسبت به منافع ۳ ماه در مقابل مالک ضامن هستند.

(۲) حسین برای ۲ ماه و حسن برای ۳ ماه و علی برای ۱ ماه مسئولیت دارد.

(۳) حسین برای ۱ ماه و حسن برای ۲ ماه و علی برای ۳ ماه مسئولیت دارد.

(۴) هر کدام به مدت ۱ ماه نسبت به منافع، در مقابل مالک ضامن هستند.

❏ پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در ماده ۳۲۰ قانون مدنی آمده، هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن می‌باشد.

❏ مثال ۸: در مورد منافع مال مغضوب مسئولیت غاصبین با یکدیگر و مسئولیت آن‌ها در مقابل مالک چگونه است؟

(۱) مسئولیت غاصبین با یکدیگر مسئولیت عینی، ولی در مقابل مالک مسئولیت جمعی دارند.

(۲) مسئولیت غاصبین با یکدیگر مسئولیت جمعی، ولی در مقابل مالک مسئولیت عینی دارند.

(۳) مسئولیت غاصبین هم با یکدیگر و هم در مقابل مالک مسئولیت جمعی است.

(۴) مسئولیت غاصبین هم با یکدیگر و هم در مقابل مالک مسئولیت عینی است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۲۰ قانون مدنی نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود در مقابل مالک ضامن است. در واقع مسئولیت آن‌ها در مقابل مالک یک مسئولیت تضامنی یا جمعی است و مالک می‌تواند به هر کدام به اندازه‌ی تصرف او و ما بعد او رجوع کند، ولی در رابطه‌ی غاصبین با یکدیگر هر غاصبی به اندازه‌ی زمان تصرف خود در مقابل غاصبی که از عهده‌ی منافع مال مغضوب برآمده است، مسئول می‌باشد و قسمت اخیر ماده ۳۲۰ قانون مدنی می‌گوید غاصبی که از عهده‌ی منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده می‌تواند به هر یک «نسبت به زمان تصرف او» رجوع کند. در نتیجه هر غاصبی مسئولیت عینی در مقابل غاصب دیگر دارد نه مسئولیت جمعی و تضامنی.



آزمون فصل دوم

که ۱- کدام یک از موارد ذیل غصب است؟

- (۱) قطع سلطه مالک بر مال و تصرف و استیلا بر غیرمالک بر مال
(۲) قطع سلطه مالک بر مال و تصرف و استیلا بر مال
(۳) قطع سلطه مالک بدون تصرف و استیلا بر مال
(۴) ایجاد مزاحمت برای مالک در انتفاع

که ۲- در ارتباط با ضمان غاصب، کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) غاصب در رد عین مغضوبه یا مثل یا قیمت آن ضامن است.
(۲) مالک در پذیرش عین مغضوبه یا مثل یا قیمت آن ضامن است.
(۳) غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد، باید بعداً قیمت در صورت تعذر مثل آن را بدهد.
(۴) غاصب باید عین مال مغضوب را رد نماید و اگر عین تلف شده باشد، بعداً مثل و در صورت تعذر قیمت مال مغضوب را بدهد.

که ۳- اگر کسی مقداری گندم غصبی را در زمین غصبی بکارد و با آب غصبی آبیاری کند، محصول به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) صاحب زمین
(۲) صاحب آب
(۳) مشترکاً صاحب آب و زمین
(۴) صاحب گندم

که ۴- مالی را که به جای مال مغضوب برای مالک به وی می‌دهند، نام دارد.

- (۱) تصرف مجانی - مباحات
(۲) جبران خسارت - بدل حیلولة
(۳) انتفاع - بدل
(۴) جبران خسارت - بدل

که ۵- علی موجب تلف ساعت حسن می‌شود که سابقاً غصب کرده، در مقام جبران خسارت با تلاش فراوان نمونه و مثل آن پیدا نمی‌شود، حال علی باید چه کند؟

- (۱) قیمتی را که کارشناس تعیین می‌کند بدهد.
(۲) بالاترین قیمت از زمان غصب تا تلف را بدهد.
(۳) قیمت روز پرداخت را بدهد.
(۴) بالاترین قیمت از زمان تلف تا روز پرداخت را بدهد.

که ۶- اگر فردی مالی از فرد دیگر غصب کند که مثلی بوده، مثل آن موجود ولی از مالیت خارج شده باشد، ضمان غاصب را تعیین کنید.

- (۱) ضمان غاصب به رد مثل مالی است.
(۲) ضمان غاصب به رد مال به همراه ارزش از قیمت افتادن مال است.
(۳) ضمان غاصب به پرداخت قیمت زمان ادا است.
(۴) باید آخرین قیمت را بدهد.

که ۷- غاصب نسبت به زیادتی که به وسیله عملش در عین مغضوب حاصل شده، چه حقی دارد؟

- (۱) اگر زیادتی عین مستقل باشد، آن عین مال غاصب است.
(۲) هیچ حقی ندارد.
(۳) اگر نسبت به زیادتی مطلقاً حق دارد.
(۴) نسبت به زیادتی که عین مستقل نیست، فقط با پرداخت اجرت‌المثل به مالک حق دارد.

که ۸- در مورد ضمان خریدار جاهل به غصب؛ کدام مورد صحیح است؟

- (۱) در صورتی که ثابت کند جاهل بوده مسئولیت ندارد.
(۲) در صورتی که تلف به اثر قوه قاهره بوده مسئولیت ندارد.
(۳) در هر حال ضامن است.
(۴) در صورت تعدی و تفریط ضامن است.

که ۹- خریدار جاهل به غصب در اثر رجوع مالک مجبور به رد مال شده است، نسبت به چه چیز می‌تواند به غاصب رجوع کند؟

- (۱) فقط ثمن معامله
(۲) ثمن معامله به علاوه خسارات
(۳) فقط خسارات
(۴) قیمت بیع در زمان معامله

که ۱۰- ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او، موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آن‌ها ، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند، حق رجوع به لاحقین

- (۱) نخواهد بود - نخواهد داشت
(۲) نخواهد بود - خواهد داشت
(۳) خواهد بود - نخواهد داشت
(۴) خواهد بود - خواهد داشت



فصل سوم

«استیفا، ایفای ناروا و اداره فضولی»

تست‌های تألیفی فصل سوم

کلمه مثال ۱: کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

- (۱) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته باشد، ولی او به امر آمر این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۲) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل عادتاً خود را مهیای عمل کرده باشد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۳) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل بدون اذن آمر این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۴) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل به قصد تبرع این عمل را انجام دهد، باز مستحق اجرت‌المثل است.

پاسخ: گزینه «۲» گفتیم که عامل در صورتی مستحق اجرت‌المثل است که عمل خود را به امر آمر انجام دهد و این که عمل عامل در عرف اجرتی داشته باشد ولی اگر عمل در عرف اجرتی نداشته باشد، عامل خود را عادتاً مهیای این عمل کرده باشد یعنی به قصد دریافت دستمزد این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. ماده ۳۳۶ قانون مدنی در بیان اوصاف کار مورد استیفا می‌گوید: «که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد ...».

کلمه مثال ۲: در کدام یک از موارد زیر الزام به پرداخت اجرت‌المثل وجود ندارد؟

- (۱) اگر تراضی برای ایجاد تعهد ناقص باشد، مانند این که چگونگی کار عامل معلوم نباشد.
- (۲) اگر تراضی به درستی صورت نگیرد، مانند این که آمر به اکراه دیگری را به کاری وا دارد.
- (۳) اگر قانون تراضی را مؤثر نداند مانند تبانی برای تعمیر مال غیر
- (۴) اگر تراضی برای انجام کار نامشروع باشد، مانند این که آمر به دیگری دستور دهد که شخصی را زندانی کند.

پاسخ: گزینه «۴» آنچه که در تحقق شرایط استیفا و الزام به پرداخت اجرت‌المثل در نتیجه آن، اهمیت دارد، «استیفا» و استفاده کردن و منتفع شدن از کار یا عمل دیگری است، خواه استفاده مادی و به صورت افزودن به دارایی باشد یا معنوی و نتیجه‌ی انجام خواسته‌های آمر. در نتیجه در تمام مثال‌هایی که در گزینه‌ها آمده است «استیفا» از عمل غیر تحقق می‌یابد و همان‌طور که گفتیم استیفا از اسباب ضمان قهری است نه قراردادی، در نتیجه لازم نیست تمام شرایطی که برای تحقق قرارداد لازم است در ضمان قهری هم موجود باشد. با وجود این باید توجه داشت که الزام به پرداخت اجرت‌المثل ویژه‌ی کاری است که مشروع و مباح باشد.

کلمه مثال ۳: کدام یک از موارد زیر مشمول قاعده‌ی استیفا نمی‌شود و در نتیجه اجرت‌المثل لازم نیست پرداخت گردد؟

- (۱) شخصی به مالک دستور می‌دهد که مال خود را وقف کند.
- (۲) مسافری در کشتی از دیگری می‌خواهد که اموال خود را به دریا بریزد.
- (۳) شاگردی با اذن استاد کار در کلاس او حاضر می‌شود و تعلیمات او را می‌آموزد.
- (۴) مستأجری برای استفاده‌ی بهتر اتاق‌ها را رنگ می‌کند ولی در اثنای مدت اجاره فسخ می‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» در گزینه‌های ۱ تا ۳ در واقع مفاد مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی با هم منطبق شده است. همان‌طور که گفته شده ماده ۳۳۶ در استیفاء از عمل غیر و ماده ۳۳۷ در استیفاء از مال غیر است. ولی هیچ مانعی ندارد که تصرف در اموال غیر (گزینه ۱ و ۲) برحسب امر دیگری (نه اذن مالک) انجام شود و استفاده از عمل غیر (گزینه ۳) با اذن دیگری (نه امر آمر) صورت پذیرد و سبب الزام گردد. ولی گزینه ۴ همان‌طور که در مورد «کاستن از دارایی دیگری» در بحث استیفاء نامشروع توضیح داده شده، اگر خواهان اقدامی برای حفظ منافع خود بکند و از آن اقدام موردی به دیگران برسد، نمی‌تواند آن را به عنوان «استفاده‌ی بدون جهت» مطالبه کند.

❏ مثال ۴: کدام یک از موارد زیر «ایفای ناروا» محسوب می‌شود؟

(۱) کسی که پولی را به عنوان قرض یا امانت به دیگری بدهد.

(۲) پرداخت دین پیش از سر رسید دین

(۳) هرگاه کسی به پندار وجود دین خدمتی به دیگری انجام دهد، برای گرفتن عوض آن خدمت.

(۴) هرگاه مدیون همه‌ی دینی را که تنها بخشی از آن بر عهده‌ی اوست بپردازد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مورد گزینه‌ی «۱» تسلیم مال باید به عنوان وفای به عهد باشد، یعنی پرداخت‌کننده‌ی دین یا مال باید تصور کند که وفای به عهد می‌کند یعنی فکر کند که دینی به دریافت‌کننده دارد و آن دین را پرداخت می‌کند تا ایفای ناروا تحقق یابد. گزینه‌ی «۳» همان‌طور که در مورد شرایط تحقق ایفای ناروا گفتیم ایفای ناروا، باید تسلیم مال باشد نه انجام عمل یا خدمت. گزینه‌ی «۲» در شرایط تحقق ایفای ناروا گفتیم که یکی از شرایط عدم وجود دین است ولی در دین مؤجل (دینی که حال نیست) صرفاً این دین به تأخیر افتاده است ولی در مورد گزینه‌ی «۴» پرداخت نسبت به میزان زاید بر دین «ایفای ناروا» است و پرداخت‌کننده می‌تواند آن را پس بگیرد.

❏ مثال ۵: در پرداخت دینی که مشمول مرور زمان شده است، کدام یک از موارد زیر ایفای ناروا محسوب می‌شود؟

(۱) در مورد اشتباه نسبت به قابل مطالبه نبودن دین مشمول مرور زمان

(۲) در مورد جهل نسبت به قابل مطالبه نبودن دین مشمول مرور زمان

(۳) در موردی که مدیون تصور کند دین مشمول مرور زمان نیست و دین حقوقی است.

(۴) در موردی که مدیون به وسیله صدور اجرائیه دین مشمول مرور زمان، مجبور به پرداخت می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مرور زمان نیز مانند دیون طبیعی، به استناد جهل به قابل مطالبه نبودن دین و پندار وجود دین حقوقی، نمی‌توان دین پرداخت شده را بازستاند. قانون مدنی شرط عدم استماع دعوی استرداد پرداخت دیون طبیعی را، پرداخت از روی میل عنوان می‌کند (ماده ۲۶۶ قانون مدنی) ولی در مواردی که پرداخت از روی اجبار صورت می‌گیرد حتی در مواردی که اجبار مشروع است مثل مثال گزینه‌ی ۴ باز هم پرداخت از روی میل صورت نگرفته است و ایفای ناروا محسوب می‌شود و دعوی استرداد مسموع است.

❏ مثال ۶: در صورتی که موضوع پرداخت در ایفای ناروا مقداری پول باشد که به حساب گیرنده ریخته شده است، گیرنده ملزم است چه چیزی را به صاحب پول بازگرداند؟

(۲) باید مثل مال را به مالک پول بازگرداند.

(۱) باید عین مال را به مالک پول بازگرداند.

(۴) باید بدل مال (پول) را به مالک بازگرداند.

(۳) باید معادل مال (پول) را به مالک بازگرداند.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در این مثال، گیرنده بایستی معادل پول را بازگرداند. همچنین است در تمام مواردی که ارزش مورد انتقال در عین خاصی تجسم نمی‌یابد. یعنی ارزش هزار تومان در خود هزار تومانی نیست و فرقی نمی‌کند که گیرنده موقع بازگرداندن دو تا پانصد تومانی به پرداخت‌کننده بدهد بنابراین ملزم نیست که حتماً عین پولی را که گرفته است یا مثل آن مثلاً هزار تومانی دیگر مثل هزار تومانی که گرفته است پرداخت کند، بلکه باید معادل آن که می‌تواند پنج تا دویست تومانی هم باشد به پرداخت‌کننده بازگرداند.

❏ مثال ۷: در صورتی که مال موضوع ایفای ناروا در دست گیرنده‌ی مال ناآگاه به عدم استحقاق خود و با حسن نیت، تلف شود چه کسی مسئول است؟

(۱) در صورتی که تلف در اثر حوادث قهری و قوه‌ی قاهره باشد، پرداخت‌کننده به اشتباه مسئول است.

(۲) در صورتی که تلف در اثر تقصیر گیرنده‌ی مال باشد، گیرنده‌ی ناآگاه مسئول تلف است.

(۳) در هر صورت پرداخت‌کننده‌ی به اشتباه مسئول است و گیرنده‌ی ناآگاه و با حسن نیت مسئولیتی ندارد.

(۴) در هر صورت گیرنده‌ی مال غیر هر چند با حسن نیت باشد، مسئول تلف مال است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» مفاد قواعد حاکم بر ضمان قهری و ماده ۳۰۳ قانون مدنی نشان می‌دهد که ضمان گیرنده مال غیر، مطلق است و حتی در مواردی که حوادث قهری و دور از انتظار باعث تلف عین می‌شود وجود دارد و گیرنده همچنان در گرو ید نامشروعی است که بر مال غیر پیدا کرده است، حتی اگر در این راه ناآگاه باشد.



که مثال ۸: در صورتی که عین یا منافع مال موضوع «ایفای ناروا» به دیگری منتقل شود، یعنی گیرنده‌ی مال غیر آن را به دیگری انتقال دهد، کدام یک از موارد زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) مالک می‌تواند به متصرف جدید (خریدار و رجوع کند و مال خود را از او بگیرد.
 - (۲) مالک می‌تواند معامله‌ی فضولی را تنفیذ کند و عوض معامله را از گیرنده‌ی مال خود بگیرد.
 - (۳) اگر گیرنده با علم به غاصبانه بودن ید خود آن را بفروشد، مالک نمی‌تواند معامله‌ی فضولی را تنفیذ کند.
 - (۴) مالک می‌تواند عین مال خود را از گیرنده‌ی مال، درخواست کند.
- پاسخ:** گزینه «۳» در این فرض مالک می‌تواند یکی از دو راه را انتخاب کند: ۱- با استفاده از حق عینی خود به متصرف جدید رجوع کند و مال خود را از او بگیرد. ۲- با تنفیذ معامله‌ی فضولی که بر عین مال او انجام شده است، عوض معامله را بخواهد و فرقی نمی‌کند که فصول به غاصبانه بودن ید خود آگاه باشد یا نباشد، در هر صورت مالک می‌تواند معامله را تنفیذ یا فسخ کند.

که مثال ۹: کدام یک از شرایط زیر برای تحقق «اداره‌ی فضولی مال غیر»، ضروری نمی‌باشد؟

- (۱) دخالت فضولی در اموال دیگران و لزوم تنفیذ این دخالت توسط مالک (۲) دخالت به قصد احسان و حفظ منافع مالک باشد.
 - (۳) مالک ناتوان از اداره‌ی مال خود باشد.
 - (۴) دخالت برای جلوگیری از ضرر صاحب مال باشد.
- پاسخ:** گزینه «۱» شرایط تحقق اداره فضولی ۴ تا است که عبارتند از: ۱- دخالت فصول در اموال دیگران ۲- دخالت به قصد احسان و حفظ منافع مالک ۳- ناتوانی مالک از اداره ۴- ضرورت دخالت برای جلوگیری از ضرر صاحب مال که در زیر هر کدام به طور جداگانه بحث و بررسی می‌شوند.

که مثال ۱۰: کدام یک از موارد زیر مشمول قاعده‌ی «اداره‌ی فضولی مال غیر» نمی‌شود و در نتیجه اداره‌ی کننده‌ی فضولی نمی‌تواند هزینه‌های خرج کرده را از مالک مال دریافت کند؟

- (۱) هرگاه شوهری خانواده‌ی خود را بی‌سرپرست رها کند و اعلام کند که هیچ کس حق ندارد به آنان نفقه بدهد، ولی فردی به خانواده‌ی او نفقه بدهد.
 - (۲) شریکی برای حفظ مال مشاع آن را اداره یا تعمیر می‌کند.
 - (۳) مستأجری برای استفاده‌ی بهتر از مورد اجاره به تعمیراتی در عین مستأجره در غیاب مؤجر می‌پردازد.
 - (۴) وکیلی از حدود اختیارات خود خارج شود، در بخش مورد تجاوز به اداره‌ی اموال موکل خود بپردازد.
- پاسخ:** گزینه «۳» گفتیم که اگر مالک با دخالت دیگران در اموال خود مخالفت کند، در این صورت اداره‌ی فضولی مال غیر تحقق پیدا نمی‌کند، چون کار فضولی در این صورت به سود مالک نیست و قصد احسان در آن وجود ندارد ولی اگر مخالفت با دخالت دیگران مستلزم امری نامشروع باشد، مانع از تحقق نهاد اداره‌ی فضولی نیست، همچنان که در گزینه‌ی ۱ آمده است، در نتیجه‌ی اعلام این فرد مانع از رجوع کسی که نفقه را پرداخته است به او نیست. همچنین قصد خدمت به دیگران منافاتی با داشتن نفع شخص در اداره‌ی فضولی ندارد گزینه «۲» ولی اگر این نفع شخص بیشتر از نفع غیر و غیرخواهی و حسن نیت باشد و انگیزه‌ی خودخواهی و حفظ منافع شخصی به طور کامل بتواند اداره کامل را توجیه کند، دیگر اقدام او تابع قواعد اداره‌ی فضولی نیست. - مواردی که بر حسن نیت مدیر فضولی تأثیر می‌گذارند: ۱- اشتباه ۲- اکراه ۳- حجر
- اشتباه:** ممکن است اداره‌ی مال غیر در نتیجه‌ی اشتباه صورت گیرد، ولی تأثیر اشتباه در قصد شخص اداره‌کننده مال غیر، می‌تواند فروض مختلفی داشته باشد که احکام متفاوتی دارند.

که مثال ۱۱: اثر «اشتباه» در کدام یک از موارد زیر مانع از تحقق «اداره‌ی فضولی مال غیر» می‌شود؟

- (۱) اداره‌کننده‌ی مال غیر گمان می‌کند که وکیل مالک است در حالی که وکالت ندارد.
 - (۲) اداره‌کننده مال غیر گمان می‌کند که مال به A تعلق دارد در حالی که مال به B تعلق دارد.
 - (۳) دلیل اصلی و علت عمده‌ی اداره‌ی مال غیر توسط مدیر این است که مال به A تعلق دارد در حالیکه مال به B تعلق دارد.
 - (۴) اداره‌کننده مال غیر تصور می‌کند که مال متعلق به خودش است در حالی که مال متعلق به B است.
- پاسخ:** گزینه «۴» فروض مختلف اثر اشتباه در اداره مال غیر: ۱- اداره‌کننده تصور می‌کند که وکیل مالک است در حالی که از طرف وکالت ندارد ← این اشتباه تأثیری در اداره‌ی فضولی مال غیر ندارد زیرا قصد مدیر، اداره کردن مال برای مالک است و عناصر لازم برای تحقق اداره‌ی فضولی جمع است. ۲- اشتباه در هویت مالک: این اشتباه نیز تأثیری در تحقق نهاد حقوقی ندارد زیرا مدیر، در هر حال به اداره‌ی فضولی مال غیر اقدام کرده است. اداره‌ی فضولی در شمار اعمال حقوقی نیست تا اشتباه در شخص طرف حتی اگر علت عمده باشد در نفوذ آن تأثیر بگذارد، بلکه واقعاً حقوقی است به همین جهت لزومی ندارد که مدیر فضولی مالک را بشناسد یا نه. ولی در فرضی که مدیر گمان می‌کند که مال خود را اداره می‌کند در حالی که مال غیر را اداره می‌کند، این عمل اشتباه آمیز را نباید در شمار احکام تابع اداره‌ی فضولی شمرد چرا که قصد احسان در این عمل وجود ندارد.



مثال ۱۲: صغیر غیر ممیزی اقدام به اداری اموال صغیر ممیز دیگری برای جلوگیری از ضرر می‌کند. در این صورت اقدام او تابع کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) اداری فضولی مالی غیر (۲) ایفای ناروا (۳) غصب (۴) استیفا

پاسخ: گزینه «۴» گفتیم که یکی از شرایط تحقق اداری فضولی مال غیر، داشتن قصد احسان و حفظ منافع مالک است و در اداری فضولی هر چند که اهلیت شرط نیست ولی حداقل باید قوه‌ی تمیز و اراده در مدیر فضولی باشد تا بتوان گفت قصد احسان داشته است. بنابراین اگر صغیر غیر ممیز یا دیوانه ندانسته به اداری اموال دیگری دست زند، اقدام او تابع اداری فضولی نیست و تنها بر مبنای استیفا می‌توان به مالک رجوع کرد.

مثال ۱۳: در چه صورتی مدیر فضولی مال غیر می‌تواند مالک را ملزم به پرداخت هزینه‌ها و مخارج انجام شده بکند؟

- (۱) دخالت در دارایی دیگران به منظور جلب منفعت برای مالک باشد و امکان تحصیل اجازه هم نباشد.
(۲) دخالت در دارایی دیگران برای دفع ضرر مالک لازم باشد، ولی با وجود امکان تحصیل اجازه، اجازه تحصیل نکند.
(۳) دخالت در دارایی دیگران به منظور دفع ضرر مالک باشد.
(۴) دخالت در دارایی دیگران به منظور دفع ضرر مالک باشد و امکان تحصیل اجازه نباشد.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که گفتیم شرط چهارم برای اداری فضولی فروش اداری است، برای احراز ضرورت اداری ۲ شرط باید با همدیگر جمع شوند: ۱- عدم امکان تحصیل اجازه: حتی اگر اقدام مدیر برای دفع ضرر مالک باشد ولی او با وجود امکان تحصیل اجازه، آن را تحصیل نکند، حقی در گرفتن مخارج ندارد. ۲- دفع ضرر: دخالت در دارایی دیگران باید به منظور دفع ضرر باشد نه جلب منفعت. بنابراین کافی نیست که اقدام مدیر مفید به حال مالک باشد باید به موجب ماده ۳۰۶: «... عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد».

مثال ۱۴: کدام یک از موارد زیر مشمول اداری فضولی مال غیر نمی‌شود؟

- (۱) هزینه‌های مربوط به غذا و مسکن و ... مجروحان حادثه‌ای که صاحب مهمانسرای به سفارش پزشک آن‌ها را در مهمانسرا پذیرا شده است (در گرفتن هزینه‌ها از مجروحان)
(۲) شخصی که به قصد احسان بر اسب رمیده‌ای بجهد و دچار حادثه شود، در خسارت گرفتن از مالک آن است.
(۳) زنی برای نجات شوهر خود از اسارت بیگانگان اجیری استخدام نماید، در گرفتن اجرت آن از شوهر.
(۴) شخصی دین مدیونی را که آگاه بر حال شدن دین خود است برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از واخواست بپردازد.

پاسخ: گزینه «۴» گفتیم که یکی از شرایط تحقق اداری فضولی مال غیر، عدم امکان تحصیل اجازه است. بنابراین اگر مدیر بتواند از مالک یا نماینده‌ی او به موقع اذن بگیرد ولی این کار را نکند، حقی در گرفتن مخارج ندارد هر چند که اقدام او برای دفع ضرر لازم است. در مورد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ باید گفت که این موارد مربوط به اداری فضولی در امور غیر مالی می‌شود. مبنای حکم ماده ۳۰۶ قانون مدنی تقویت همبستگی اجتماعی و تشویق مردم به یاری کردن به همدیگر است و این که پاداش نیکی را باید به نیکی داد و این مبنا در امور غیر مالی نیز وجود دارد؛ چرا که اگر سود مالی رساندن، پاداش نیکی دارد، به طریق اولی سود غیر مالی رساندن و حفظ جان و آزادی و شرافت نیز باید مورد حمایت قرار گیرد.

مثال ۱۵: شخصی برای تعمیر بام خانه‌ی همسایه‌ی غایب خود با معماری قرارداد می‌بندد، دستمزد معمار بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) در صورتی که قرارداد به نام مدیر فضولی بسته شود، خودش مسئول است هر چند که به حساب همسایه‌ی خود منعقد کرده باشد.
(۲) در صورتی که قرارداد به حساب همسایه بسته شود، همسایه مسئول است هر چند که به نام مدیر فضولی منعقد شده باشد.
(۳) تنها در صورتی که قرارداد به نام مدیر فضولی و به حساب او بسته شود، مدیر فضولی مسئول است.
(۴) حتی در صورتی که قرارداد به نام و به حساب مدیر فضولی منعقد شده است، باز همسایه مسئول پرداخت دستمزد معمار است.

پاسخ: گزینه «۱» همان طور که در بالا توضیح داده شد، در صورتی که مدیر به نام خود با دیگران قرارداد می‌بندد خودش مسئول تعهدات ناشی از آن می‌باشد هر چند به حساب مالک باشد و رابطه‌ی او با همسایه‌ی غایب هر چه باشد در نفوذ پیمان با معمار اثر ندارد.

مثال ۱۶: برای ایجاد الزام مالک به پرداخت هزینه‌های مدیر فضولی چه شرایطی لازم است؟

- (۱) تمام هزینه‌هایی که مدیر فضولی خرج کرده، ولی در صورتی که اداری فضولی ضرورت داشته باشد.
(۲) تمام هزینه‌هایی که مدیر فضولی برای اداری مال غیر خرج کرده است.
(۳) هزینه‌های ضروری که مدیر فضولی خرج کرده، برای اداری مال غیر
(۴) هزینه‌های ضروری که مدیر فضولی خرج کرده، ولی در صورتی که اداری فضولی ضرورت داشته باشد.

پاسخ: گزینه «۴» برای ایجاد الزام مالک به پرداخت هزینه‌هایی که مدیر فضولی خرج کرده است دو شرط لازم است: ۱- باید معلوم شود که اداری فضولی ضرورت داشته است. ۲- صرف هزینه‌ها ضرورت داشته است. احتمال دارد اداری فضولی ضرورت داشته باشد، ولی مدیر فضولی هزینه‌های بی‌فایده و گزاف خرج کند، در این صورت فقط می‌تواند هزینه‌های ضروری را از مالک بخواهد.



آزمون فصل سوم

۱- در ارتباط با ایفای ناروا کدام گزینه غلط است؟

- (۱) ایفای ناروا، پرداخت مالی به دائن بر اثر اکراه است.
- (۲) ایفای ناروا یعنی این که شخصی که به دیگری مدیون نیست، اشتبهاً مالی به وی دهد.
- (۳) گیرنده مال در ایفای ناروا خواه عالم باشد و یا جاهل مانند غاصب است و ضمان به رد مال دارد.
- (۴) گیرنده جاهل می‌تواند هزینه‌های حفظ مال را از مالک بگیرد.

۲- در ارتباط با اداره مال غیر کدام مورد غلط است؟

- (۱) مدیر (اداره کننده) اگر اذن اداره داشته، می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۲) در صورت تأخیر در دخالت و اداره که موجب تضرر مالک می‌شده، مدیر می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۳) در صورتی که تأخیر در دخالت موجب تضرر مالک می‌شده و اخذ اذن نیز مقدور نبوده، مدیر می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۴) اداره مال غیر شامل امور غیرمالی نیز می‌شود.

۳- شبه عقد را تعریف کنید.

- (۱) توافقی میان طرفین است که فاقد اسم خاص در قانون است.
- (۲) ایجابی است که قبول به آن ملحق نشده است.
- (۳) عملی ارادی و مشروع است که بی‌آنکه اعلام و توافق و اراده در میان باشد، تعهد ایجاد می‌کند.
- (۴) همان قراردادهای خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی است.

۴- هرگاه کسی چمدان و وسایل خود را به یکی از متصدیان حمل بار در راه آهن بسپارد، در چه صورت باید اجرت بدهد؟

- (۱) در صورت مطالبه متصدی
- (۲) در صورتی که برای آن کار عرفاً اجرت بگیرند.
- (۳) چون متصدی حمل بار در راه آهن عرفاً در قبال حمل بار کرایه می‌گیرند، باید اجرت آن را بدهد.
- (۴) نباید اجرت بدهد.

۵- ماهیت حقوقی «استیفا» کدام است؟

- (۱) عقد
- (۲) شبه عقد
- (۳) ضمان قهری
- (۴) ایقاع

۶- شرط استفاده بلاجهت کدام است؟

- (۱) افزایش دارایی یکی
- (۲) فقدان سبب تملک
- (۳) اکل مال به باطل
- (۴) کاهش دارایی دیگری

۷- احد با اذن از اتومبیل حسین در ایامی که حسین در مسافرت به سر می‌برده است استفاده می‌کند، حال حسین مستحق اجرت:

- (۱) نیست
- (۲) هست، مگر این که اذنش در اشاع مجانی بوده باشد.
- (۳) در هر صورت هست.
- (۴) نیست، مگر این که مورد اذن اشاع با اجرت بوده باشد.

۸- الف از ب درخواست انجام کاری را می‌کند که عرفاً بلااجرت است، در چه صورتی ب می‌تواند مطالبه اجرت کند.

- (۱) در هیچ صورت ب نمی‌تواند مطالبه اجرت کنند.
- (۲) در صورتی که الف قصد تبرع نداشته باشد.
- (۳) در صورتی که الف قصد پرداخت اجرت داشته باشد.
- (۴) در صورتی که ب عادتاً مهربانی انجام آن کار بوده باشد.

۹- کدام یک از گزینه‌های ذیل از شرایط تحقق استیفا ناروا از عمل دیگری نیست؟

- (۱) امر به اقدام از ناحیه آمر
- (۲) انجام کار توسط مأمور
- (۳) اجرت داشتن کار در عرف
- (۴) عدم قصد تبرع آمر

۱۰- کدام یک از موارد ذیل مشمول استفاده بلاجهت است؟

- (۱) شخصی که در اثر اشتباه مدیون در شناخت دائن مالی را بگیرد.
- (۲) شخصی که از کار دیگری سود ببرد، بدون اذن و بدون پرداخت اجرت
- (۳) شخصی که از مال دیگری استفاده کند، بدون اذن و بدون پرداخت اجرت.
- (۴) همه موارد



پاسخنامه آزمون‌ها وقایع حقوقی

فصل اول: وقایع حقوق - مسئولیت مدنی و آثار مسئولیت مدنی

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل دوم: غصب

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۱»

فصل سوم: استیفاء، ایفاء ناروا و اداره فضولی

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»



عقود معین ۱

فصل اول

«بیع»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: تفاوت اساسی بیع با معاوضه در چیست؟

(۱) بیع مبادله کالا با کالا و معاوضه مبادله پول با کالا به لحاظ عرفی است.

(۲) بیع مبادله کالا با پول و معاوضه مبادله کالا با کالا به لحاظ عرفی است.

(۳) به لحاظ قانونی تفاوتی ندارد.

(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۴» از لحاظ قانونی بیع و معاوضه مطابق قانون مدنی چندان تفاوتی ندارند، اما عرف می‌گوید آن‌چه که با پول مبادله می‌شود، عقد بیع و آن‌چه که با کالا مبادله می‌شود معاوضه است.

❏ مثال ۲: بیع از منظر قانون مدنی عبارت است از:

(۱) انتفاع و اباحه‌ی انتفاع، عین به عوض معلوم

(۲) اباحه‌ی عین به عوض معلوم

(۳) تملیک عین به منفعت معلوم

(۴) تملیک عین به عوض معلوم

❏ پاسخ: گزینه «۴» ماده ۳۳۸ قانون مدنی تملیک عین به عوض معلوم را بیع می‌داند.

❏ مثال ۳: تفاوت اصلی اجاره با بیع چیست؟

(۱) اجاره مدت دارد، ولی بیع مدت ندارد.

(۲) در بیع به طرفین عقد بایع و مشتری می‌گوییم، اما در اجاره به طرفین عقد موجر و مستأجر می‌گوییم.

(۳) در بیع خریدار مالک عین می‌شود، اما در اجاره حق بهره‌برداری از عین را دارد.

(۴) در بیع خریدار مالک عین می‌شود، اما در اجاره مالکیت منفعت به مستأجر منتقل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بیع تملیک عین به عوض معلوم است، اما اجاره تملیک منفعت به عوض معلوم.

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) خیار غبن از احکام خاصی عقد بیع است و در معاوضه راه ندارد.

(۲) از آن‌جا که بیع و اجاره دو عقد معوض هستند، می‌توان گفت دارای مفهوم واحدی می‌باشند.

(۳) قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض در معاوضه نیز اجرا می‌شود.

(۴) هیچ‌کدام

❏ پاسخ: گزینه «۳» خیار غبن و قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض از مواردی هستند که در بیع و معاوضه مشترکاً وجود دارند.

❏ مثال ۵: الف مالی را به ب قرض داده است. قرض گیرنده ورشکسته شده ولی آن مال نزد او موجود است. در این حالت قرض‌دهنده می‌تواند عقد قرض را فسخ کند و مال را مسترد نماید.

(۱) قرض‌دهنده بر سایر غرما تقدم دارد و مال را پس می‌گیرد.

(۲) داخل در غرما می‌شود و به نسبت، دین خود را وصول می‌کند.

(۳) چون قرض عقد تملیکی است، قرض‌دهنده مشمول قاعده اقدام می‌شود و پس از تسویه حساب غرما می‌تواند سهم خود را بگیرد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» زیرا این مسئله مشمول خیار تفلیس که در ماده ۳۸۰ قانون مدنی آمده می‌شود و چون عقد قرض عقدی لازم است، قرض‌دهنده می‌تواند عقد را فسخ کند و مال را پس بگیرد.



که مثال ۶: تفاوت بیع با صلح عبارت است از:

- (۱) بیع عقدی مسامحه‌ای اما صلح عقدی مغایه‌ای است.
 (۲) بیع عقدی معوض، اما صلح عقدی غیرمعوض است.
 (۳) صلح در مقام بیع، آثار و شرایط بیع را به همراه ندارد.
 (۴) گزینه ۱ و ۲

پاسخ: گزینه «۳» بیع عقدی مغایه‌ای و صلح عقدی مسامحه‌ای است و هر دو عقدی معوض هستند اما صلح در مقام بیع آثار بیع ندارد. ☒

که مثال ۷: بیع عقدی است

- (۱) تملیکی - معوض - لازم
 (۲) عهدی - معوض - لازم
 (۳) تملیکی - غیرمعوض - لازم
 (۴) عهدی - معوض - جایز

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع عقدی تملیکی، معوض، لازم است. ☒

که مثال ۸: کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، مفهومی عام است و تملیک و دین را دربرمی‌گیرد.
 (۲) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، صرفاً در بردارنده‌ی مفهوم دین است.
 (۳) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، صرفاً به معنی تملیک است.
 (۴) هر سه گزینه صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» تعهدی که ماده ۱۸۳ از آن سخن می‌گوید، مفهومی عام داشته و دین و تملیک را توأمان در دل خود جای می‌دهد. ☒

که مثال ۹: شرط خلاف مقتضای عقد و موافق عقدی دیگر:

- (۱) کلاً باطل و مبطل هر دو عقد است بنا به حاکمیت اراده
 (۲) کلاً صحیح است نسبت به هر دو عقد بنا به حاکمیت اراده
 (۳) نسبت به مورد خلاف باطل و مبطل و نسبت به مورد موافق صحیح است بنا به حاکمیت اراده
 (۴) نسبت به مورد خلاف صرفاً باطل و نسبت به مورد موافق صحیح است بنا به حاکمیت اراده

پاسخ: گزینه «۳» اگرچه شرط خلاف مقتضای ذات عقد هم باطل و هم مبطل آن عقد است، اما اگر موافق عقدی دیگر باشد، نسبت به عقد موافق صحیح است. ☒

که مثال ۱۰: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کلیه‌ی عقود به تراضی بین طرفین قابل اقاله است.
 (۲) منفعت و حق قابل نقل و انتقال نمی‌تواند مبیع واقع شود، ولی می‌تواند ثمن قرار بگیرد.
 (۳) در صورتی که مال مغضوب تلف شود غاصب باید بدل آن را به مالک بدهد، بدل مال تلف شده را اصطلاحاً بدل حیلوله می‌گویند.
 (۴) مدیون شدن مضمون‌له به مضمون‌عنه بعد از ضمان موجب برائت ذمه‌ی ضامن است.

پاسخ: گزینه «۲» گفته شد یکی از خصوصیات مبیع آن است که باید عین باشد، فرقی نمی‌کند معین باشد یا کلی. اما حق و منفعت عین محسوب نمی‌شود تا مبیع قرار بگیرند. همچنین حق و منفعت تابع عین هستند اما ثمن می‌تواند هر مالی باشد و می‌تواند حق و منفعت هم باشد. ☒

که مثال ۱۱: برای صحت عقد بیع

- (۱) مبیع باید عین معین باشد.
 (۲) مبیع باید عین باشد.
 (۳) ثمن باید کلی باشد.
 (۴) مبیع و ثمن هر دو باید عین باشند.

پاسخ: گزینه «۲» مبیع می‌تواند عین معین، کلی در معین یا کلی فی الذمه باشد. ☒

که مثال ۱۲: کدام گزینه کامل‌تر است: خیار مجلس در راه دارد.

- (۱) همه عقود معین
 (۲) بیع
 (۳) همه عقود معاوضی
 (۴) صلح و بیع

پاسخ: گزینه «۲» خیار مجلس مختص عقد بیع است. ☒

❏ مثال ۱۳: خیار حیوان براساس قانون مدنی چند روز است؟ مبدأ آن چه زمانی است؟ صاحب آن چه کسی است؟

- (۱) سه روز - از حین عقد - مشتری
(۲) فوری - از حین عقد - مشتری
(۳) فوری - از حین قبض حیوان - هر دو
(۴) سه روز - از حین قبض حیوان - بایع

❏ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۹۸ قانونی مدنی مشتری تا سه روز از حین عقد خیار فسخ دارد، اما به عقیده دکتر کاتوزیان خیار حیوان می‌تواند برای بایع هم باشد.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد خیار مجلس صحیح است:

- (۱) اسقاط خیار مجلس جایز نیست.
(۲) در عقود مکاتبه‌ای نیز خیار مجلس وجود دارد.
(۳) در معامله‌ای با خود نیز خیار مجلس وجود دارد.
(۴) اگر یکی از طرفین در مجلس عقد بمیرد و وراث او در مجلس عقد حاضر نباشند، خیار مجلس ساقط است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» اسقاط خیار مجلس مانعی ندارد، در عقد مکاتبه‌ای و در معامله‌ای با خود، خیار مجلس وجود ندارد.

❏ مثال ۱۵: معاطات چیست؟ چه نوع عقدی است؟

- (۱) نوعی هبه است - عقد لازم است.
(۲) معامله‌ای با دادوستد است - عقد لازم است.
(۳) معامله‌ای با قبض و اقباض است - مفید اباحه است.
(۴) معامله‌ای با دادوستد است - عقد جایز است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» معاطات به معامله‌ای می‌گویند که با داد و ستد انجام می‌گیرد و عقدی لازم است.

❏ مثال ۱۶: شخص ورشکسته:

- (۱) می‌تواند در مال خود مداخله نماید، چون ورشکستگی از موارد حجر قانون مدنی نیست.
(۲) نمی‌تواند با مال خود معامله نماید، چون اختیار (اهلیت تصرف) ندارد.
(۳) نسبت به مال خود نمی‌تواند اما نسبت به مال دیگران می‌تواند معامله نماید.
(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۴» ورشکسته به دلیل این که اهلیت تصرف خود را از دست می‌دهد صرفاً نسبت به مال خود اجازه مداخله را ندارد، اما در مال دیگری به عنوان وکیل و یا ... می‌تواند دخالت نماید.

❏ مثال ۱۷: ماهیت حقوقی قولنامه که متضمن تعهد به بیع باشد طبق نظر حقوقدانان چیست؟

- (۱) بیع‌نامه محسوب شده و مفید تملیک است.
(۲) شرطی ابتدایی و باطل است.
(۳) یک عقد عهده‌ای لازم است.
(۴) یک عقد جایز است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در اثر قولنامه انتقال مالکیت صورت نمی‌گیرد و قولنامه در زمره عقود عهده‌ای است و طبق قاعده عمومی در عقود (اصالة اللزوم) این عقد لازم است.

❏ مثال ۱۸: اوصاف مبیع عبارتند از:

- (۱) عین معین بودن، مالیت داشتن، منفعت عقلایی، قدرت بر تسلیم، عدم منع قانونی
(۲) مالیت داشتن، عین معین بودن، منفعت عقلایی، عدم منع قانونی
(۳) منفعت عقلایی، عین معین بودن، عدم منع قانونی، قدرت بر تسلیم
(۴) عین معین بودن، مالیت داشتن، منفعت عقلایی، قدرت بر تسلیم مطلق، عدم منع قانونی

❏ پاسخ: گزینه «۱» اوصاف مبیع عبارتند از: عین معین بودن، داشتن مالیت و منفعت عقلایی، عدم منع قانونی در تصرف آن و قدرت بر تسلیم داشتن.



❏ مثال ۱۹: فقدان قدرت بر تسلیم ثمن معین، موجب کدام یک از حقوق زیر برای بایع است؟

- (۱) استفاده از حق حبس (۲) تقاضای اعلام بطلان بیع (۳) استفاده از اختیار تأخیر ثمن (۴) استفاده از اختیار فسخ
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا مشتری از ابتدا قدرت بر تسلیم مبیع نداشته است.

❏ مثال ۲۰: قدرت بر تسلیم در بیع فضولی در زمان شرط است.

- (۱) اطلاع مالک از معامله (۲) انعقاد عقد برای مالک (۳) انعقاد عقد برای عاقد (۴) اجازه مالک
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» زیرا در عقود غیرنافذ قدرت بر تسلیم به هنگام اجازه معتبر است نه هنگام انعقاد عقد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد بنابر نظریه کشف حکمی، تاریخ عقد (در مورد عین) روز اجازه است نه روز انعقاد عقد (و فقط تاریخ انعقاد عقد، استحقاق منافع را معین می‌کند).

❏ مثال ۲۱: منظور از قدرت بر تسلیم، قدرت است.

- (۱) مطلق است؛ یعنی صرفاً باید مبیع را تحویل دهد.
(۲) نسبی است؛ یعنی اگر خریدار نیز بتواند مورد معامله را به تصرف خویش در آورد صحیح است.
(۳) مطلق است؛ یعنی هم خریدار و هم فروشنده هر یک می‌توانند نسبت به تسلیم مبیع اقدام کنند.
(۴) هیچ‌کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر بایع قدرت بر تسلیم نداشته اما خریدار یا حتی شخص ثالث بتواند مبیع را در اختیار خریدار بگذارد، صحیح است و از این رو قدرت بر تسلیم نسبی است.

❏ مثال ۲۲: در صورتی که مبیع کلی باشد، بیع وقتی صحیح است که:

- (۱) مقدار، جنس و وصف مبیع معلوم باشد.
(۲) مقدار و اوصاف مبیع ذکر شود.
(۳) فقط مقدار و جنس مبیع معین باشد.
(۴) مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که مبیع کلی باشد بیع وقتی که مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر گردد صحیح است.

❏ مثال ۲۳: شخصی $\frac{1}{3}$ یک صندوق میوه را خریده است و قبل از این که بایع آن را تحویل دهد، $\frac{2}{3}$ آن صندوق تلف می‌شود و $\frac{1}{3}$ باقی می‌ماند. این باقیمانده به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) به فروشنده
(۲) $\frac{1}{3}$ از آن به خریدار و $\frac{2}{3}$ از آن به فروشنده
(۳) بین طرفین به تساوی تقسیم می‌شود.
(۴) به خریدار
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا در این مثال بیع به صورت مشاع است نه کلی در معین.

❏ مثال ۲۴: هرگاه مبیع به عنوان جنس خاص فروخته شود و بعضی از آن، از جنس دیگری باشد، آیا قرارداد الزام‌آور است؟

- (۱) بیع به دلیل ناهمگونی بعضی از آن با جنس معهود، باطل است.
(۲) بیع در هر دو بخش غیرنافذ است.
(۳) بیع نسبت به بعضی که از جنس دیگر است باطل و نسبت به بعضی که از همان جنس است صحیح و الزام‌آور است خواهد داشت.
(۴) بیع نسبت به آن بعض که از جنس دیگر است باطل و نسبت به بعضی که از همان جنس است صحیح و الزام‌آور است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگر بعض از مبیع از غیر جنس شرط شده در عقد باشد، عقد بیع نسبت به آن بعض باطل است و مشتری می‌تواند عقد را نسبت به قسمتی صحیح است به استناد اختیار تبعض صفقه فسخ کند.

❏ مثال ۲۵: هرگاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد، بیع است.

- (۱) باطل (۲) قابل فسخ (۳) غیرنافذ (۴) نافذ
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق با ماده ۳۵۳ قانون مدنی: «هرگاه در جنس مورد معامله اشتباهی رخ دهد، عقد باطل است.»

که مثال ۲۶: زمینی به شرط داشتن مساحت خاص فروخته شده است و هنگام تسلیم معلوم گردیده که کمتر از آن مقدار است، خریدار چه می‌تواند بکند؟

(۱) می‌تواند نسبت به مقدار کم آمده، از ثمن کسر بگذارد. (۲) می‌تواند بهای مقدار کمبود را به نرخ روز از فروشنده بگیرد.

(۳) می‌تواند معامله را فسخ کند، چون چنین معامله‌ای قابل فسخ است. (۴) می‌تواند معامله را رد کند، چون چنین معامله‌ای غیرنافذ است.

✓ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۳۵ قانون مدنی: «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است، شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت.» و ماده ۳۵۵ قانون مدنی و ماده ۳۸۵ قانون مدنی: «اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر درآید، در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت.» در اشیای تجزیه‌ناپذیر مثل: زمین، خانه و فرش، هرگاه مبیع کمتر از مقدار شرط شده درآید، مشتری حق فسخ معامله را دارد و اگر زیاده‌تر از مقدار شرط شده درآید، بایع می‌تواند معامله را فسخ کند، در هر مورد خیار طرفین نیز خیار تخلف از وصف می‌باشد که خیار تخلف از شرط صفت نیز گفته می‌شود.

که مثال ۲۷: در ماده ۳۸۴ (قانون مدنی) مقرر شده هر گاه در حال معامله، مبیع از حیث مقدار معین بود اما در موقع تسلیم کمتر از آن مقدار درآید،

مشتری حق دارد بیع را فسخ کند در این جا خیار مشتری برای فسخ از کدام یک از خيارات مصرحه‌ی قانونی است؟

(۱) خیار شرط (۲) خیار تبعض صفقه (۳) خیار تخلف از وصف (۴) خیار عیب

✓ پاسخ: گزینه «۲» اگر بیع به جهتی از جهات باطل باشد مشتری حق دارد به استناد خیار تبعض صفقه آن قسمت از بیع که را صحیحاً واقع شده را فسخ کند و پس عقد بیع نسبت به قسمتی که موجود نبوده، باطل است. در نتیجه مشتری نسبت به قسمتی که بیع صحیحاً واقع نشده نیز خیار تبعض صفقه دارد. پس معامله را با توجه به قسمت صحیح واقع شده قبول کند و با گرفتن مبلغ حصه‌ای که معامله نسبت به آن باطل است، یا نسبت به تمام بیع معامله را فسخ کند.

که مثال ۲۸: هنگامی که شرط مقدار به عنوان وصف مبیع است، اضافه یا کسری مقدار که موجب خیار فسخ می‌گردد از نوع:

(۱) خیار غبن (۲) خیار تبعض صفقه (۳) خیار تخلف از شرط صفت (۴) خیار عیب

✓ پاسخ: گزینه «۳» خیار فسخی که مطابق ماده ۳۵۵ برای این موضوع به وجود می‌آید، خیار تخلف از شرط صفت می‌باشد.

که مثال ۲۹: در بیعی که از روی نمونه به عمل می‌آید و در صورت عدم مطابقت نمونه با مبیع:

(۱) بیع باطل است. (۲) قابل فسخ است. (۳) منفسخ است. (۴) قابل ابطال است.

✓ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۵۴ قانون مدنی، خیار فسخ به وجود می‌آید.

که مثال ۳۰: کدام مورد جزء یا تابع مبیع شمرده نمی‌شود و نیاز به تصریح در ضمن عقد دارد؟

(۱) در بیع درخت: میوه (۲) در بیع حیوان: حمل (۳) در بیع باغ: اشجار (۴) گزینه‌های ۱ و ۲

✓ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۳۵۸ (قانون مدنی): «در بیع باغ اشجار و در بیع خانه ممر و مجرا متعلق به مشتری می‌شود. و برعکس، زراعت در بیع زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان، متعلق به مشتری نمی‌شود، مگر این که تصریح شده باشد و یا بر حسب عرف از توابع مبیع شمرده شود.»

که مثال ۳۱: در صورتی که بایع به صورت موقتی از تسلیم مبیع ناتوان و مشتری نیز قادر بر تسلیم نباشد؟

(۱) بیع مطلقاً صحیح است. (۲) بیع مطلقاً باطل است.

(۳) بیع صحیح است با حفظ خیار فسخ برای مشتری (۴) بیع قابل فسخ است.

✓ پاسخ: گزینه «۳» در این حالت بیع صحیح است اما مشتری خیار فسخ دارد.



❏ مثال ۳۲: در بیع عین معین، مبیع چه زمانی به ملکیت مشتری در می‌آید؟

- (۱) با ایجاب و قبول و پرداخت ثمن
(۲) با ایجاب و قبول و قبض مبیع
(۳) به مجرد عقد بیع
(۴) با ایجاب و قبول و انقضای مدت خيار فسخ
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» با نظر به بند ۱ ماده ۳۶۲ قانون مدنی، «به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود».

❏ مثال ۳۳: در بیع خياری انتقال مالکیت از چه زمانی است؟

- (۱) از تاریخ انقضای خيار
(۲) از تاریخ حصول قبض
(۳) از تاریخ وقوع بیع
(۴) از تاریخ تادیهی ثمن
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در بیع خياری مطابق ماده ۳۶۴ و ۴۵۹ قانون مدنی، به محض وقوع عقد، انتقال مالکیت صورت می‌گیرد.

❏ مثال ۳۴: تحقق شرط تأخیر در تملیک و تحقق شرط تعلیق در تملیک به ترتیب:

- (۱) امری است محتمل، امری است حتمی
(۲) امری است حتمی، امری است محتمل
(۳) امری است حتمی، امری است حتمی
(۴) امری است محتمل، امری است محتمل
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» شرط تأخیری شرطی است حتمی، اما در شرایط تعلیقی وقوع مشروط به، محتمل است.

❏ مثال ۳۵: اگر در بیع صرف، شرط خيار شود، ملکیت از چه زمانی به خریدار منتقل می‌شود؟

- (۱) از تاریخ فسخ
(۲) از تاریخ انقضای خيار
(۳) از تاریخ قبض مبیع و ثمن
(۴) از تاریخ وقوع عقد و گرفتن ایجاب و قبول
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» ماده ۳۶۴ بیع صرف عقدی عینی است و قبض و اقباض در آن شرط است و از تاریخ قبض مبیع و ثمن، مالکیت به خریدار منتقل می‌شود و تفاوتی نمی‌کند که در عقد خياری موجود باشد یا نباشد.

❏ مثال ۳۶: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) قبض اثری در صحت و لزوم بیع صرف ندارد.
(۲) قبض در بیع صرف شرط لزوم است.
(۳) قبض شرط صحت بیع صرف است.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۳»

❏ مثال ۳۷: اگر بعد از تسلیم مبیع به خریدار و تلف آن در نزد او، معلوم شد که بیع باطل بوده است چه حکمی دارد؟

- (۱) خریدار مسئول رد بدل آن به فروشنده نیست.
(۲) خریدار مسئول رد بدل آن به فروشنده است.
(۳) خریدار مسئول است به رد بدل در صورتی که تعدی یا تفریط کرده باشد.
(۴) خریدار در صورتی که مسئول است به رد و بدل که آن را تلف کرده باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۶۵ قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد، بنابراین اگر مال مقبوض به عقد فاسد تلف شود، متصرف در هر حال مسئول رد بدل آن به مالک است نه به صرف تعدی و تفریط.

❏ مثال ۳۸: تسلیم مبیع وقتی محقق می‌گردد که

- (۱) مشتری مبیع را کاملاً تصرف کند.
(۲) مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد، هر چند عملاً در آن تصرفی نکند.
(۳) مشتری از مبیع کاملاً استفاده کند.
(۴) مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد و عملاً از آن استفاده کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» تسلیم: یعنی مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد، اما لازم نیست که عملاً در آن تصرفی کند. ماده ۳۶۷ قانون مدنی: «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاي مشتری بر مبیع» و ماده ۳۶۸ قانون مدنی: «تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شود، اگرچه مشتری هنوز عملاً آن را تصرف نکرده باشد».

❏ مثال ۳۹: در بیع کلی فی الذمه و کلی در معین قبل از تعیین مصداق، حق مشتری بر مبیع است.

- (۱) عینی (۲) دینی (۳) تقدم (۴) مختلط
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» قبل از تعیین مصداق، مشتری مالک نمی‌گردد و لذا حق او دینی می‌باشد.

❏ مثال ۴۰: اذن بایع در قبض مبیع عین معین و کلی فی الذمه به ترتیب:

- (۱) لازم است - لازم نیست (۲) لازم نیست - لازم است (۳) لازم است - لازم است (۴) لازم نیست - لازم نیست
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» از آنجا که نسبت به مبیع عین مشتری حق عینی ندارد، اذن بایع لازم نیست، اما در مبیع کلی فی الذمه که حق مشتری، حقی دینی است اذن بایع لازم است.

❏ مثال ۴۱: منافع مبیع:

- (۱) مطلقاً از آن خریدار است. (۲) مطلقاً از آن فروشنده است.
- (۳) مال خریدار است، مگر در صورت شرط خلاف (۴) مال فروشنده است، مگر در صورت شرط خلاف
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق اصل تبعیت منافع از ملک، منافع مال خریدار است چون دیگر او مالک ملک می‌گردد، اما چون این اصل قاعده‌ای امری نیست، می‌توان برخلاف آن توافق نمود.

❏ مثال ۴۲: مطابق قانون مدنی، بیع کالی به کالی:

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) قابل فسخ است. (۴) قابل ابطال است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» اگرچه در فقه این بیع باطل است، اما قانون مدنی دلیلی برای بطلان آن نیاورده است.

❏ مثال ۴۳: در صورت فرارسیدن موعد تسلیم و مطالبه خریدار، اگر فروشنده مبیع را تسلیم نکند:

- (۱) ضامن منافع مستوفات و غیرمستوفات است. (۲) صرفاً ضامن منافع مستوفات است.
- (۳) صرفاً ضامن منافع غیرمستوفات است. (۴) ضامن نیست.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» در صورت مطالبه و عدم تحویل از ناحیه بایع، از آن به بعد، بایع غاصب محسوب می‌شود و ضامن منافع به صورت کلی اعم از مستوفات و غیرمستوفات می‌گردد.

❏ مثال ۴۴: اجرای قرارداد بر اثر اشتباه و یا اکراه به ترتیب:

- (۱) مانع سقوط حق حبس است، مانع سقوط حق حبس نیست. (۲) مانع سقوط حق حبس است، مانع سقوط حق حبس نیست.
- (۳) مانع سقوط حق حبس نیست، مانع سقوط حق حبس است. (۴) مانع سقوط حق حبس نیست، مانع سقوط حق حبس نیست.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اشتباه و اکراه هر دو از مواردی است که مانع سقوط حق حبس است به این معنا که حق حبس باقی می‌ماند.

❏ مثال ۴۵: در مورد مکان تسلیم کدام گزینه به ترتیب صحیح است؟

- (۱) مکان قراردادی، مکان پیش‌بینی شده در قانون، مکان پیش‌بینی شده در عرف
- (۲) مکان قانونی، مکان قراردادی، مکان عرفی
- (۳) مکان عرفی، مکان قراردادی، مکان قانونی
- (۴) مکان قراردادی، مکان عرفی، مکان قانونی
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اصل و ترتیب رعایت مکان اجرای تعهد عبارت است از: قرارداد ← عرف ← قانون (تکمیلی) اما اگر قانون امری باشد، قرارداد بعد از قانون می‌باشد.

❏ مثال ۴۶: تلف مبیع قبل از قبض با تقصیر بایع، موجب است.

- (۱) ضمان عقدی (۲) ضمان معاوضی (۳) ضمان قهری (۴) هیچ‌کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض مخصوص حالتی است که تلف به فعل بایع نباشد، در غیر این صورت اگر بایع آن را تلف نماید، مسئولیت قهری دارد.



❏ مثال ۴۷: تلف مبیع بعد از تسلیم و در زمان اختیار مختص مشتری بر عهده‌ی:

- (۱) بایع (۲) مشتری (۳) بایع و مشتری به تناصف (۴) بایع و مشتری به تضامن
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» در این حالت چون اختیار به نفع مشتری است، باز هم تلف بر عهده بایع است.

❏ مثال ۴۸: تلف مبیع پیش از قبض که ضمان معاوضی را بر عهده بایع قرار می‌دهد، در چه صورتی از تلف قابل اجرا است؟

- (۱) در صورت اتلاف به وسیله‌ی بایع (۲) در صورت اتلاف توسط مشتری (۳) در صورت تلف با اهمال و تقصیر بایع (۴) در صورت تلف به حادثه‌ی خارجی و بدون تقصیر بایع
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اگر مبیع قبل از تسلیم در اثر تقصیر بایع تلف شود، بیع منفسخ نمی‌شود، اما مشتری می‌تواند به استناد اختیار تعذر تسلیم عقد را فسخ کند و یا از بایع مثل یا قیمت مبیع را مطالبه کند.

❏ مثال ۴۹: هرگاه بعد از انعقاد بیع و قبل از تسلیم مبیع، مشتری سبب تلف مبیع شود، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بیع صحیح است و مثل یا قیمت به مشتری تسلیم می‌شود. (۲) بیع منفسخ است و ثمن به مشتری عودت داده می‌شود. (۳) بیع باطل است و ثمن به مشتری برمی‌گردد. (۴) بیع صحیح است و مشتری باید ثمن را پرداخت کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» بر اساس مفهوم ماده‌ی ۳۸۹ قانون مدنی، اگر مشتری قبل از تسلیم مبیع آن را تلف کند، حقی بر بایع ندارد و باید ثمن را به او بپردازد.

❏ مثال ۵۰: کدام یک از موارد زیر شرط تحقق اختیار تأخیر ثمن است؟

- (۱) پرداخت نشدن هیچ قسمت از ثمن ظرف سه روز (۲) عین معین نبودن ثمن (۳) عین معین بودن مبیع (۴) پرداخت نشدن هیچ قسمت از مبیع ظرف سه روز
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۰۲ قانون مدنی، برای تحقق اختیار تأخیر ثمن، چهار شرط لازم است که یکی از آن شروط، آن است که مبیع باید عین معین یا کلی در معین باشد و اختیار تأخیر ثمن در بیع کلی راه ندارد.

❏ مثال ۵۱: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، ضرورتی ندارد که ادای ثمن صرفاً با پول باشد. (۲) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری برای ثمن ضامن (نقل ذمه) بدهد، در حکم پرداخت است. (۳) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری برای ثمن، ضامن (تضامنی) بدهد، در حکم پرداخت است. (۴) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری ثمن را حواله دهد، در حکم پرداخت است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگرچه در سقوط اختیار تأخیر ثمن نیازی نیست که صرفاً دارای ثمن با پول باشد، اما در ضمانت تضامنی چون هنوز ذمه مشتری مشغول است، در حکم پرداخت نیست.

❏ مثال ۵۲: کدام گزینه از شرایط اختیار تفلیس نیست؟

- (۱) ثمن کلی باشد. (۲) مشتری مُفلس شود. (۳) مبیع موجود باشد. (۴) هر سه گزینه از شرایط اجرای اختیار است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» برای تحقق اختیار، مشتری باید مفلس شود نه مُفلس، همچنین مبیع موجود و ثمن کلی باشد.

❏ مثال ۵۳: تفاوت مُفلس با مُفلس در چیست؟

- (۱) هر دو به یک معناست. (۲) مُفلس به حکم دادگاه فاقد اختیار است، اما مُفلس به معنی فقیر است. (۳) مُفلس به حکم دادگاه فاقد اختیار است، اما مُفلس به معنی فقیر است. (۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مُفلس همان شخص ندار است، اما مُفلس کسی است که دادگاه او را ورشکسته اعلام و از تصرف در اموال ممنوع نموده است.

❏ مثال ۵۴: برای تحقق ضمان درک:

- (۱) مبیع باید صرفاً عین معین باشد.
 (۲) مبیع باید صرفاً کلی فی الذمه باشد.
 (۳) مبیع می‌تواند عین معین یا کلی فی الذمه باشد.
 (۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» برای تحقق ضمان درک، مبیع صرفاً عین معین باشد.

❏ مثال ۵۵: کدام عبارت ضمان درک را به خوبی روشن می‌کند؟

- (۱) ضمان درک یعنی مسئولیت هر یک از طرفین بیع نسبت به ثالث در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع.
 (۲) ضمان درک یعنی ضمانت بایع از مشتری ثمن متعلق به غیر
 (۳) ضمان درک مسئولیت بایع یا مشتری نسبت به استرداد ثمن یا مبیع در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع یا ثمن
 (۴) ضمان درک یعنی تعهد مشتری در مقابل بایع نسبت به مبیع متعلق به غیر
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در ضمان درک بایع یا مشتری در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع یا ثمن، مسئولیت دارد.

❏ مثال ۵۶: الف دو قالی را به ابعاد ۱۲ متر شبیه یکدیگر به ب می‌فروشد. ثمن معامله ۵ میلیون تومان است. سپس معلوم می‌شود که یکی از فرش‌ها متعلق به ج است و ج به این معامله راضی نیست. در این صورت الف باید چه مبلغی به ب بپردازد؟ (قیمت بازار فرش‌ها در روز معامله ۶ میلیون تومان است و قیمت یکی از آن‌ها ۲ میلیون تومان)

- (۱) ۱/۶۶ (۲) ۳/۳۴ (۳) ۲/۵۲ (۴) ۵/۵

❑ پاسخ: گزینه «۲» فرمول کلی عبارت است:

$$\frac{\text{قیمت تک در بازار}}{\text{ثمن در بازار}} = \frac{\text{قیمت تک در عقد}}{\text{ثمن در عقد}} \Rightarrow \frac{2}{6} = \frac{x}{5} \Rightarrow x = \frac{2 \times 5}{6} = \frac{10}{6} = \frac{5}{3} = 1/666 \quad 5 - 1/666 = 3/34$$

❏ مثال ۵۷: در معامله‌ای شرط شده است که بایع، ضامن درک مبیع نباشد، حکم این معامله در صورت چنین شرطی چیست؟

- (۱) به دلیل آن که شرط مذکور خلاف مقتضای ذات بیع است، شرط باطل است و عقد را باطل می‌کند.
 (۲) چون مال موضوع معامله، ملک بایع نبوده، عقد باطل و به طور طبیعی وقتی عقد باطل باشد، شرط ضمن آن هم خود خود باطل می‌شود.
 (۳) شرط و عقد هر دو صحیح است، زیرا نه با مقتضای عقد بیع منافات دارد نه شرط خلاف قانون است.
 (۴) شرط باطل است، چون خلاف قانون است ولی عقد صحیح است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» قواعد ضمان درک امری نیست و طرفین می‌توانند بر خلاف آن تراضی کرده و مسئولیت ناشی از آن را حذف کنند یا تشدید و یا تخفیف نمایند.

❏ مثال ۵۸: شرط سقوط ضمان درک:

- (۱) مطلقاً صحیح است.
 (۲) مطلقاً باطل است.
 (۳) صحیح است مگر در مورد علم فروشنده
 (۴) صحیح است به حکم عرف
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اصولاً می‌توان ضمان ناشی از درک مبیع را ساقط نمود، مگر این که فروشنده، علم به مستحق للغير بودن آن داشته باشد.

❏ مثال ۵۹: عیب زمانی پنهانی محسوب می‌شود که:

- (۱) صرفاً عیب واقعاً در مبیع مستور باشد.
 (۲) عیب واقعاً مستور باشد یا خریدار ملتفت نباشد.
 (۳) عیب واقعاً مستور باشد و خریدار ملتفت نباشد.
 (۴) عیب ظاهری باشد اما خریدار ملتفت نباشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» منظور از عیب پنهانی این است که یا عیب واقعاً پنهان باشد یا مشتری به عیب ملتفت نبوده و متوجه آن نباشد.



❏ مثال ۶۰: بر طبق قانون مدنی عیب مبیع بر پایه چه معیاری تمیز داده می‌شود؟

- (۱) معیار تمیز عیب، نقص وصفی است که باعث کسر قیمت شود.
 - (۲) تشخیص عیب برحسب عرف و عادت می‌شود و ممکن است برحسب زمان مختلف شود.
 - (۳) معیار تمیز عیب، زیادی یا نقص از اصل خلقت است.
 - (۴) معیار تمیز عیب، انتظار خریدار از نوع کالای فروخته شده است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۲۶، قانون مدنی، تشخیص عیب برحسب عرف و عادت و ازمه و امکان متفاوت است.

❏ مثال ۶۱: در چه حالتی مشتری می‌تواند هم عقد را فسخ نماید و هم ارش بگیرد؟

- (۱) تلف شدن مبیع نزد مشتری
 - (۲) انتقال ارادی مبیع توسط مشتری
 - (۳) عیب جدید بعد از قبض و در نتیجه عیب سابق
 - (۴) هر سه گزینه
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲۹ قانون مدنی اگر مشتری مبیع را انتقال دهد یا تلف شود به وسیله مشتری و بعد مشخص گردد که مبیع معیوب بوده، حق فسخ از بین می‌رود.

❏ مثال ۶۲: در کدام گزینه در صورت معیوب بودن مبیع پیش از عقد و تسلیم آن به خریدار، خریدار حق فسخ ندارد؟

- (۱) زوال عیب
 - (۲) حدوث عیب جدید در زمان خیار حیوان
 - (۳) فروش مبیع به وسیله خریدار
 - (۴) حدوث عیب جدید در نتیجه عیب سابق
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲۹ قانون مدنی، انتقال مال، حق فسخ را ساقط می‌نماید.

❏ مثال ۶۳: اگر موضوع تعهد عین کلی باشد و فردی که متعهد داده است معیوب درآید:

- (۱) متعهدله فقط می‌تواند مطالبه ارش کند.
 - (۲) متعهدله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد بخواهد.
 - (۳) متعهدله بین فسخ معامله و مطالبه ارش مخیر است.
 - (۴) متعهدله می‌تواند معامله را به لحاظ خیار عیب فسخ کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر عین کلی باشد، برخلاف عین معین می‌توان الزام متعهد را به فرد دیگر از موضوع تعهد خواست.

❏ مثال ۶۴: کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) خیار رؤیت بعد از رؤیت فوری است.
 - (۲) خیار تدلیس بعد از علم به آن فوری است.
 - (۳) خیار تأخیر ثمن مختص بایع است.
 - (۴) در بیع کلی خیار رؤیت است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار رؤیت در بیع کلی راه ندارد و ماده‌ی ۴۱۴ قانون مدنی آن را رد می‌کند.

❏ مثال ۶۵: کدام گزینه در مورد خیار غبن صحیح نیست؟

- (۱) صلح در مقام رفع تنازع، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن نیست.
 - (۲) خیار غبن در مال کلی هم قابل اعمال است.
 - (۳) خیار غبن فوری است.
 - (۴) رغبت خریدار به انجام معامله، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» از آن‌جا که صلح عقدی مسامحه‌ای است لذا صلح در مقام رفع تنازع، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن است. گزینه‌های دیگر نیز از مواردی هستند که مطابق قانون و اصول حقوقی صحیح می‌باشند.

❏ مثال ۶۶: خیار غبن مخصوص معاملات است.

- (۱) معوض و مسامحه‌ای
 - (۲) غیر معوض و مغایبه‌ای
 - (۳) غیر معوض و مسامحه‌ای
 - (۴) معوض و مغایبه‌ای
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» از آن‌جا که خیار غبن در عقود است که در آن احتمال سود و ضرر رود، لذا مخصوص عقود مغایبه‌ای و معوض است.



❏ مثال ۶۷: خیار غبن در همه عقود می‌تواند موجود باشد

- (۱) مگر در عقود مسامحه‌ای
(۲) مگر در عقود مغاینه‌ای
(۳) به جز وقف و نکاح در همه عقود جاری است.
(۴) فقط در عقد بیع جاری است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» زیرا فقط در عقد مغاینه‌ای که احتمال سود و ضرر می‌رود، غبن تحقق و معنا پیدا می‌کند.

❏ مثال ۶۸: شخصی خودرویی را که ارزش واقعی آن ۳۰ میلیون تومان بوده به ۶۰ میلیون تومان خریده است. اگر قرارداد قابل فسخ نیست:

- (۱) فروشنده به قیمت عادلانه عالم نباشد.
(۲) فروشنده به قیمت عادلانه عالم باشد.
(۳) خریدار برای گرفتن ۳۰ میلیون تومان مازاد اقامه دعوا کند.
(۴) فروشنده ۳۰ میلیون تومان مازاد به خریدار برگرداند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» خیار غبن از خيارات فوری محسوب می‌شود و اقامه دعوا به معنی عدم رعایت فوریت در اعمال خیار است.

❏ مثال ۶۹: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) خیار شرط قابل اعمال در همه عقود است.
(۲) در خیار شرط اگر ابتدای مدت، مشخص نباشد هم شرط و هم بیع باطل است.
(۳) در صورتی که تدلیس موجب اشتباه موثر در عقد شود، خیار فسخ محقق می‌گردد.
(۴) بنا به نظر مشهور، تدلیس با سکوت نیز محقق می‌شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار شرط در عقود نکاح، ضمان و وقف قابل پذیرش نیست. همچنین اگر ابتدای مدت مشخص نباشد (در خیار شرط)، ابتدای آن از ابتدای عقد محسوب می‌گردد و همچنین تدلیس که موجب اشتباه موثر در عقد گردد، موجب بطلان عقد است.



آزمون فصل اول

که ۱- برای صحت عقد بیع، مبیع باید

- (۱) عین معین باشد. (۲) عین باشد. (۳) کلی باشد. (۴) همراه با ثمن کلی باشد.

که ۲- اگر مبیع عین معینی باشد و پس از انعقاد عقد، تسلیم مبیع برای همیشه غیرمقدور گردد، سرنوشت معامله چه خواهد بود؟

- (۱) باطل است. (۲) منفسخ می‌شود. (۳) قابل فسخ می‌گردد. (۴) صحیح است.

که ۳- خانهای به شرط آن که ۸۰۰ متر باشد فروخته می‌شود و بعداً مشخص می‌شود که خانه ۹۰۰ متر است، مطابق با قانون مدنی معامله چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- (۱) هر یک از فروشنده یا خریدار حق فسخ معامله را دارند.
(۲) فروشنده حق فسخ معامله را دارد.
(۳) مقدار اضافی متعلق به خریدار است، مشروط بر آن که قیمت آن طبق توافق اولیه به فروشنده بپردازد.
(۴) مقدار اضافی متعلق به فروشنده است.

که ۴- اگر برنج موجود در انباری به شرط این که هزار کیلو باشد به مبلغ یک میلیون ریال فروخته شود و بعد معلوم شود که کمتر بوده است، در این صورت معامله

- (۱) باطل است (۲) صحیح و قابل فسخ است. (۳) صحیح و غیرقابل فسخ است. (۴) غیرنافذ است.

که ۵- در عقد بیع در صورت عدم تصریح حین معامله، کدام مورد جزء یا تابع مبیع محسوب می‌شود؟

- (۱) در بیع زمین، درخت (۲) در بیع درخت، میوه (۳) در بیع باغ، اشجار (۴) در بیع حیوان، حمل

که ۶- در عقد بیع، وجود خيار فسخ

- (۱) مانع اقاله است. (۲) مانع انتقال مالکیت مبیع به مشتری است.
(۳) مانع انتقال مالکیت مبیع به مشتری نمی‌شود. (۴) موجب انفساخ عقد است.

که ۷- کدام یک از عقود زیر عقد عینی است؟ و در عقود عینی قبض

- (۱) عین معین - شرط لازم (۲) بیع صرف - شرط لزوم (۳) عین معین - شرط صحت (۴) بیع صرف - شرط صحت

که ۸- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) قبض در بیع صرف، شرط لزوم است.
(۲) قبض اثری در صحت و لزوم عقد بیع صرف ندارد.
(۳) قبض در بیع صرف، شرط صحت است.
(۴) هیچ کدام

که ۹- پس از بیع، مشتری مبیع را بدون اذن باید قبض می‌کند، قبض

- (۱) معتبر است، اما در هر حال مشتری ضامن است.
(۲) اعتبار دارد و مشتری تنها در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
(۳) بی اعتبار است و مشتری ضامن است. (۴) معتبر است.

که ۱۰- هرگاه بایع با استفاده از حق حبس، مبیع را نزد خود نگاه دارد، منافع مبیع در مدت تصرف بایع متعلق به کدام یک از متبایعین است؟

- (۱) مشتری (۲) بایع (۳) منافع بالمناصفه بین آن‌ها تقسیم می‌شود. (۴) منافع صرف هزینه‌ی نگهداری مبیع خواهد شد.

که ۱۱- قاعده‌ی تلف مبیع پیش از قبض از مال چه کسی است؟

- (۱) از مال بایع است (۲) از مال خریدار است. (۳) این قاعده بر خلاف اصل است. (۴) موارد ۱ و ۳

که ۱۲- در قراردادی که بایع بخشی از مبیع را تسلیم خریدار کرده و مشتری نیز بخشی از ثمن را پرداخته است، آیا می‌توان به استناد خيار تاخیر ثمن آن را فسخ کرد؟

- (۱) تسلیم جزئی از مبیع یا تأدیه‌ی بخشی از ثمن مانع اعمال خيار تاخیر ثمن است.
(۲) در این صورت فسخ امکان ندارد.
(۳) فسخ امکان پذیر است.
(۴) در صورتی که سایر شرایط تحقق خيار تأخیر ثمن فراهم باشد تسلیم جزئی از مبیع و تأدیه‌ی بخشی از ثمن مانع اعمال خيار نیست.

که ۱۳- ضمان بایع در صورت «درک مبیع» ناظر به چیست؟

- (۱) رد مبیع (۲) رد قیمت واقعی مبیع در زمان معامله
(۳) رد قیمت واقعی مبیع در زمان تسلیم (۴) رد ثمن معامله

که ۱۴- در بیع خیاری، مالکیت از زمان

- (۱) تأدیه ثمن می‌باشد. (۲) حصول قبض می‌باشد. (۳) وقوع بیع می‌باشد. (۴) انقضای خيار می‌باشد.

که ۱۵- هزینه‌ی حمل تا محل تسلیم بر عهده‌ی

- (۱) خریدار است. (۲) فروشنده است.
(۳) بر عهده‌ی خریدار و فروشنده به صورت مساوی می‌باشد. (۴) دادگاه معین می‌کند که بر عهده‌ی چه کسی می‌باشد.



فصل دوم

«اجاره، جعاله، قرض»

تست‌های تألیفی فصل دوم

که مثال ۱: در زمینه مقایسه حق انتفاع با مالکیت منافع کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) حق انتفاع درجه‌ای بالاتر از مالکیت منفعت است.
- (۲) حق انتفاع مفهومی مشابه با مالکیت منفعت دارد.
- (۳) حق انتفاع برخلاف مالکیت منفعت، موجب سلطه کامل منتفع بر مال نیست.
- (۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۳» حق انتفاع موجب مالکیت بر منافع نمی‌گردد و درجه‌ای ضعیف‌تر از مالکیت منفعت است. به عبارت دیگر، ذره‌های منفعت در مال صاحب حق انتفاع نیست و لذا اگر میوه‌ای در ملکی که نسبت به آن حق انتفاع وجود دارد برآید، صاحب حق نمی‌تواند آن میوه را تملک کند اما در مالکیت منفعت چنین حقی را دارا است.

که مثال ۲: براساس قانون مدنی، اگر برای پرداخت مال الاجاره موعدی مشخص نگردد:

- (۱) طریقه پرداخت به تشخیص عرف است.
- (۲) پرداخت نقدی اما غیرفوری است.
- (۳) پرداخت غیرنقدی و فوری است.
- (۴) پرداخت نقد و فوری است.

پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۴۹۰ قانون مدنی در این حالت طریقه پرداخت نقدی و حال و فوری است.

که مثال ۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هر آنچه که مالیت داشته باشد می‌تواند به عنوان اجاره‌بها تعیین گردد، اعم از عین، حق و منفعت
- (۲) هر آنچه که مالیت داشته باشد می‌تواند به عنوان مورد اجاره تعیین گردد، اعم از عین حق و منفعت
- (۳) اجاره‌بها و مورد اجاره هر دو باید عین باشد.
- (۴) اجاره‌بها و مورد اجاره علاوه بر عین می‌تواند حق یا منفعت نیز باشد.

پاسخ: گزینه «۱» هر چیزی که مالیت داشت می‌توان به عنوان اجاره‌بها معین نمود، اما مورد اجاره باید عینی باشد که مصرف‌شدنی نباشد. اجاره‌بها می‌تواند عین منفعت یا حق باشد.

که مثال ۴: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶:

- (۱) اجاره محدود به مدت معینی است.
- (۲) اجاره محدود به مدت معینی نیست و عموماً می‌تواند پس از انقضای مدت ادامه یابد.
- (۳) حکمی صریح در زمینه محدودیت مدت ندارد.
- (۴) گزینه ۱ و ۳

پاسخ: گزینه «۲» به موجب قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، اجاره مدت محدودی نداشته و می‌تواند مطابق توافق طرفین تعیین گردد.

که مثال ۵: اگر قیم مال صغیری را اجاره دهد، این اجاره بنا به اصول قانون و حقوقی:

- (۱) اگر به مصلحت صغیر باشد، بعد از بلوغ وی نیز ادامه می‌یابد.
- (۲) تا زمان رسیدن صغیر به بلوغ صحیح است.
- (۳) تا زمان رسیدن صغیر به بلوغ غیرنافذ است.
- (۴) بعد از رسیدن صغیر به بلوغ قابل ابطال است.

پاسخ: گزینه «۲» الف: نظر غیرمشهور ب: نظر مشهور، در این مورد دو نظر است نظر غیر مشهور آن را، حتی بعد از بلوغ در صورتی که به مصلحت صغیر باشد صحیح می‌دانند، اما گروهی دیگر که قول مشهور است، مطابق قواعد عمومی آن را تا زمان رسیدن صغیر به سن بلوغ صحیح می‌دانند.

که مثال ۶: اجاره تمبر برای الصاق بر روی پاکت و اجاره‌ی آن برای نمایشگاه تمبر به ترتیب است.

- (۱) صحیح - باطل
- (۲) باطل - صحیح
- (۳) صحیح - صحیح
- (۴) باطل - باطل

پاسخ: گزینه «۲» الصاق بر روی پاکت موجب مصرف تمبر می‌گردد و لذا اجاره باطل است، اما اختصاص آن برای نمایشگاه تمبر به دلیلی که تمبر باقی مانده و مصرف نمی‌گردد صحیح است.

**کلمه مثال ۷: اجاره فضولی:**

- (۱) تابع قواعد عمومی معامله فضولی و غیرنافذ است.
 (۲) حکمی استثنایی برخلاف قواعد عمومی معامله فضولی و باطل است.
 (۳) نسبت به فضول لازم و نسبت به اصیل قابل فسخ است.
 (۴) نسبت به مالک قابل فسخ و نسبت به موجر فضول، غیرنافذ است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» اجاره فضولی از احکام معامله فضولی تبعیت کرده و حکم آن عدم نفوذ است.

کلمه مثال ۸: اجاره سهم مشاعی از مال مشترک بدون اذن شریک دیگر

- (۱) باطل است.
 (۲) غیرنافذ است.
 (۳) صحیح است.
 (۴) قابل فسخ است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» هر یک از شرکا می‌تواند بدون اذن شرکای دیگر هر گونه تصرف حقوقی در سهم خود بنماید، اما هر گونه تصرف مادی در سهم مشاعی بدون اذن شرکای دیگر مطلقاً مجاز نیست.

کلمه مثال ۹: مطابق ماده ۵۰۰ قانون مدنی، در بیع شرط، اجاره مبیع تا حدی که منافعی حق بایع باشد، باطل است. باطل در این ماده مطابق اصول حقوقی به معنی است.

- (۱) قابل فسخ
 (۲) غیرنافذ
 (۳) بطلان نسبی
 (۴) عدم قابلیت استناد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» از آن جا که بیع به مال غیر است، تابع احکام معامله فضولی و غیرنافذ است؛ لذا باطل در این ماده به معنی عدم نفوذ می‌باشد.

کلمه مثال ۱۰: اگر شخص ثالثی مزاحم مستأجر گردد، مستأجر در صورتی حق فسخ اجاره را دارد که مزاحمت

- (۱) پیش از قبض عین مستأجره باشد.
 (۲) پس از قبض عین مستأجره باشد.
 (۳) ثالث با ادعای حقی همراه باشد.
 (۴) مطلقاً و در هر صورت باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۴۸۸ قانون مدنی، اگر مزاحمت قبل از قبض عین مستأجره توسط مستأجر باشد، مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند و اگر فسخ ننمود می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه‌ی اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند.

کلمه مثال ۱۱: اگر بعد از قبض عین مستأجره، شخص ثالثی مزاحم مستأجر در استفاده از مورد اجاره گردد:

- (۱) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
 (۲) مستأجر تنها باید به مزاحم رجوع نماید و علیه او طرح دعوا کند.
 (۳) مستأجر هم حق فسخ و هم حق رجوع به مزاحم را دارد.
 (۴) مستأجر یا باید اجاره را فسخ کند یا به مزاحم رجوع نماید.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» چون قبض تحقق یافته، موجر دیگر نقش نداشته و صرفاً می‌توان از ثالث شکایت نمود.

کلمه مثال ۱۲: مطابق قانون مدنی:

- (۱) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، اصولاً به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
 (۲) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، اصولاً موجب انفساخ عقد اجاره می‌شود.
 (۳) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، برای موجر حق فسخ ایجاد می‌کند.
 (۴) هیچکدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۴۹۸ قانون مدنی، در این حالت اجاره به قوت خود باقی است، مگر این که خیار فسخ در صورت انتقال شرط شود.

کلمه مثال ۱۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستأجر باید در استعمال عین مستأجره، رعایت متعارف را بنماید و تعدی و تفریط نکند.
 (۲) مستأجر عین مستأجره را برای همان مصرفی که در اجاره قید شده است استعمال نماید.
 (۳) مستأجر باید مال الاجاره را در مواعید مقرر تادیه کند.
 (۴) هر سه مورد صحیح است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» هر سه مورد از حقوق و وظایف مستأجر در مقابل موجر می‌باشد که باید رعایت شود (ماده ۴۹۰ قانون مدنی).



❏ مثال ۱۴: در صورت تعدی و تفریط مستأجر:

- (۱) ضامن تلف مورد اجاره است، اگر تلف مستند به فعل وی باشد.
 - (۲) ضامن تلف مورد اجاره است، اگر تلف مستند به فعل وی نباشد.
 - (۳) مطلقاً ضامن تلف مورد اجاره است.
 - (۴) مطابق قانون ید مستأجر حتی در صورت تعدی و تفریط امانی است و ضامن نمی‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» تعدی و تفریط موجب می‌شود وی دارای ید ضمانی گردد و در هر حال چه تلف مستند به او باشد چه نباشد ضامن باشد.

❏ مثال ۱۵: اگر شخص ثالثی بتواند با عرضه‌ی کالای بهتری مشتریان مستأجر را به خود اختصاص دهد و در نتیجه‌ی این رقابت، مستأجر نتواند به هدف خود از انعقاد عقد اجاره برسد، این امر چه اثری در عقد اجاره دارد و مستأجر چه حقی پیدا می‌کند؟

- (۱) مستأجر برای احتراز از ضرر، حق فسخ دارد.
 - (۲) مستأجر می‌تواند به مقدار ضرر خود از اجاره‌بها بکاهد.
 - (۳) این حادثه هیچ تأثیری در عقد اجاره ندارد و مستأجر همچنان ملتزم به مفاد عقد است.
 - (۴) اجاره به دلیل انتفای هدف مستأجر، باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در این مسأله هیچ مشکلی در ارکان عقد اجاره به وجود نمی‌آید و هیچ حادثه‌ای موجب نمی‌شود عین مورد اجاره از قابلیت انتفاع خارج شود، بنابراین عقد اجاره صحیح است و مستأجر حق فسخ آن را ندارد.

❏ مثال ۱۶: تلف عین مستأجره‌ی کلی:

- (۱) به مستأجر حق فسخ می‌دهد.
 - (۲) به مستأجر امکان الزام موجر در دادن مصداق دیگر می‌دهد.
 - (۳) موجب بطلان عقد اجاره است.
 - (۴) به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» چون عین کلی است می‌توان الزام بایع را به فرد دیگری از موضوع تعهد خواست.

❏ مثال ۱۷: در اجاره‌ی محل کسب و پیشه تجارت مطابق قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۷۶:

- (۱) اثبات عقد اجاره صرفاً با سند رسمی امکان‌پذیر است.
 - (۲) اثبات عقد اجاره صرفاً با سند عادی و شهادت امکان‌پذیر است.
 - (۳) اثبات عقد اجاره می‌تواند با سند عادی یا رسمی باشد.
 - (۴) اثبات عقد اجاره می‌تواند با سند رسمی یا شهادت قابل اثبات باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۱ قانون موجر و مستأجر ۷۶، فرقی بین سند عادی و رسمی از این حیث نمی‌باشد.

❏ مثال ۱۸: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر، تخلیه عین مستأجره محل کسب به دلیل نیاز موجر:

- (۱) با پرداخت حق کسب و پیشه به مستأجر امکان‌پذیر است.
 - (۲) حتی بدون پرداخت حق کسب و پیشه و تجارت امکان‌پذیر است.
 - (۳) مطلقاً امکان‌پذیر نیست.
 - (۴) هیچکدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق بند دوم ماده ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، چنین امری با پرداخت حق کسب و پیشه به مستأجر بلامانع است.

❏ مثال ۱۹: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، انتقال مورد اجاره توسط مستأجر:

- (۱) اجاره را از ناحیه موجر قابل فسخ می‌نماید.
 - (۲) اجاره را از ناحیه موجر قابل ابطال می‌نماید.
 - (۳) اجاره را از ناحیه موجر غیر نافذ است.
 - (۴) به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» به موجب بند یک ماده ۱۴ این قانون، این عمل به موجر حق فسخ می‌دهد.

❏ مثال ۲۰: موجر در چه زمانی می‌تواند عقد اجاره را فسخ نماید؟

- (۱) در صورت انتقال عین مورد اجاره به غیر
 - (۲) در صورت فوت مستأجر
 - (۳) در صورت تخلف مستأجر از شرایط مقرر بین طرفین و تعدی و تفریط مستأجر
 - (۴) در هر سه صورت
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس مواد ۴۹۶، ۴۹۷ و ۴۹۸ قانون مدنی، تعدی و تفریط مستأجر از جمله مواردی است که به موجر اختیار فسخ را می‌دهد.



❏ مثال ۲۱: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۶۲، تعیین اجاره بها با است.

- (۱) عرف - قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
 (۲) قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
 (۳) دادگاه با توجه به مفاد قرارداد است.
 (۴) قانون - عرف - قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق بند ۹ ماده ۱۴ و ماده ۶ این قانون مطابق قرداد و نهایتاً با دادگاه است.

❏ مثال ۲۲: مطابق قانون مدنی، مسئولیت متصدی حمل و نقل بر چه نحوی است؟

- (۱) صرفاً با تعدی و تفریط است.
 (۲) مطلقاً مسئول و ضامن محسوب می‌گردد.
 (۳) مطلقاً ید متصدی حمل و نقل امانی است.
 (۴) اصولاً امان محسوب می‌گردد، مگر در صورت تقصیر
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» ید متصدی حمل و نقل در قانون مدنی برخلاف قانون تجارت، امانی است مگر این که تعدی یا تفریط نماید (تقصیر)

❏ مثال ۲۳: مطابق قانون مدنی، اجاره شخص:

- (۱) صرفاً با تعیین مدت صحیح است.
 (۲) با تعیین مدت یا تعیین عمل صحیح است.
 (۳) صرفاً با تعیین عمل صحیح است.
 (۴) با تعیین عمل، مدت یا راکب صحیح است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۵۱۴ قانون مدنی اجاره اشخاص می‌تواند برای مدت یا عمل معینی باشد.

❏ مثال ۲۴: کدام گزینه در زمینه عقد قرض صحیح است؟

- (۱) عقدی است لازم و رضایی و معوض
 (۲) عقدی است جایز، رضایی و غیرمعوض
 (۳) عقدی است لازم، تشریفاتی و معوض
 (۴) عقدی است جایز، تشریفاتی و غیرمعوض
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مستفاد از روح مواد مربوط به قرض، قواعد عمومی و ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی لازم، رضایی و معوض است.

❏ مثال ۲۵: اگر شخصی مقداری پول به دیگری دهد و شرط شود که اگر چه پول داده شده به ریال است اما به دلار بازگردانده شود، عقد واقع شده چه عنوانی دارد؟

- (۱) عاریه
 (۲) قرض
 (۳) ودیعه
 (۴) عقدی بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اگر چه به دلیل ندادن مثل قرض نیست، اما می‌تواند قرارداد دیگری بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی باشد.

❏ مثال ۲۶: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) جعاله عقدی است مجانی و نباید با اجرت باشد.
 (۲) در جعاله لازم نیست، اجرت من جمیع الجهات معلوم باشد.
 (۳) در جعاله لازم است، اجرت من جمیع الجهات معلوم و مشخص باشد.
 (۴) در جعاله چنان چه شرط اجرت شود، جعاله صحیح ولی شرط باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۵۶۳ قانون مدنی: «در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست، بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است.» ماده ۵۶۴ قانون مدنی: «در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد.» چون جعاله، عقدی است مبتنی بر مسامحه، علم اجمالی در آن کفایت می‌کند و لازم نیست اجرت و عمل من جمیع الجهات معلوم باشد.

❏ مثال ۲۷: کدام گزینه در مورد عقد جعاله صحیح است؟

- (۱) اگر عامل محجور باشد، جعاله صحیح نیست.
 (۲) اگر جاعل محجور باشد، جعاله صحیح است.
 (۳) جعاله تعهدی است جایز
 (۴) جعاله ایقاع است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۶۵ قانون مدنی جعاله تعهدی جایز است. اگر عامل محجور شود، جعاله صحیح است، اما اگر جاعل محجور شود چون در مال خود تصرف می‌کند، جعاله به نظر صحیح نمی‌آید.

❏ مثال ۲۸: اگر جاعل، جعاله را فسخ کند اما به اطلاع عامل نرسد، در صورت انجام عمل:

- (۱) عامل مستحق جعل است.
 (۲) عامل مستحق اجرت‌المثل عمل است.
 (۳) عامل مستحق هیچ اجرتی نیست.
 (۴) عامل صرفاً می‌تواند خسارت هزینه‌های معمول را بگیرد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» در این حالت عامل حق ندارد مطالبه جُعَل کند، اما می‌تواند مستحق اجرت‌المثل عمل خویش گردد.



آزمون فصل دوم

- کله ۱-** اگر ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره بعد از قبض، مزاحم مستأجر شود، اجاره چه وضعیتی پیدا می‌کند؟
 (۱) عقد باطل است. (۲) عقد صحیح است. (۳) عقد غیرنافذ است. (۴) عقد قابل فسخ است.
- کله ۲-** عقد اجاره در چه صورتی کلاً باطل می‌گردد؟
 (۱) زمانی که عین مستأجره معیوب گردید و از قابلیت انتفاع خارج گردد.
 (۲) وقتی که عین مستأجره از ید مستأجر خارج شده و شخصاً قادر به استرداد آن نباشد.
 (۳) وقتی که عین مستأجره قابلیت استفاده را از دست داده و امکان اعاده قابلیت وجود نداشته باشد.
 (۴) وقتی که قسمتی از عین مستأجر تلف شود.
- کله ۳-** عقد اجاره به واسطه‌ی تلف شدن عین مستأجره از تاریخ تلف و نسبت به تخلف از شرایطی که بین موجر و مستأجر مقرر است ثابت است.
 (۱) منفسخ می‌شود - از تاریخ تخلف، خیار فسخ
 (۲) باطل است - از تاریخ تخلف، خیار فسخ
 (۳) انفساخ می‌گردد - از تاریخ تخلف، اجرت‌المثل
 (۴) هیچکدام
- کله ۴-** در کدام یک از موارد ذیل مستأجر می‌تواند عقد اجاره را فسخ نمایند؟
 (۱) در صورت امتناع موجر از تسلیم مورد اجاره
 (۲) در صورتی که عین مستأجره به واسطه‌ی عیب از قابلیت انتفاع خارج شود.
 (۳) در صورت تلف عین مستأجره در مدت اجاره
 (۴) در صورت حدوث عیب در عین مستأجره در اثنای مدت اجاره
- کله ۵-** در صورت ادامه‌ی تصرف مستأجر پس از انقضای مدت اجاره، موجر استحقاق کدام اجرت را دارد؟
 (۱) اجرت‌المسمی
 (۲) اجرت‌المثل معادل اجرت‌المسمی
 (۳) هر یک از اجرت‌المثل یا اجرت‌المسمی
 (۴) اجرت‌المثل
- کله ۶-** کدام یک از عقود زیر تملیکی است؟
 (۱) رهن (۲) عاریه (۳) قرض (۴) هیچکدام
- کله ۷-** اگر مقترض نتواند مثل مال مورد قرض را به علت تلف مثل آن به مقرض بدهد، قیمت آن را برحسب چه زمانی به او بدهد؟
 (۱) یوم‌الرء (۲) یوم‌الاداء (۳) یوم تلف (۴) گزینه‌های ۱ و ۲
- کله ۸-** عامل زمانی می‌تواند جعل را به دیگری صلح کند که
 (۱) عقد جعله منعقد شود.
 (۲) مورد جعله را انجام دهد یا تسلیم کند.
 (۳) شروع به انجام عمل مورد جعله کند.
 (۴) جعل به او تسلیم شده باشد.
- کله ۹-** حکم اجاره‌ی مال مشاع چیست؟
 (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) جایز است. (۴) غیرنافذ است.
- کله ۱۰-** کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟
 (۱) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر نافذ است.
 (۲) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر غیرنافذ است.
 (۳) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر باطل است.
 (۴) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر قابل فسخ است.
- کله ۱۱-** اگر در اثنای اجاره در عین مستأجر عیبی حادث شود، وضع اجاره چه می‌شود؟
 (۱) اجاره باطل می‌شود.
 (۲) اجاره منفسخ می‌شود.
 (۳) مستأجر می‌تواند اجاره‌بها را نپردازد تا مؤجر رفع عیب کند.
 (۴) مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند.
- کله ۱۲-** اگر خانه‌ای که اجاره داده شده است در اثر زلزله از قابلیت انتفاع خارج شود:
 (۱) اجاره غیرنافذ است.
 (۲) اجاره باطل است.
 (۳) مستأجر حق فسخ دارد.
 (۴) مستأجر تا پایان اجاره حق فسخ ندارد.



ک ۱۳- هرگاه مورد اجاره کلی بوده و فردی را که موجر تسلیم نموده، معیوب در آید، عقلاً اجاره چه وضعی دارد؟

- (۱) مستأجر می‌تواند از موجر بخواهد که فرد سالمی را به او تحویل دهد، ولی حق فسخ ندارد.
- (۲) مستأجر می‌تواند از موجر بخواهد که فرد سالمی را به تحویل دهد و در صورت عدم امکان اجبار، قرارداد را می‌تواند فسخ نماید.
- (۳) مستأجر می‌تواند قرارداد را فسخ کند.
- (۴) مستأجر می‌تواند قرارداد او را فسخ کند یا ارش مطالبه کند.

ک ۱۴- هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی و تفریط کند:

- (۱) موجر حق فسخ ندارد.
- (۲) موجر حق فسخ دارد.
- (۳) در صورتی موجر حق فسخ دارد که قادر به منع آن نباشد.
- (۴) اجاره باطل است.

ک ۱۵- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟

- (۱) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره صحیح است.
- (۲) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره غیرنافذ است.
- (۳) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره باطل و مبطل عقد است.
- (۴) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره باطل است، ولی مبطل عقد نیست.

ک ۱۶- جعالة تعهدی

- (۱) لازم است.
- (۲) جایز است.
- (۳) از طرف جاعل لازم و از طرف عامل جایز است.
- (۴) هیچ کدام

ک ۱۷- عامل چه زمانی می‌تواند جُعل را به دیگری صلح کند؟

- (۱) زمانی که مورد جعالة را انجام دهد یا تسلیم کند.
- (۲) زمانی که شروع به انجام عمل مورد جعالة کند.
- (۳) زمانی که عقد جعالة منعقد شود.
- (۴) زمانی که جُعل به او تسلیم شده باشد.

ک ۱۸- هرگاه موضوع جعالة پیدا کردن مال معینی باشد، چه زمانی عامل مستحق دریافت جُعل می‌گردد؟

- (۱) زمانی که جعالة منعقد شده باشد.
- (۲) زمانی که متعلق جعالة را پیدا کرده باشد.
- (۳) زمانی که متعلق جعالة را تسلیم جاعل کند.
- (۴) زمانی که متعلق جعالة را به دست آورده باشد.

ک ۱۹- قرض چه نوع عقدی می‌باشد؟

- (۱) عقدی لازم است.
- (۲) عقدی جایز است.
- (۳) از طرف قرض‌دهنده جایز و از طرف قرض‌گیرنده لازم است.
- (۴) از طرف قرض‌دهنده لازم و از طرف قرض‌گیرنده جایز است.

ک ۲۰- موضوع تعهد مقترض چیست؟

- (۱) قیمت روز رد عین
- (۲) رد عین
- (۳) رد مثل آن چه گرفته شده، هر چند قیمتی نداشته باشد.
- (۴) رد مثل آن چه گرفته شده و در صورتی که در زمان رد قیمت نداشته باشد، آخرین قیمت را باید بپردازد.

ک ۲۱- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) مقترض باید قیمت مال مورد قرض را در روز پرداخت بپردازد.
- (۲) مقترض باید قیمت مال مورد قرض را در روز دریافت بپردازد.
- (۳) مقترض باید مثل مال مورد قرض را بدهد.
- (۴) مقترض باید عین مال مورد قرض را بپردازد.

ک ۲۲- در جعالة چنانچه شرط اجرت شود:

- (۱) جعالة و شرط هر دو صحیح می‌باشند.
- (۲) جعالة و شرط هر دو باطل می‌باشند.
- (۳) جعالة صحیح و شرط باطل می‌باشد.
- (۴) هیچ کدام

ک ۲۳- موجر در صورتی می‌تواند در عین مستأجره تغییراتی بدهد که

- (۱) آن تغییرات به نفع مستأجر باشد.
- (۲) این تغییرات منافی حق مستأجر نباشد.
- (۳) در هر صورت می‌تواند تغییرات مفید باشد.
- (۴) در هیچ صورت نمی‌تواند تغییرات بدهد.

ک ۲۴- حکم شرط ضمان بر مستأجر بدون تقصیر چیست؟

- (۱) باطل است، زیرا خلاف مقتضای اطلاق عقد است.
- (۲) باطل است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد است.
- (۳) صحیح است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد نیست.
- (۴) صحیح است، زیرا خلاف مقتضای اطلاق عقد نیست.

ک ۲۵- شیئی که در اجاره یا در رهن است را

- (۱) می‌توان فروخت.
- (۲) نمی‌توان فروخت.
- (۳) فقط شیء در اجاره را می‌توان فروخت.
- (۴) فقط شیء در رهن را می‌توان فروخت.



فصل سوم

«عقد شرکت و عقد صلح»

تست‌های تألیفی فصل سوم

❏ مثال ۱: کدام گزینه در مورد عقد شرکت صحیح نیست؟

- (۱) شرکت ممکن است اختیاری یا قهری باشد.
(۲) آن چه در شرکت اهمیت دارد، امتزاج حقوق مالکان است.
(۳) شرکت عقدی است غیرمعوض و بر مبنای مسامحه
(۴) شرکت عقدی است مستمر

❏ پاسخ: گزینه «۳» شرکت عقدی است مغایه‌ای و معوض.

❏ مثال ۲: کدام قسم از انواع شرکت از لحاظ قانون مدنی باطل است؟

- (۱) عنان (۲) ابدان (۳) وجوه (۴) مفاوضه
❏ پاسخ: گزینه «۴» از دیدگاه فقه صرفاً شرکت عنان (شرکت در اموال) صحیح است؛ اما از لحاظ قانون مدنی تمامی انواع شرکت‌ها صحیح است، جز شرکت مفاوضه به دلیل نامشروع بودن مورد.

❏ مثال ۳: شریک مأذون در اداره شرکت به لحاظ سمت خود:

- (۱) وکیل است و ید او امانی است.
(۲) نماینده شرکت است و حتی در صورتی که تعدی و تفریط ننماید ضامن است.
(۳) می‌تواند خارج از حدود اذن به نفع شرکت عمل نماید.
(۴) هیچ کدام
❏ پاسخ: گزینه «۱» چون مأذون است اعمال او در حدود اختیار است مانند وکیل و صحیح است و به همین دلیل ید او امانی است.

❏ مثال ۴: در کدام مورد اداره شرکت منحل نمی‌گردد؟

- (۱) فوت و حجر یکی از شرکا
(۲) انقضای مدت مأذونیت
(۳) ضمیمه نمودن اداره در یک عقد لازم
(۴) انحلال شرکت
❏ پاسخ: گزینه «۳» اگر ضمن عقد لازم اداره شرکت مأذون قرار گیرد، حتی در صورت رجوع از اذن، شرکت منحل نمی‌گردد.

❏ مثال ۵: حالت اطلاق، اصولاً در اداره شرکت مدیران را نشان می‌دهد.

- (۱) استقلال (۲) اجتماع (۳) نسبیت (۴) هیچ کدام
❏ پاسخ: گزینه «۲» اطلاق به حالت اجتماع برمی‌گردد و اصولاً در معنی اداره جمعی است.

❏ مثال ۶: اجاره مال مشاع

- (۱) باطل است، زیرا تصرف در مال غیر است.
(۲) جایز است، لیکن تسلیم عین مستاجر به اذن شریک است.
(۳) صحیح است و نیازی به اذن شریک ندارد.
(۴) غیرنافذ است و نیازمند اذن شریک است.
❏ پاسخ: گزینه «۲» هر یک از شرکا می‌تواند در سهم خودش هر نوع تصرف حقوقی بکند، اما تصرف مادی بدون اذن سایر شرکا که همان تسلیم عین مستاجر می‌باشد، نیازمند اذن سایر شرکا است.



❏ مثال ۷: کدام گزینه در مورد عقد صلح صحیح است؟

- (۱) عقدی است لازم
(۲) عقدی است جایز
(۳) صلح معوض لازم، اما صلح بلاعوض جایز است.
(۴) صلح معوض جایز، اما صلح بلاعوض لازم است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» صلح چه معوض و چه بلاعوض عقدی لازم است.

❏ مثال ۸: صلح مجنون، صغیر ممیز، صغیر غیرممیز و سفیه با تنفیذ ولی به ترتیب چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح، باطل، باطل، صحیح (۲) باطل، صحیح، باطل (۳) صحیح، باطل، باطل (۴) باطل، صحیح، باطل، صحیح
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۷۵۳ قانون مدنی اهلیت در صلح شرط است، لذا مطابق قواعد عمومی صلح مجنون و صغیر غیرممیز باطل اما صلح سفیه و صغیر ممیز در صورت تنفیذ ولی یا نماینده قانونی صحیح است.

❏ مثال ۹: صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله است.

- (۱) باطل - صحیح (۲) صحیح - باطل (۳) باطل - باطل (۴) صحیح - صحیح
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» براساس بند ۱ ماده ۷۶۵ قانون مدنی، صلح دعوی مبتنی بر معامله‌ی باطله، باطل است به دلیل فقدان موضوع صلح و صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است.



آزمون فصل سوم

که ۱- اسباب اشاعه عبارتند از:

- (۱) ارث، عقد و امتزاج
(۲) فقط ارث و عقد
(۳) فقط ارث، عقد و وصیت
(۴) ارث، عقد، امتزاج، حیات مباحات

که ۲- تصرفات حقوقی شرکای غیر مأذون در مال مشترک:

- (۱) باطل است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) قابل فسخ است.

که ۳- بیع مال مشاع بدون اذن شریک:

- (۱) قابل فسخ است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) باطل است.

که ۴- بطلان معامله‌ای معلوم است، دعوای ناشی از آن را:

- (۱) نمی‌توان به صلح خاتمه داد.
(۲) می‌توان به صلح خاتمه داد.
(۳) در صورتی می‌توان به صلح خاتمه داد که صلح معوض باشد.
(۴) در صورتی می‌توان به صلح خاتمه داد که قیمت عوضین مساوی باشد.

که ۵- تدلیس در عقد صلح، موجب:

- (۱) خیار فسخ
(۲) بطلان عقد
(۳) عدم نفوذ عقد
(۴) بی تأثیر است.

که ۶- صلح با اکراه:

- (۱) بلامانع است.
(۲) نافذ نیست.
(۳) نافذ است.
(۴) موجب خیار فسخ است.

که ۷- صلح دعوای مبتنی بر معامله باطل است و صلح و دعوای ناشی از بطلان معامله است.

- (۱) باطل، صحیح
(۲) صحیح، باطل
(۳) باطل، باطل
(۴) صحیح، صحیح

که ۸- حق ارتفاق در یک ملک مشاع، مانع تقسیم

- (۱) می‌باشد.
(۲) نمی‌باشد.
(۳) نمی‌باشد و حق نیز تقسیم می‌شود.
(۴) نمی‌باشد و بعد از تقسیم حق ارتفاق به حال خود باقی است.

که ۹- مهیایات به چه معنی می‌باشد؟

- (۱) معاوضه‌ی عین و منفعت
(۲) اختلاط منافع شرکا
(۳) تقسیم منافع بین شرکای عین
(۴) تملیک منافع شرکا به یکدیگر

که ۱۰- چنانچه تقسیم مال مشترک موجب شود از مالیت بیفتند، در این فرض تقسیم به چه صورتی انجام می‌شود؟

- (۱) به درخواست بیشتر شرکا
(۲) به تراضی کلیه شرکا
(۳) تقسیم آن ممکن نیست.
(۴) در هر حال تقسیم می‌شود

پاسخنامه آزمون‌های عقود معین ۱

فصل اول: بیع

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۴»	۱۳- گزینه «۴»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»

فصل دوم: اجاره، جعاله، قرض

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۱»
۱۶- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۱»	۲۰- گزینه «۴»
۲۱- گزینه «۳»	۲۲- گزینه «۱»	۲۳- گزینه «۲»	۲۴- گزینه «۳»	۲۵- گزینه «۳»

فصل سوم: عقد شرکت و عقد صلح

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»



عقود معین ۲



فصل اول

«عقود ضمان، ودیعه و عاریه»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: کدام گزینه در زمینه عقد ضمان صحیح نیست؟

- (۱) ضمان عقدی است معوض (۲) ضمان عقدی است مغایبه‌ای (۳) ضمن عقدی است تبعی (۴) ضمان عقدی است رضایی

❏ پاسخ: گزینه «۲» ضمان از جمله عقود است که در آن نفع و سود و ضرر ملاک نیست و از این حیث از عقود مسامحه‌ای می‌باشد.

❏ مثال ۲: اگر قرارداد مبنای دین اصلی باطل باشد؟

- (۱) ضمان صحیح است، چون ضمان عقدی است اصلی

- (۲) ضمان باطل است، چون ضمان عقدی است تبعی

- (۳) ضمان قابل فسخ است، چون ضمان عقدی است تبعی

- (۴) ضمان قابل ابطال است، ولی قرارداد و توافق بر مبنای ماده ۱۰ می‌تواند باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» تبعی بودن عقد ضمان اقتضا می‌کند که اگر قرارداد مبنای دین اصلی باطل باشد، ضمان نیز باطل باشد.

❏ مثال ۳: در کدام عقد علم اجمالی به مورد معامله کافی است؟

- (۱) ضمان (۲) بیع (۳) وکالت (۴) اجاره

❏ پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۶۹۴ قانون مدنی: «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می‌نماید شرط نیست».

❏ مثال ۴: ضمان معلق و التزام به پرداخت معلق به ترتیب..... است.

- (۱) باطل، صحیح (۲) صحیح، باطل (۳) باطل، باطل (۴) صحیح، صحیح

❏ پاسخ: گزینه «۱» ضمان، نکاح و وقف نمی‌تواند به صورت معلق باشد، اما در ضمان التزام به پرداخت اگر معلق گردید، بلامانع است.

❏ مثال ۵: مطابق اصول حقوقی و روح قانون در عقد ضمان و برای صحت این عقد:

- (۱) طلبکار نمی‌تواند سفیه یا صغیر باشد. (۲) مضمون‌له می‌تواند سفیه یا صغیر باشد.

- (۳) طلبکار نمی‌تواند صغیر باشد اما می‌تواند سفیه باشد. (۴) طلبکار نمی‌تواند سفیه باشد اما می‌تواند صغیر باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مضمون‌له یا همان طلبکار می‌تواند عقد ضمان را به عنوان تملک بلاعوض قبول نماید و از این حیث نیاز به اهلیت ندارد.

❏ مثال ۶: در عقد ضمان رضای مدیون اصلی چه اثری در عقد دارد؟

- (۱) اثری ندارد. (۲) شرط لزوم عقد است. (۳) شرط صحت عقد است. (۴) شرط تحکیم عقد است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» در عقد ضمان رضای مضمون‌عنه یا مدیون اصلی تأثیری در عقد ندارد و رضایت مضمون‌له و ضامن کفایت می‌کند.

❏ مثال ۷: ضامن شدن از..... صحیح است.

- (۱) محجور (۲) میت (۳) ضامن (۴) هر سه

❏ پاسخ: گزینه «۴» در عقد ضمان چون مضمون‌عنه یا بدهکار اصلی دخالتی ندارد، بنابراین اهلیت او نیز شرط صحت عقد نمی‌باشد. آن چه اهمیت دارد اهلیت ضامن و مضمون‌له است.



که مثال ۸: اعسار ضامن در حین عقد.....

- (۱) باعث بطلان عقد است.
(۲) باعث عدم نفوذ عقد است.
(۳) باعث انفساخ عقد است.
(۴) اثری در عقد نمی‌گذارد و مضمون له جاهل فقط حق فسخ دارد.

پاسخ: گزینه «۴» بر اساس ماده ۶۹۰ قانون مدنی. ☒

که مثال ۹: در عقد ضمان، ضمان از دین آینده و ضمان از دین گذشته به ترتیب:

- (۱) صحیح، باطل است. (۲) باطل، صحیح است. (۳) باطل، باطل است. (۴) صحیح، صحیح است.

پاسخ: گزینه «۲» ضمان از دین آینده ضمان مالم یجب و باطل است و صرفاً می‌توان از دین گذشته ضمانت نمود. ☒

که مثال ۱۰: ضمان عهده از بایع به چه معناست؟

- (۱) به این معناست که اگر بیع فاسد باشد، مبیع به بایع بازگردانده شود.
(۲) به این معناست که بایع مبیع را چنانچه برای تسلیم آن مهلت تعیین شده باشد، در مهلت مقرر به مشتری تسلیم کند.
(۳) به این معناست که اگر مبیع مستحق‌للغیر درآید، ثمن به خریدار بازگردانده شود.
(۴) به این معناست که از مشتری برای پرداخت ثمن ضمانت شود.

پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۶۹۷ قانون مدنی. ☒

که مثال ۱۱: ضمانت از نفقه آینده زن:

- (۱) صحیح است، چون سبب دین ایجاد شده است.
(۲) باطل است، چون دین آینده ضمانتش باطل است.
(۳) صرفاً نفقه گذشته را می‌توان ضمانت نمود.
(۴) ضمانت نسبت به نفقه جایز نیست، چون از امور مربوط به شخصیت است (قائم به شخص)

پاسخ: گزینه «۱» ضمان از نفقه گذشته زن بی تردید صحیح است و نفقه آینده نیز چون سبب آن (عقد نکاح) ایجاد گردیده بلامانع است. ☒

که مثال ۱۲: مطابق قانون مدنی، ضمان عهده:

- (۱) صحیح است.
(۲) باطل است.
(۳) غیرنافذ است.
(۴) ضمان صرفاً نسبت به امور شخصی باطل است و هر گونه دیگر صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۶۹۷ قانون مدنی، ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌للغیر درآمدن آن جایز است. ☒

که مثال ۱۳: ضمان عهده ناظر به مواردی است که:

- (۱) بیع باطل باشد.
(۲) بیع فسخ یا اقاله شده باشد.
(۳) بیع باطل یا اقاله شده باشد.
(۴) بیع باطل، فسخ یا اقاله شده باشد.

پاسخ: گزینه «۱» ضمان درک صرفاً ویژه موردی است که بیع باطل باشد، نه این که طرفین اقاله یا فسخ نمایند مگر در صورت تراضی. ☒

که مثال ۱۴: تعیین اوصاف و میزان دین در عقد ضمان:

- (۱) لازم است، چون عقدی است مغایه‌ای
(۲) لازم نیست، چون عقدی است مسامحه‌ای
(۳) لازم است، چون عقدی است مسامحه‌ای
(۴) لازم نیست، چون عقدی است مغایه‌ای
- پاسخ: گزینه «۲» چون در عقد مبنی بر مسامحه، نفع و سود و ضرر ملاک نیست؛ تعیین دقیق اوصاف و میزان دین در ضمان که از عقود مسامحه‌ای می‌باشد نیز نیاز نمی‌باشد. ☒



❏ مثال ۱۵: مال موضوع دین در عقد ضمان.....

- (۱) ممکن است عین باشد. (۲) ممکن است منفعت باشد. (۳) ممکن است انجام کاری باشد. (۴) هر سه

❑ پاسخ: گزینه «۴»

❏ مثال ۱۶: ضمانت از کدام یک از تعهدات ذیل صحیح است؟

- (۱) حضانت (۲) تمکین (۳) پرداخت نفقه زن (۴) سکونت مشترک با همسر

❑ پاسخ: گزینه «۳» موضوع دین در عقد ضمان باید مال باشد و نمی‌تواند امور غیرمالی را در برگیرد.

❏ مثال ۱۷: ضمان به غیر جنس در صورت توافق:

- (۱) ضمان عقدی است و صحیح (۲) تبدیل تعهد است و باطل (۳) ضمان عهده است و صحیح (۴) عقد ضمان نیست و باطل

❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل آزادی اراده می‌تواند صحیح باشد، البته عده‌ای آن را تبدیل تعهد می‌دانند.

❏ مثال ۱۸: اگر بعد از ضمان، مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شود، موجب فراغ ذمه ضامن:

- (۱) می‌شود، چون ضمان نقل ذمه به ذمه است. (۲) نمی‌شود، چون ضمان ضم ذمه به ذمه است.

- (۳) نمی‌شود، چون ضمان نقل ذمه به ذمه است. (۴) می‌شود، چون ضمان ضم ذمه به ذمه است.

❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۹۷ قانون مدنی، این امر موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد؛ زیرا اصل در ضمان نقل ذمه است و ذمه مدیون به هنگام ضمان بری می‌شود.

❏ مثال ۱۹: هرگاه دین مدت داشته باشد و ضامن قبل از موعد آن را ادا کند...

- (۱) مادام که دین حال نشده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند.

- (۲) هر زمان بخواهد می‌تواند از مدیون مطالبه کند.

- (۳) در صورتی که مدیون خود به صراحت اذن در تأدیه زودتر را داده باشد ضامن حق رجوع به وی را دارد.

- (۴) گزینه ۱ و ۳

❑ پاسخ: گزینه «۴» براساس ماده ۶۹۲ قانون مدنی.

❏ مثال ۲۰: ضمان وثیقه‌ای همان ضمان..... و ضمان تضامنی همان ضمان..... می‌باشد.

- (۱) طولی، عرضی (۲) عرضی، طولی (۳) طولی، نقل ذمه به ذمه (۴) عرضی، ضم ذمه به ذمه

❑ پاسخ: گزینه «۱» نام دیگر ضمان وثیقه‌ای «ضمان طولی» و نام دیگر ضمان تضامنی «ضمان عرضی» است.

❏ مثال ۲۱: خیار شرط و اقاله در عقد ضمان:

- (۱) صحیح، باطل (۲) باطل، صحیح (۳) باطل، باطل (۴) صحیح، صحیح

❑ پاسخ: گزینه «۱» در ضمان ممکن است برای پرداخت دین توسط ضامن شرایطی مقرر شود که تخلف از آن‌ها برای ضامن یا مضمون‌له حق فسخ ایجاد می‌کند اما اقاله آن صحیح نیست؛ چون به حق شخص ثالث (مضمون‌عنه) زیان می‌رسد.

❏ مثال ۲۲: در چه صورت ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه را دارد؟

- (۱) در صورتی که دین را ادا کرده باشد. (۲) در صورتی که قصد تبرع نداشته باشد.

- (۳) در صورتی که مجاز در عقد ضمان باشد. (۴) در صورتی که سه شرط فوق وجود داشته باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۴» ضامن در صورتی حق رجوع به مضمون‌عنه را دارد که همه شرایط فوق محرز باشد.



که مثال ۲۳: اگر ضمان به اذن مضمون عنه ولی پرداخت بدون اذن او باشد؟

- (۱) ضمان صحیح است، چون وفای به عهد می‌باشد و اذن در ضمان، اذن در تأدیه نیز می‌باشد.
- (۲) ضمان باطل است، چون پرداخت تبرعی است و اذن در ضمان، اذن در تأدیه نیست.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) پرداخت دین طبیعی است.

☒ پاسخ: گزینه «۱» بنابر آن چه در مورد اثر ضمان نقل ذمه گفته شد، ضمان در حکم وفای به عهد است و اذن در ضمان حاوی اذن در پرداخت نیز می‌باشد.

که مثال ۲۴: مالکیت ما فی الذمه ضامن:

- (۱) موجب برائت است و تهاتری است قهری
- (۲) موجب برائت نیست، چون ضمان عقدی مستقل است.
- (۳) موجب برائت است و تهاتری است قراردادی
- (۴) موجب برائت نیست، چرا که عقد ضمان عقدی است تبعی

☒ پاسخ: گزینه «۱» مالکیت ما فی الذمه باعث می‌شود که قهراً نسبت به دین ضامن به مضمون له تهاتر ایجاد گردد.

که مثال ۲۵: حکم ضمان به بیشتر از دین چیست؟

- (۱) صحیح است در صورتی که مضمون عنه اذن داده باشد.
- (۲) صحیح است، حتی اگر مضمون عنه اذن نداده باشد.
- (۳) باطل است در صورتی که مضمون له اذن داده باشد.
- (۴) صحیح است در صورتی که مضمون له اذن داده باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۷۱۴ قانون مدنی، اگرچه ضامن بیشتر از میزان دین به مضمون له پرداخت کرده باشد، فقط می‌تواند همان مبلغ اصلی را از مضمون عنه دریافت کند، مگر این که مضمون عنه خود به میزان بیشتر اذن داده باشد.

که مثال ۲۶: حکم ضمان از دین موجل مطابق قانون مدنی چیست؟

- (۱) باطل است.
 - (۲) صحیح است و ضامن می‌تواند حتی قبل از موعد معین به مضمون عنه رجوع نماید.
 - (۳) باطل است مگر با توافق
 - (۴) صحیح است اما ضامن نمی‌تواند قبل از موعد معین به مضمون عنه رجوع نماید.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» مطابق قانون مدنی ضمان حال از دین موجل ممکن است، ولی ضامن قبل از موعد معین نمی‌تواند به مضمون عنه رجوع کند همین طور است اگر ضمان مدت داشته، لکن کمتر از مدت دین اصلی باشد.

که مثال ۲۷: در صورت تعدد ضامن‌ها، اگر سهم هر یک مشخص نباشد:

- (۱) اصل بر تساوی است و تضامن بر خلاف اصل است.
- (۲) اصل بر تضامن است و تساوی بر خلاف اصل است.
- (۳) ضمان به صورت وثیقه‌ای و طولی است.
- (۴) ضمان به صورت عرضی می‌باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۱» از آنجا که تضامن خلاف اصل است، در این حالت حکم به تساوی داده می‌شود.

که مثال ۲۸: اگر شخصی ضامن مدیون شود و دیگری نیز از ضامن ضمانت کند این ضمان از نوع می‌باشد.

- (۱) ضمان دور
- (۲) ضمان ترامی
- (۳) ضمان عهده
- (۴) ضمان وثیقه‌ای

☒ پاسخ: گزینه «۲» عنوان دیگر ضمان ترامی، همان تسلسل است.

که مثال ۲۹: منظور از ضمان به صورت ترامی چیست؟

- (۱) منظور این است که یک نفر از بدهکار اصلی ضمانت کند، دیگری از ضامن ضمانت کند و دیگری ضامن ضامن شده و...
- (۲) منظور این است که یک نفر از بدهکار اصلی ضمانت کند و بدهکار اصلی از ضامن ضمانت کند.
- (۳) به ضمان به صورت دور ضمان ترامی می‌گویند.
- (۴) هیچ کدام

☒ پاسخ: گزینه «۱» اگر ضامن از مضمون عنه و باز کسی از ضامن ضمانت کند و به همین ترتیب پیش رود، ضمان از نوع ترامی یا تسلسل است.



❏ مثال ۳۰: مبنای امانت قراردادی و شرعی به ترتیب:

- (۱) اذن در قراردادی، قرارداد و اذن در شرعی
(۲) قرارداد و اذن در شرعی، قرارداد در قراردادی
(۳) در قراردادی صرف اذن و در شرعی صرف اذن
(۴) در قراردادی، قرارداد و در شرعی، اذن
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» در امانت قراردادی، مبنای امانت، توافق یا همان قرارداد و در امانت شرعی، اذن شارع یا حاکم می‌باشد.

❏ مثال ۳۱: کدام گزینه از اوصاف عقد ودیعه نیست؟

- (۱) در ودیعه باید عین مال به مالک مسترد گردد.
(۲) قبول امین صرفاً باید به لفظ باشد.
(۳) اگر مال مثلی هم باشد، باز هم باید عین مال به مالک برگشت داده شود.
(۴) گزینه ۱ و ۳
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مستند به ماده ۶۰۸ قانون مدنی.

❏ مثال ۳۲: ودیعه‌ای که صغیر غیرممیز منعقد نماید، در صورت تنفیذ ولی:

- (۱) باطل
(۲) صحیح
(۳) غیرنافذ
(۴) غیر قابل استناد
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» ودیعه‌ای که صغیر غیرممیز منعقد می‌نماید، حتی در صورت تنفیذ ولی، به دلیل فقدان قصد باطل است.

❏ مثال ۳۳: در عقد ودیعه و در صورت تلف مال:

- (۱) ید مستودع ضمانی است.
(۲) تقصیر مفروض نیست.
(۳) با اثبات عدم انتساب فعل به مستودع، مسئولیتی متوجه مستودع نیست.
(۴) گزینه ۲ و ۳
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» ید مستودع امانی است و تقصیر او مفروض نمی‌باشد. لذا در صورت تلف مال با اثبات عدم انتساب فعل به خود، مسئولیتی ندارد.

❏ مثال ۳۴: ضابطه رفتار امین:

- (۱) ضابطه‌ای نوعی است.
(۲) ضابطه‌ای شخصی است.
(۳) ضابطه‌ای نوعی و عرفی است.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» یعنی تا حدی که عرف برای حفاظت از این مال تلاش می‌کند، امین هم باید تلاش نماید.

❏ مثال ۳۵: تعهد امین به حفظ مال ودیعه:

- (۱) تعهد به نتیجه است.
(۲) تعهد به وسیله است.
(۳) اصولاً تعهد به نتیجه است.
(۴) اصولاً تعهد به وسیله است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» تعهد امین تعهد به وسیله است و صرفاً باید در حفظ مال کوشش عرفی نماید.

❏ مثال ۳۶: اگر مال در دست امین تلف شود اما آن را بیمه نموده باشد:

- (۱) هم درباره جبران خسارت مسئولیت دارد و هم نمی‌تواند خسارت پرداختی بیمه را تملک نماید.
(۲) درباره جبران خسارت مسئولیت ندارد اما نمی‌تواند خسارت پرداختی بیمه را تملک نماید.
(۳) درباره جبران خسارت مسئولیت ندارد و می‌تواند خسارت پرداختی بیمه را نیز تملک نماید.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر امین مال را بیمه کند و سپس مال در اثر حادثه خارجی تلف شود، در این صورت امین درباره جبران خسارت مسئولیتی ندارد ولی نمی‌تواند خسارتی که بیمه پرداخته را تملک نماید.

❏ مثال ۳۷: کدام گزینه در مورد عاریه صحیح است؟

- (۱) عقدی است مبتنی بر تملیک منفعت
(۲) عقدی است مبتنی بر حق انتفاع
(۳) عقدی است مبتنی بر اجازه انتفاع
(۴) عقدی است مبتنی بر اباحه انتفاع
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در حقیقت در عاریه اجازه انتفاع به وجود می‌آید و تملیک منفعت یا دادن حق انتفاع اثر عقد نیست.



❏ مثال ۳۸: موضوع عقد عاریه می‌تواند..... باشد.

(۱) مال مصرف شدنی یا قابل بقا باشد.

(۲) مال مصرف شدنی باشد.

(۳) مال قابل بقا باشد.

(۴) اصولاً باید قابل بقا باشد، اما می‌توان مال مصرف شدنی را نیز با توافق قابلیت بقا داد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در عاریه موضوع باید قابل بقا باشد، در غیر این صورت اباحه‌ی انتفاع است، اما می‌توان با توافق قابلیت بقا، مال مصرفی شدنی را موضوع عقد عاریه قرارداد.

❏ مثال ۳۹: در عاریه طلا و نقره:

(۱) در مسکوکات مستعیر ضامن و در غیر مسکوکات مسئولیت ندارد.

(۲) در غیر مسکوکات مستعیر ضامن و در مسکوکات مسئولیت ندارد.

(۳) اعم از مسکوکات و غیر مسکوکات مستعیر ضامن است.

(۴) نمی‌توان شرط عدم ضمان نمود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۶۴۴ قانون مدنی، در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است.

❏ مثال ۴۰: مطابق قانون مدنی، عاریه منحه:

(۱) تملیک منفعت است.

(۲) اباحه منفعت است.

(۳) اجازه در انتفاع است.

(۴) باطل است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق قانون چون منحه مال مصرف شدنی است، اباحه انتفاع می‌باشد، اما به نظر فقها عاریه دادن آن استثنائاً صحیح است.

❏ مثال ۴۱: هزینه‌های انتفاع از مال مورد عاریه:

(۱) مطلقاً بر عهده مستعیر است.

(۲) اصولاً بر عهده مستعیر است.

(۳) مطلقاً بر عهده معیر است.

(۴) اصولاً بر عهده معیر است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» هزینه‌هایی که برای استفاده بهتر از مال است، اصولاً بر عهده مستعیر است، مگر خلاف آن شرط شود.

❏ مثال ۴۲: عقود مبتنی بر مسامحه از جمله عاریه دارای قواعد:

(۱) عموماً آمره‌ای است.

(۲) مطلقاً تکمیلی است.

(۳) عموماً تکمیلی است.

(۴) مطلقاً آمره‌ای است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» عقود مسامحه‌ای عموماً و بیشتر از قواعد تکمیلی برخوردار هستند و می‌توان در غیر از مواردی اندک با توافق برخلاف آن تراضی نمود.



آزمون فصل اول

که ۱- عقد ضمان در صورتی صحیح است که:

- (۱) سبب دین ایجاد شده باشد.
- (۲) ضامن مال دار باشد.
- (۳) مقدار دین برای ضامن معلوم باشد.
- (۴) دین حال باشد.

که ۲- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اگر بعد از ضمان، مضمون له به مضمون عنه مدیون شود، ضامن بری نمی شود.
- (۲) تعلیق ضمان به شرایط صحت آن، موجب بطلان آن نمی شود.
- (۳) ضمان مؤجل به فوت ضامن حال نمی شود.
- (۴) هیچ کدام

که ۳- اذن مضمون عنه در عقد ضمان چه تأثیری دارد؟

- (۱) اذن او شرط صحت عقد است.
- (۲) عدم اذن او مانع رجوع ضامن به او می شود.
- (۳) اذن او شرط نفوذ عقد است.
- (۴) هیچ تأثیری ندارد.

که ۴- در کدام یک از انواع ضمان، اقاله امکان پذیر است؟

- (۱) ضمان نقل ذمه (مطلق)
- (۲) تضامنی
- (۳) وثیقه‌ای
- (۴) گزینه ۲ و ۳

که ۵- ضمان عقدی است.....

- (۱) عینی
- (۲) معوض
- (۳) جایز
- (۴) اصلی و مستقل

که ۶- اگر قراردادی که مبنای عقد ضمان است فسخ شود،.....

- (۱) ضمان باطل می شود.
- (۲) ضامن بری می شود.
- (۳) ضمان همچنان باقی می ماند.
- (۴) ضامن حق فسخ دارد.

که ۷- هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند، ضمانت کدام یک صحیح است؟

- (۱) هر کدام را که مدیون اصلی بپذیرد.
- (۲) هر کدام را که مضمون له قبول کند.
- (۳) اولین کسی که ضمانت کرده.
- (۴) آخرین کسی که ضمانت کرده.

که ۸- با عقد ضمان، تضمینات دین

- (۱) باقی می ماند.
- (۲) با دین به ضامن منتقل می شود.
- (۳) باقی نمی ماند.
- (۴) اختیار با مدیون است.

که ۹- در کدام یک از حالات زیر، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را از دست می دهد؟

- (۱) حواله طلب از طرف مضمون له به ثالث
- (۲) ضامن مالک مافی الذمه‌ی خود شود.
- (۳) صلح ضامن با مضمون له نسبت به تمام دین
- (۴) حواله دین از طرف ضامن به ثالث

که ۱۰- مضمون صحت عقد ضمان چیست؟

- (۱) مضمون عنه زنده باشد.
- (۲) ضامن، ملی باشد.
- (۳) تعهد مضمون عنه، مالی باشد.
- (۴) ضامن و مضمون عنه توافق کرده باشند.

که ۱۱- در رابطه با قلمرو ضمان درک، کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) ضمان درک ویژه‌ی عین معین است.
- (۲) در رابطه با ثمن هم در صورتی که عین معین باشد، مقررات ضمان درک حاکم است.
- (۳) ضمان درک در کلی فی الذمه هم وجود دارد.
- (۴) هیچ کدام

که ۱۲- در اثر انعقاد عقد ضمان در قانون مدنی، چه اتفاقی رخ می دهد؟

- (۱) نقل ذمه به ذمه
- (۲) ضم به ذمه به ذمه
- (۳) ختم التزام به ذمه
- (۴) نقل ذمه به التزام



کدام ۱۳- مراد از امانت شرعی چیست؟

- (۱) امانتی است که از اذن ضمنی شارع در تنفیذ اذن و معاملات مالک ناشی می‌شود و می‌تواند به صورت اذن صریح و ابتدایی شارع باشد.
- (۲) امانتی است که از اذن صریح و ابتدایی شارع ناشی می‌شود.
- (۳) امانتی است که از اذن ضمنی و تنفیذی شارع ناشی می‌شود.
- (۴) امانتی است که وکیل در رابطه با مال مورد وکالت اعمال می‌کند.

کدام ۱۴- در رابطه‌ی ضمان مستعیر، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط
- (۲) مستعیر ضامن تلف و نقصان مال عاریه در هر صورت می‌باشد.
- (۳) مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط ولی در عاریه طلا و نقره مستعیر ضامن است.
- (۴) مستعیر در هر حال ضامن نیست و شرط ضمان نیز باطل است.

کدام ۱۵- در رابطه با ضمان ناشی از منقضت ناشی از صرف استعمال بر مستعیر کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در هیچ صورتی مستعیر ضامن منقضت ناشی از صرف استعمال نیست و در صورت شرط این امر، شرط باطل است.
- (۲) اگر به مستعیر شرط شود، چنین شرطی نافذ است و ضامن این منقضت نیز خواهد بود.
- (۳) مستعیر مسئول منقضت ناشی از استعمال عاریه نیست حتی در فرض که در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد.
- (۴) مستعیر در هر صورت ضامن نقصان ناشی از صرف استعمال است.

کدام ۱۶- کدام یک از عقود ذیل مجانی است؟

- (۱) عاریه
- (۲) ودیعه
- (۳) هبه
- (۴) هرسه

کدام ۱۷- اثر حقوقی قبض در عقد ودیعه چیست؟

- (۱) قبض شرط لزوم ودیعه است
- (۲) قبض شرط صحت ودیعه است.
- (۳) قبض شرط نفوذ ودیعه است.
- (۴) هیچ کدام

کدام ۱۸- در تعریف عقد ودیعه، کدام یک از عبارات زیر را مناسب می‌دانید؟ ودیعه عقدی است که:

- (۱) به موجب آن شخص امین از مال دیگری حفاظت نموده و حق الزحمه خود را دریافت دارد.
- (۲) طبق آن مالک یا نماینده او رأساً دیگری را موظف به نگهداری مال و انتقال منافع به مالک مال می‌نماید.
- (۳) طی آن مالک یا نماینده او از دیگری می‌خواهد از مال او به طور مجانی نگهداری کند و مورد قبول واقع شود.
- (۴) طی آن مالک حق استفاده از مال خود را به دیگری تفویض می‌کند.

کدام ۱۹- کدام یک از اشخاص ذیل می‌توانند مالی را به ودیعه گذارند؟

- (۱) مالک مال
- (۲) قائم مقام مالک
- (۳) کسی که به طور ضمنی از جانب مالک مجاز باشد.
- (۴) هرسه مورد

کدام ۲۰- چنانچه برای عقد ودیعه مدت تعیین شود، این امر چه اثری دارد؟

- (۱) عقد را لازم می‌گرداند و هیچ یک از طرفین قبل از انقضای مدت، حق به هم زدن عقد را ندارد.
- (۲) هیچ اثری ندارد و هریک از طرفین هر زمان بخواهد می‌تواند عقد را برهم بزند.
- (۳) اگر مدت به صورت شرط باشد، عقد را لازم می‌گرداند والا اثری ندارد.
- (۴) مستودع نمی‌تواند قبل از انقضای مدت عقد را برهم بزند، ولی مودع هر زمان بخواهد می‌تواند عقد را به هم بزند.

کدام ۲۱- تعهد امین در حفاظت از مورد ودیعه، چه نوع تعهدی است؟

- (۱) تعهد تضمین نتیجه
- (۲) تعهد غیرقراردادی
- (۳) تعهد به وسیله
- (۴) تعهد به نتیجه

کدام ۲۲- تبدیل وضع حقوقی مستودع در اثر تقصیر او چه اثری در عقد می‌گذارد؟

- (۱) باعث انفساخ عقد می‌شود.
- (۲) باعث بطلان عقد می‌شود.
- (۳) باعث قطع اذن در عقد ودیعه می‌شود.
- (۴) هیچ کدام

کدام ۲۳- منافع حاصل از ودیعه از آن کیست؟

- (۱) منافع متصله از آن مالک است.
- (۲) منافع منفصله و متصله از آن مالک است.
- (۳) منافع از آن امین است.
- (۴) منافع منفصله و متصله از آن امین است.

❏ ۲۴- هزینه رد مال ودیعه بر عهده کیست؟

- (۱) مودع (۲) مستودع (۳) هردو به تساوی (۴) بر طبق عرف مشخص می‌شود.

❏ ۲۵- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در عقد عاریه مال مورد عاریه به تملک مستعیر درمی‌آید و هنگام رد باید عین آن را به معیر تسلیم کند.
(۲) منافع مال مورد عاریه به مستعیر تملیک می‌شود.
(۳) مستعیر اجازه انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.
(۴) مستعیر حق انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.

❏ ۲۶- کدام یک از موارد ذیل شرط صحت عاریه نیست؟

- (۱) اهلیت معیر (۲) مالکیت معیر نسبت به منافع (۳) مالکیت معیر نسبت به عین (۴) موجود بودن منافع

❏ ۲۷- کدام گزینه غلط است؟

- (۱) هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک از مالیت باشد، تقسیم ممنوع است، اگر چه شرکا تراضی نمایند.
(۲) کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد، نمی‌تواند مانع از تقسیم آن ملک شود.
(۳) عاریه‌دهنده باید مالک عین و منافع مالی باشد که عاریه می‌دهد.
(۴) هر سه مورد

❏ ۲۸- عاریه چه نوع عقدی است؟

- (۱) لازم (۲) جایز (۳) عینی (۴) گزینه ۲ و ۳

❏ ۲۹- عقد عاریه:

- (۱) به سفته معیر منفسخ می‌شود.
(۲) به موت مستعیر منفسخ می‌شود.
(۳) به موت مستعیر منفسخ می‌شود.
(۴) در همه موارد سه گانه فوق منفسخ می‌شود.

❏ ۳۰- مستعیر مسئول چه نواقصی در مال عاریه است؟

- (۱) منقصت ناشی از استعمال مال عاریه
(۲) منقصت ناشی از استعمال در غیر مورد اذن
(۳) منقصت ناشی از استعمال غیر
(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ ۳۱- در کدام مورد مستعیر ضامن است؟

- (۱) هر حال ضامن است.
(۲) در صورتی ضامن است که نقره مسکوک باشد.
(۳) در صورتی ضامن است که شرط ضمان شده باشد.
(۴) در صورتی ضامن است که تعدی و تفریط کرده باشد.

❏ ۳۲- در عاریه طلا و نقره، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستعیر ضامن نیست، مگر این که شرط ضمان شده باشد.
(۲) مستعیر ضامن نیست، حتی اگر شرط ضمان شده باشد.
(۳) مستعیر ضامن نیست، حتی اگر تعدی و تفریط کرده باشد.
(۴) مستعیر ضامن است، هر چند ضمان نشده و تعدی و تفریط هم نکرده باشد.

❏ ۳۳- مخارج لازم برای انتفاع از مال عاریه بر عهده کیست؟

- (۱) معیر (۲) مستعیر
(۳) هر دو به تساوی (۴) اصولاً طبق عرف و عادت تعیین می‌شود.

❏ ۳۴- مستعیر منافع مال مورد عاریه را اجاره می‌دهد، این اجاره دارای چه حکمی می‌باشد؟

- (۱) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به مستعیر می‌باشد.
(۲) اجاره باطل است.
(۳) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به معیر می‌باشد.
(۴) اجاره غیرنافذ است.

❏ ۳۵- ضمان از اعیان امانی قبل از تعدی و تفریط..... است.

- (۱) صحیح (۲) باطل
(۳) غیرنافذ (۴) دین آینده است و صحیح نمی‌باشد.



فصل دوم

«عقد حواله»

تست‌های تألیفی فصل دوم

که مثال ۱: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) معوض است (۲) تبعی است (۳) جایز است (۴) یک ایجاب و دو قبول دارد.
- پاسخ: گزینه «۳» حواله عقدی است لازم و این لزوم نسبت به هر سه طرف بوده و هیچ‌یک نمی‌توانند عقد را بر هم زنند. ☒

که مثال ۲: حق فسخ محتال ناظر به اعسار محال‌علیه، مطابق قانون:

- (۱) مربوط به اعسار قبل از عقد است. (۲) مربوط به اعسار حین عقد است. (۳) مربوط به اعسار پس از عقد است. (۴) اعسار محال‌علیه در همه حال است.
- پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۷۲۹ قانون مدنی، زمانی اختیار فسخ ایجاد می‌گردد که محال‌علیه در حین عقد معسر باشد. ☒

که مثال ۳: ماهیت حقوقی حواله برابر نوعی می‌باشد.

- (۱) انتقال دین (۲) ضمانت (۳) انتقال طلب (۴) گزینه ۱ و ۲
- پاسخ: گزینه «۴» چون محیل طلبی ندارد، محال‌علیه تنها به جای مدیون نشسته و دین او را ادا می‌کند که شباهت بسیاری با ضمانت یا انتقال دین دارد. ☒

که مثال ۴: مدیون بودن محال‌علیه در عقد حواله

- (۱) شرط لزوم عقد است. (۲) شرط تحقق و لزوم حواله است. (۳) شرط صحت حواله است. (۴) شرط نیست.
- پاسخ: گزینه «۴» هر چند به طور معمول محال‌علیه، مدیون محیل است، ولی این مسئله هیچ ضرورتی در حواله ندارد و حواله می‌تواند بر عهده محال‌علیه بری صادر شود. یعنی محال‌علیه‌ای که به محیل بدهکار نباشد. می‌توان گفت که حواله دو قسم است یا انتقال دین است به این معنا که ذمه‌ی محیل بری می‌شود و به جای آن ذمه‌ی محال‌علیه مشغول می‌گردد و یا انتقال طلب است به این معنا که طلبی که محیل از محال‌علیه داشته حالا به محتال منتقل شده است، یعنی به جای محیل، محتال از محال‌علیه طلبکار است. ☒

که مثال ۵: اطراف اصلی حواله چه کسانی هستند؟

- (۱) محال‌علیه و محیل (۲) محیل و محتال (۳) محیل، محتال و محال‌علیه (۴) محتال و محال‌علیه
- پاسخ: گزینه «۳» از آنجا که ماده ۷۲۵ قانون مدنی رضای محتال و قبول محال‌علیه را در عرض یکدیگر قرار داده، معلوم می‌شود حواله علاوه بر ایجاب که توسط محیل گفته می‌شود، نیازمند دو قبول است که توسط محتال و محال‌علیه گفته خواهد شد و هر دو قبول شرط تحقق حواله است. ☒

که مثال ۶: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) باید سبب دین ایجاد شده باشد (۲) لازم نیست محال‌علیه مال دار باشد. (۳) علم اجمالی به مقدار دین کافی است. (۴) تردید در موضوع حواله سبب بطلان است.
- پاسخ: گزینه «۳» موضوع حواله باید معلوم باشد و عدم علم به موضوع معامله در موارد خاص باید توسط قانون‌گذار تصریح شود، بنابراین چون حواله از موارد خاص نیست و تصریحی نسبت به این مورد وجود ندارد، علم کامل نسبت به موضوع حواله لازم است. ☒

که مثال ۷: در حواله به غیر جنس تضمینات سابق و در صورتی که حواله از همان جنس باشد

- (۱) منحل نمی‌شود - انحلال ترجیح دارد. (۲) منحل نمی‌شود - منحل نمی‌شود. (۳) منحل می‌شود - منحل نمی‌شود. (۴) منحل می‌شود - انحلال ترجیح دارد.
- پاسخ: گزینه «۴» هرگاه حواله به جنس دیگری باشد، مفهوم آن انحلال دین سابق و تبدیل آن به دین جدید است. بنابراین طبیعی است که با انحلال دین سابق تضمینات نیز از بین خواهد رفت. ☒

❏ مثال ۸: کدام یک از خيارات زیر در عقد حواله وجود دارد؟

- (۱) خيار فسخ به علت اعسار، خيار تخلف از شرط
(۲) خيار فسخ به علت اعسار و خيار تأخير ثمن
(۳) خيار تخلف از شرط، خيار شرط
(۴) خيار تخلف از شرط، خيار شرط و خيار فسخ، به علت اعسار
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خيار تأخير ثمن ویژه عقد بيع است، اما ساير خيارات ذکر شده در عقد حواله موجود است.

❏ مثال ۹: محال عليه بریء در حکم است.

- (۱) وکیل (۲) ضامن (۳) کفیل (۴) برات گیر

❑ پاسخ: گزینه «۲» با توجه به اینکه بعد از تحقق حواله دین محیل به محتال ساقط می‌شود و تنها محال علیه به عنوان مدیون اصلی شناخته می‌شود، بنابراین او را وکیل نمی‌توان دانست، بلکه ضامن است. کفیل نبودن او نیز روشن است. اما در مورد برات گیر باید گفت: برات نهادی است مشابه حواله در حقوق تجاری که احکام و مسئولیت‌های آن با حواله در قانون مدنی متفاوت است و تنها به خاطر شباهت ظاهری نمی‌توان گفت در حکم آن باشد.

❏ مثال ۱۰: در هنگام اختلاف در دین محیل به محتال و نیز هنگام اختلاف در دین محال علیه به محیل طبق قانون در هر مورد کدام صحیح است؟

- (۱) اصل برائت حاکم است - ظاهر بر اصل حاکم است.
(۲) در هر دو اصل برائت حاکم است.
(۳) ظاهر بر اصل حاکم است، اما برائت حاکم است.
(۴) در هر دو ظاهر بر اصل برائت حکومت دارد.

❑ پاسخ: گزینه «۴» هر چند عده‌ای از فقها در این دو مورد اصل برائت را حاکم دانسته و محیل و محال علیه را در فرض اختلاف مدیون نمی‌دانند، اما قانون مدنی ما با توجه به عرف موجود و نیز با توجه به ماده ۲۶۵ قانون مدنی: «هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است، بنابراین اگر کسی چیزی بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.» پرداخت را ظاهر در عدم تبرع می‌داند یعنی اگر شخصی مالی به دیگری پرداخت، ظهور بر این دارد که دینی را پرداخت کرده است، بنابراین در هر دو مورد ظهور در پرداخت دین بر اصل برائت و اصل عدم ترجیح و حکومت دارد.

❏ مثال ۱۱: در حواله محیل به محتال مدیون باشد، ولی محال علیه به محیل مدیون نباشد.

- (۱) می‌تواند - نمی‌تواند (۲) باید - می‌تواند (۳) نباید - باید (۴) باید - نمی‌تواند.

❑ پاسخ: گزینه «۲» حواله برای ایفای دین به کار می‌رود، بنابراین وجود دین محیل به محتال از ارکان اصلی عقد حواله است و اگر محیل هدفی جز پرداخت دین داشته باشد، عمل حقوقی انجام شده را نباید «حواله» نامید (رجوع کنید ماده ۷۲۶ و ماده ۷۲۷ قانون مدنی).

❏ مثال ۱۲: موارد انحلال حواله عبارت است از:

- (۱) بطلان، فسخ، تفاسخ، اقاله (۲) تفاسخ، فسخ، بطلان (۳) بطلان، تفاسخ، اقاله (۴) بطلان، اقاله
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» تفاسخ و اقاله به یک معناست و موارد انحلال حواله عبارتند از: بطلان، فسخ، اقاله

❏ مثال ۱۳: کدام یک از خيارات در عقد حواله جاری نمی‌شود؟

- (۱) خيار مجلس (۲) خيار شرط (۳) خيار تخلف از شرط (۴) ۲ و ۳

❑ پاسخ: گزینه «۱» ماده ۷۳۲ و مفاد ماده ۷۳۳ خيارات وارد در حواله را به اعسار و خيار فسخ محدود کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد نمی‌توان وجود خيار تخلف از شرط را در حواله انکار کرد. به خصوص که در مورد ضمان که نهادی مشابه است تصریح به وجود این خيار شده است. به علاوه باید توجه داشت که خيار مجلس از خيارهای عقد بيع است.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) اقاله حواله ممکن است و اراده هر سه طرف لازم است.
(۲) اعسار محال علیه هنگام عقد به محتال حق فسخ می‌دهد.
(۳) اگر بيع مبنای حواله باطل باشد، حواله باطل نمی‌شود.
(۴) اگر بيع مبنای حواله فسخ شود، حواله فسخ نخواهد شد.

❑ پاسخ: گزینه «۳» در صورت بطلان معامله پایه که حواله بر مبنای آن ایجاد شده، حواله نیز باطل می‌شود، زیرا حواله سبب خود را از دست داده است اما در مورد فسخ معامله به یکی از دلایل، حواله به عقیده مشهور مؤلفان همچنان پا بر جاست و منفسخ نمی‌شود.



آزمون فصل دوم

که ۱- ماهیت عقد حواله چیست؟

- (۱) تبدیل تعهد از راه تبدیل داین
- (۲) تبدیل تعهد از راه تبدیل مدیون
- (۳) تبدیل تعهد از راه تبدیل داین و مدیون
- (۴) هیچ کدام

که ۲- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) شرط تحقق حواله، مدیون بودن محیل به محتال است.
- (۲) حواله عقدی است اصلی
- (۳) در حواله به شخص ثالث محتال گویند.
- (۴) هیچ کدام

که ۳- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اوصاف دین حواله مالی و عین معین بودن است.
- (۲) مقدار، جنس و موضوع حواله باید برای طرفین معین باشد.
- (۳) حواله عقدی است لازم.
- (۴) حواله عقدی است سه طرفه.

که ۴- اگر در عقد اجاره، مستأجر حواله داده باشد که موجر، اجاره‌بها را از محال علیه دریافت کند و بعد معلوم گردد اجاره باطل بوده است:

- (۱) حواله باطل است.
- (۲) حواله صحیح است.
- (۳) حواله غیرنافذ است.
- (۴) هیچ کدام

که ۵- هرگاه در زمان حواله، محال علیه، معسر باشد، محتال

- (۱) حق فسخ حواله را دارد.
- (۲) حق فسخ حواله را ندارد.
- (۳) در صورتی حق فسخ حواله را دارد که نسبت به اعسار محال علیه جاهل بوده باشد.
- (۴) در صورتی حق فسخ حواله را دارد که محیل نسبت به اعسار محال علیه عالم بوده باشد.

فصل سوم

«عقد کفالت»

تست‌های تألیفی فصل سوم

که مثال ۱: عقد کفالت:

- (۱) عقدی لازم است.
(۲) عقدی جایز است.
(۳) از طرف کفیل لازم و از طرف مکفول له جایز است.
(۴) از طرف کفیل جایز و از طرف مکفول له لازم است.
- پاسخ: گزینه «۳» کفالت از جمله عقود دو وجهی است که از طرف کفیل لازم اما از طرف مکفول له جایز است. ☒

که مثال ۲: کدام گزینه در مورد عقد کفالت غلط است؟

- (۱) معوض است
(۲) از یک طرف لازم و از یک طرف جایز است
(۳) تبعی است
(۴) قائم به شخص کفیل است
- پاسخ: گزینه «۱» کفالت عقدی بر مبنای مسامحه است که در آن کفیل در برابر تعهد به احضار مکفول هیچ پاداش یا عوضی دریافت نمی‌کند و مکفول له نیز تعهدی پیدا نمی‌کند. بنابراین معوض نیست. ☒

که مثال ۳: اذن مدیون به پرداخت دین در دو عقد ضمان و کفالت چه اثری دارد؟

- (۱) در هر دو حق رجوع به مدیون را سبب می‌شود
(۲) در ضمان بی اثر ولی در کفالت حق رجوع به پرداخت کننده می‌دهد
(۳) در هر دو بی اثر است
(۴) در کفالت بی اثر ولی در ضمان حق رجوع به پرداخت کننده می‌دهد
- پاسخ: گزینه «۲» در عقد ضمان دین از عهده مدیون به عهده ضامن منتقل می‌شود و پس از آن مدیون اصلی همچون بیگانه‌ای است که اذن می‌دهد، چون دینی بر عهده او نیست، ولی در کفالت مدیون اصلی (مکفول) همچنان دین را بر عهده دارد. پس اذن او همچنان مؤثر است. ☒

که مثال ۴: اگر شخصی مدیون را از دست طلبکار فراری دهد، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کفیل حکمی بوده و مکفول له می‌تواند او را مجبور به پرداخت دین کند.
(۲) کفیل قراردادی بوده و مکفول له فقط می‌تواند او را مجبور به احضار مدیون نماید.
(۳) کفیل حکمی بوده و در صورتی که فراری دادن با اذن خود مدیون باشد، اذن به تأدیه دین محسوب نمی‌شود.
(۴) کفیل قراردادی بوده و در صورتی که فراری دادن با اذن خود مدیون باشد اذن به تأدیه دین نیز محسوب می‌شود.
- پاسخ: گزینه «۳» تعریف کفیل حکمی یا قهری در ماده ۷۴۵ قانون مدنی آمده است. اذن به تأدیه دین باید تصریح شود و اذن در فراری دادن ملازمه با آن ندارد. یعنی رضایت مکفول به فراری دادن او، دلیل رضایت به پرداخت دین او نیست. ☒

که مثال ۵: توانایی تسلیم کفیل در عقد کفالت:

- (۱) مطلقاً شرط است.
(۲) مطلقاً شرط نیست.
(۳) احتمال توانایی تسلیم کافی است.
(۴) گزینه ۲ و ۳
- پاسخ: گزینه «۳» از آن جا که در حقوق کنونی سلطه بر احضار مدیون و متهم تنها از عهده مقامات عمومی بر می‌آید لذا احتمال توانایی تسلیم کافی است. ☒

که مثال ۶: در کفالت مطلق، دین کفیل:

- (۱) اصولاً موجد است.
(۲) اصولاً معلق است.
(۳) حال است.
(۴) مطلقاً معلق است.
- پاسخ: گزینه «۳» در کفالت مطلق اصل بر فوری و حال بودن دین کفیل است. ☒

که مثال ۷: چنانچه محل احضار در عقد کفالت معلوم نباشد.....

- (۱) عقد کفالت باطل است.
(۲) مکان باید به تراضی طرفین مشخص شود.
(۳) محل وقوع عقد محل احضار واقع می‌شود.
(۴) تعیین محل با مکفول له است.
- پاسخ: گزینه «۳» رجوع شود به ماده ۷۴۲ قانون مدنی: «اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشد، کفیل باید مکفول را در محل عقد تسلیم کند، مگر این که عقد منصرف به محل دیگر باشد.» ☒



که مثال ۸: هرگاه کفیل، مکفول را مطابق شرایط مقررہ احضار کند و مکفول له از قبول او امتناع نماید.....

- (۱) کفیل بری می‌شود.
(۲) کفیل باید شاهد بگیرد و سپس به حاکم مراجعه کند.
(۳) کفیل با اشهداد یا مراجعه به حاکم بری می‌شود.
(۴) کفیل باید دوباره مراجعه کند به مکفول له

پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۷۴۷ قانون مدنی کفیل مخیر است یکی از دو راه اشهداد یا مراجعه به حاکم را انتخاب کند و انجام هر دو امر لازم نیست. ☒

که مثال ۹: تفاوت وجه التزام کفیل با تعهد کفیل به پرداخت دین در صورت عدم توانایی احضار مکفول:

- (۱) وجه التزام بدل از تعهد اما تعهد به پرداخت دین تعهدی جدید در نتیجه تقصیر است.
(۲) وجه التزام تعهد جدید ناشی از تقصیر به پرداخت دین بدل از تعهد است.
(۳) هر دو تعهد جدید ناشی از تقصیر هستند.
(۴) هر دو بدل از تعهد می‌باشند.

پاسخ: گزینه «۱» تفاوت در این است که ادای دین مکفول توسط کفیل بدل قانونی تعهد به احضار نیست، بلکه تعهدی جدید در نتیجه تقصیر است اما وجه التزام بدل از تعهد احضار است که هنگام عقد به صورت مقطوع تعیین می‌شود. ☒

که مثال ۱۰: در ادای دین توسط کفیل به جای مکفول:

- (۱) باید ادای دین به میزان دین باشد.
(۲) اصولاً به میزان دین است.
(۳) می‌تواند کمتر یا بیشتر باشد.
(۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۴» در ادای دین، اصل برائت و عدم زیاده، مقدار و میزان دین ملاک است، اما براساس آزادی اراده می‌توان بیشتر یا کمتر نیز توافق نمود. ☒

که مثال ۱۱: در کفالت اذن پرداخت توسط مکفول به کفیل چه اثری دارد؟

- (۱) مانند اذن بیگانه‌ای است که به مدیون داده شود و بی اثر است.
(۲) مانند این است که از بیگانه‌ای درخواست پرداخت توسط مدیون مطرح شود و پرداخت‌کننده حق رجوع دارد.
(۳) همانند عقد ضمان است.
(۴) اذن در کفالت اذن در پرداخت دین است حتی قبل موعد احضار.

پاسخ: گزینه «۲» می‌توان این مفهوم را از ماده ۷۵۱ قانون مدنی برداشت نمود. ☒

که مثال ۱۲: کدام گزینه در مورد کفالت صحیح نیست؟

- (۱) کفالت مطلقاً باید در زمان و مکان مقرر به عمل آید (احضار مکفول)
(۲) احضار مکفول می‌تواند خارج از زمان و مکان مقرر به عمل آید.
(۳) ایفای تعهد کفیل از جانب دیگران نیز صحیح است.
(۴) اگر مکفول له، کفیل را ابراء کند، کفیل بری می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به اصل آزادی اراده، می‌توان زمان یا مکانی غیر از زمان و مکان مقرر، توافق نمود. ☒

که مثال ۱۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مکفول له سبب برائت کفیل می‌شود.
(۲) فوت کفیل سبب از بین رفتن عقد کفالت می‌شود
(۳) فوت مکفول تأثیری در عقد کفالت ندارد و کفیل باید دین او را بپردازد
(۴) جنون دائم مکفول سبب برائت کفیل نمی‌شود

پاسخ: گزینه «۲» کفالت عقدی است که به واسطه شخصیت کفیل ایجاد می‌شود و قائم به شخص کفیل است، بنابراین با فوت او عقد منحل می‌شود. فوت مکفول له نیز طبق ماده ۷۴۸ قانون مدنی موجب برائت کفیل نمی‌شود. جنون دائم مکفول در حکم فوت اوست و چون فوت مکفول نیز موضوع عقد را از بین می‌برد، بنابراین جنون دائمی مکفول مثل فوت او باعث از بین رفتن عقد کفالت می‌شود. ☒

که مثال ۱۴: کدام گزینه از اسباب سقوط تعهد کفیل نیست؟

- (۱) مکفول مالک مافی الذمه خود شود.
(۲) فوت مکفول
(۳) تبدیل تعهد
(۴) انتقال حق مکفول له به سبب وراثت

پاسخ: گزینه «۴» با فوت مکفول له، ورثه متصدیان جدید دارایی او هستند، ولی این مطلب با تبدیل تعهد که سبب برائت و سقوط تعهد کفیل می‌شود متفاوت است. ماده ۷۴۸ قانون مدنی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. ☒



آزمون فصل سوم

که ۱- کفیل زمانی مکلف به پرداخت دین مکفول است که:

- (۱) پرداخت دین در عقد کفالت شرط شده باشد.
- (۲) مکفول را احضار ولی او از پرداخت دین امتناع نماید.
- (۳) مکفول به کفیل اجازه در کفالت داده باشد.
- (۴) نتواند به موقع مکفول را احضار نماید.

که ۲- در کدام عقد، نسبت به یک طرف عقد لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است؟

- (۱) ضمان
- (۲) کفالت
- (۳) وکالت
- (۴) ودیعه

که ۳- عقد کفالت نسبت به:

- (۱) کفیل لازم و نسبت به مکفول جایز است.
- (۲) کفیل جایز و نسبت به مکفول له لازم است.
- (۳) کفیل و مکفول له جایز است.
- (۴) کفیل و مکفول له لازم است.

که ۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مکفول له موجب براءة کفیل نمی‌شود.
- (۲) صلح دعوای ناشی از بطلان معامله باطل است.
- (۳) شفعه در صلح نیست، مگر در مقام بیع باشد.
- (۴) اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد، حق رجوع دارد.

که ۵- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) عقد کفالت نسبت به هر دو طرف لازم می‌باشد.
- (۲) عقد کفالت نسبت به هر دو طرف جایز می‌باشد.
- (۳) عقد کفالت نسبت به یکی از طرفین لازم و نسبت به دیگری جایز است.
- (۴) هیچکدام



فصل چهارم

«عقد رهن»

تست‌های تألیفی فصل چهارم

❏ مثال ۱: مالی که به رهن گذاشته می‌شود.....

- (۱) باید عین معین باشد.
(۲) باید عین معین یا مال کلی باشد.
(۳) باید عین معین یا کلی در معین باشد.
(۴) باید کلی باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» به استناد ماده ۷۷۲ قانون مدنی: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود، ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست.» عقد عینی عقدی است که علاوه بر ایجاب و قبول نیاز به قبض داشته باشد و قبض شرط صحت آن باشد. در بیع عین معین، عقد به ایجاب و قبول واقع شده و مالکیت ایجاد می‌شود.

❏ مثال ۲: قبض مال مرهون در رهن چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط نفوذ است (۲) شرط صحت است (۳) لازم نیست (۴) استمرار آن شرط است

❏ پاسخ: گزینه «۲» بنابر مفهوم ماده ۷۷۲ قانون مدنی، قبض شرط صحت رهن است، ولی استمرار قبض شرط صحت نیست.

❏ مثال ۳: کدام گزینه در مورد رهن صحیح نیست؟

- (۱) مقصود از قبض در عقد رهن، قبض حقیقی و واقعی است.
(۲) ایجاب رهن از طریق معاطات نیز امکان‌پذیر است.
(۳) تجزیه ناپذیری از اوصاف عقد رهن است.
(۴) قبض باید به اذن راهن باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» مقصود از قبض در عقد رهن، قبض عرفی است و استیلا مرتهن کفایت می‌کند.

❏ مثال ۴: کدام گزینه در مورد رهن مکرر صحیح می‌باشد؟

- (۱) مطابق قانون مدنی صحیح و مطابق قانون ثبت باطل است.
(۲) مطابق قانون ثبت صحیح و مطابق قانون مدنی باطل است.
(۳) مطابق هر دو قانون باطل است.
(۴) مطابق هر دو قانون صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» صحت رهن مکرر هم در قانون مدنی و هم در قانون ثبت محرز و مشخص می‌باشد و ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت بر آن صحت می‌گذارد.

❏ مثال ۵: مطابق قانون ثبت، شرط تعلق یا تملیک مورد رهن به مرتهن:

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) غیرقابل استناد است. (۴) هیچکدام

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۹ این قانون چنین شرطی باطل است.

❏ مثال ۶: رهنی که مال مورد وثیقه ملک خود مدیون نباشد، اصطلاحاً..... گویند.

- (۱) رهن فضولی (۲) رهن مستعار (۳) رهن مکرر (۴) رهن با تعدد راهن

❏ پاسخ: گزینه «۲» رهنی که مال مرهونه ملک غیر باشد اصطلاحاً رهن مستعار نام دارد و صحیح است.

❏ مثال ۷: تعیین مدت در عقد رهن.....

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است.
(۳) باطل و مبطل عقد است. (۴) اگر مدت تا بعد از سررسید دین باشد صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» هدف اصلی رهن محبوس ماندن وثیقه تا زمان ادای دین توسط راهن است، بنابراین اگر مدتی تعیین شود که کمتر از موعد دین اصلی باشد، خلاف مقتضای عقد رهن خواهد بود، مثلاً اگر دین راهن به مرتهن ۶ ماهه باشد و وثیقه برای مدت ۴ ماه تعیین شود، این وثیقه هیچ اثری نداشته و باطل خواهد بود.

❏ مثال ۸: کدام گزینه در مورد عقد رهن صحیح نیست؟

- (۱) رهن مال غیر صحیح است.
 (۲) رهن دین و منفعت باطل است.
 (۳) رهن مال غیرمنقول محجور توسط قیم او با رعایت مصلحت محجور صحیح است.
 (۴) رهن مکرر نیاز به اذن مرتهن ندارد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» قیم برای رهن قرار دادن مال غیرمنقول محجور چون مال او را در معرض خطر زیادی قرار می‌دهد باید تصویب دادستان را داشته باشد و تنها رعایت غبطه و مصلحت او کافی نیست، اما ولی قهری محجور می‌تواند با رعایت مصلحت بدون نیاز به تصویب دادستان مال مولی‌علیه خود را به رهن گذارد.

❏ مثال ۹: کدام یک از موارد زیر قابل رهن گذاشتن نیست؟

- (۱) اسکناس (۲) سند در وجه حامل (۳) سهام با نام شرکت (۴) مال مشاع
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» اموالی مثل اسکناس و سند در وجه حامل یا حتی سهام بی‌نام شرکتها ارزش اعتباری دارند، یعنی «نماینده» مقدار ارزش معینی هستند نه خود آن ارزش، اما این‌ها در دید عرف آن‌چنان با خود ارزش موضوع سند مخلوط شده‌اند که رهن آن‌ها همانند رهن موضوع آن‌هاست، صحت رهن مال مشاع نیز واضح است، ولی تصرف در آن باید با اذن سایر شرکا باشد. اما در مورد سهام یا هر اوراق تجارتي با نام چون در دید عرف بین سند و موضوع آن یگانگی وجود ندارد آن‌چنان که در سهام با نام وجود دارد، رهن آن نیز امکان‌پذیر نیست.

❏ مثال ۱۰: رهن منفعت چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است (۲) باطل است
 (۳) چنانچه ممکن‌الحصول باشد صحیح است (۴) اگر عین در ملکیت بدهکار بماند صحیح است
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۷۷۴ قانون مدنی، رهن دین و منفعت باطل است.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص صحیح و توسط اجیر عام باطل است.
 (۲) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص باطل و توسط اجیر عام صحیح است.
 (۳) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص یا اجیر عام صحیح است.
 (۴) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص یا اجیر عام باطل است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» با توجه به مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی، عهدشکنی در تعهداتی که قائم به شخص است ضمانت اجرایی جز فسخ معامله ندارد و از همین روست که در فقه رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص باطل اعلام شده است ولی در مورد اجیر عام صحیح است.

❏ مثال ۱۲: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) رهن برای دین آینده صحیح نیست.
 (۲) رهن برای اعیان مضمونه صحیح نیست.
 (۳) رهن برای اعیان غیرمضمونه صحیح نیست.
 (۴) رهن عقدی تبعی است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» رهن برای اعیان غیرمضمونه صحیح نیست، اما برای اعیان مضمونه صحیح است.

❏ مثال ۱۳: تصرفات ناقل ملکیت مورد رهن چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است (۲) باطل است (۳) با اذن مرتهن صحیح است (۴) باطل و مبطل رهن است
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» تصرفات ناقل ملکیت از نظر مشهور غیرنافذ است و باید با اجازه مرتهن صورت گیرد، البته دکتر کاتوزیان این تصرفات را در اموال غیرمنقول صحیح می‌داند.



❏ مثال ۱۴: با فوت راهن یا مرتهن عقد رهن چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

(۱) با فوت راهن رهن باطل می‌شود ولی با فوت مرتهن عقد همچنان صحیح است.

(۲) با فوت مرتهن عقد صحیح و وثیقه به ورثه او منتقل می‌شود.

(۳) با فوت مرتهن عقد باطل شده و با فوت راهن عقد همچنان صحیح است.

(۴) فوت هیچ یک از راهن و مرتهن سبب بطلان رهن نیست.

❑ پاسخ: گزینه «۴» عقد رهن از یک طرف جایز و از یک طرف لازم است و همین باعث می‌شود احکام عقود لازم نسبت به آن جاری شود. بنابراین با فوت و حجر یکی از طرفین عقد باطل نخواهد شد، بلکه این ویژگی عقود جایز است.

❏ مثال ۱۵: مرتهن نسبت به تلف مورد وثیقه.....

(۱) ضامن است

(۲) ضامن است ولی لازم نیست بدل آن را جایگزین کند

(۳) در صورت تقصیر ضامن است

(۴) در هیچ صورت ضامن نیست

❑ پاسخ: گزینه «۳» مرتهن برای حفظ و نگهداری مال مرهون حکم مستودع را دارد و ید او امانی است؛ بنابراین اگر مال بدون تعدی یا تفریط توسط او تلف شود، او ضامن نیست و تلف برعهده خود راهن است.

آزمون فصل چهارم

که ۱- کدام یک از عقود ذیل عینی است؟

- (۱) اجاره (۲) بیع (۳) رهن (۴) صلح

که ۲- در عقد رهن:

- (۱) استمرار قبض، شرط صحت معامله است.
(۲) استمرار قبض، شرط صحت معامله نیست.
(۳) عدم استمرار قبض، موجب عدم نفوذ رهن است.
(۴) عدم استمرار قبض، موجب ثبوت خیار برای مرتهن است.

که ۳- اگر مال مرهون به قبض مرتهن داده نشود:

- (۱) مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح است.
(۲) قابل فسخ است.
(۳) باطل است.
(۴) غیرنافذ است.

که ۴- رهن مستعار آن است که:

- (۱) مال مورد رهن، وجود خارجی نداشته باشد.
(۲) مرتهن، عین مرهونه را به ثالث عاریه دهد.
(۳) مدیون، مال ثالثی را به اذن او به رهن گذارد.
(۴) مستأجر به جای مال الاجاره، ماهیانه مقداری وجه نقد به موجر قرض دهد.

که ۵- رهن دین است.

- (۱) باطل (۲) صحیح (۳) در صورت مخالفت دائن باطل (۴) در صورت قبول دائن، صحیح

که ۶- رهن منافع ملک

- (۱) صحیح است.
(۲) باطل است.
(۳) در صورتی که ممکن الحصول باشد صحیح است.
(۴) در صورتی که عین ملک در مالکیت بدهکار باشد، صحیح است.

که ۷- شخصی یک دستگاه آپارتمان را پیش خرید کرده و طبق قرارداد ۳ سال دیگر تحویل خواهد گرفت آن را در رهن بانک قرار می‌دهد. چنین قراردادی ...

- (۱) غیرنافذ است. (۲) صحیح است. (۳) معلق است و صحیح (۴) باطل است.

که ۸- رهن وجه نقد است.

- (۱) صحیح (۲) باطل
(۳) اگر به قبض مرتهن داده شود، صحیح (۴) در صورت تلف مال مورد رهن، صحیح

که ۹- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مرتهن در عقد رهن، عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۲) حجر یکی از طرفین عقد جایز بعد از انعقاد عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۳) تلف بیع پس از تسلیم و قبل از انقضای خیار ویژه‌ی خریدار عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۴) توافق طرفین بر انفساخ عقد لازم، عقد را منفسخ نمی‌کند.

که ۱۰- در صورتی که مرتهن فوت کند:

- (۱) عقد رهن منفسخ می‌شود.
(۲) راهن می‌تواند تقاضای فسخ کند.
(۳) عین مرهونه به تصرف وراث مرتهن داده می‌شود.
(۴) راهن می‌تواند تقاضا کند که عین مرهونه با تراضی او و ورثه به تصرف شخص ثالثی داده شود.

که ۱۱- وضعیت عقد رهن در صورتی که راهن و مرتهن فوت کنند، به چه صورت می‌باشد؟

- (۱) منفسخ نمی‌شود. (۲) منفسخ می‌شود. (۳) با فوت راهن منفسخ می‌شود. (۴) با فوت مرتهن منفسخ می‌شود.



که ۱۲- اگر کسی خانه‌ی خود را که در رهن دیگری است بفروشد، این معامله چه وضعی دارد؟

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) صحیح است، ولی مرتهن حق دارد که طلب خود را از عین مرهونه یا سایر اموال مدیون وصول کند.

که ۱۳- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح است؟

- (۱) تصرفی مجاز است که برای مال رهن، نافع باشد.
- (۲) تصرفی مجاز است که برای رهن، نافع باشد و منافی حقوق مرتهن هم نباشد.
- (۳) رهن مالک است و حق تصرف در ملک خود را دارد.
- (۴) رهن حق هیچ گونه تصرفی در عین مرهونه را ندارد.

که ۱۴- عقد رهن است.

- (۱) جایز است.
- (۲) لازم است.
- (۳) نسبت به رهن لازم و نسبت به مرتهن جایز است.
- (۴) نسبت به رهن جایز و نسبت به مرتهن لازم است.

که ۱۵- A به عنوان مدیون، ماشینی را برای وثیقه به دائن داده است، در این جا تبدیل رهن به مال دیگری:

- (۱) با موافقت مرتهن جایز است.
- (۲) با تراضی طرفین جایز است.
- (۳) جایز نیست.
- (۴) جایز است.

که ۱۶- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟

- (۱) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن باطل است.
- (۲) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن غیرنافذ است.
- (۳) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن صحیح است.
- (۴) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن در پاره‌ای موارد باطل است.

که ۱۷- A خانه خود را نزد طلبکار رهن گذاشته است. بعد از آن که نیمی از دین خود را پرداخت، رهن چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- (۱) فاقد اثر است.
- (۲) رهن فسخ می‌شود.
- (۳) رهن فک می‌شود.
- (۴) نصف خانه آزاد می‌شود.

که ۱۸- تبدیل رهن به مال دیگری در چه زمانی جایز است؟

- (۱) مرتهن حق خود را نسبت به عین مرهونه ساقط نماید.
- (۲) رهن به مورد رهن، نیاز مبرم داشته باشد.
- (۳) طرفین عقد رهن بر امر مزبور تراضی کنند.
- (۴) رهن مالی را که ارزش آن بیشتر یا معادل است معرفی می‌کند.

که ۱۹- در عقد رهن در صورت اطلاق عقد:

- (۱) در صورتی که رهن جزئی از دین را ادا کند، حق دارد مقداری از رهن را بخواهد.
- (۲) در صورتی که رهن جزئی از دین را ادا کند، به همان میزان از عین مرهونه قهراً آزاد می‌شود.
- (۳) تمامیت عین مرهونه، وثیقه هر جزئی از دین است.
- (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۲۰- A مالی را که در رهن بوده، بدون اذن مرتهن فروخته و آن را تحویل خریدار داده است. حال با توجه به این که مال در دست خریدار تلف شده است:

- (۱) خریدار مطلقاً ضامن است.
- (۲) خریدار در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
- (۳) خریدار در صورت عدم تعدی و تفریط ضامن است.
- (۴) هیچکدام

فصل پنجم

«عقد وکالت»

تست‌های تألیفی فصل پنجم

❏ مثال ۱: وکالت عقدی است

(۱) جایز، تشریفاتی، مغایره‌ای. (۲) مسامحه‌ای، رضایی، عهدی، اذنی. (۳) لازم، رضایی، عهدی. (۴) جایز، مسامحه‌ای، تشریفاتی.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید».

❏ مثال ۲: در صورتی که عقد وکالت به طور مطلق باشد

(۱) وکیل می‌تواند هر نوع اقدامی در خصوص موضوع وکالت انجام دهد. (۲) تنها مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود. (۳) عقد وکالت باطل است. (۴) وکیل می‌تواند طرف معامله قرار گیرد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۶۱ قانون مدنی: «در صورتی که وکالت مطلق باشد، فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود».

❏ مثال ۳: کدام گزینه نادرست است؟

(۱) تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به وی، نسبت به موکل انجام داده نافذ است.
(۲) بعد از این که وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است، می‌تواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند.
(۳) تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر فوت موکل نسبت به وی انجام داده است صحیح است.
(۴) در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند، به موت یکی از آنها وکالت منفسخ می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مطابق حاشیه ۳ ماده ۶۸۲ قانون مدنی: «مشهور حکم ماده ۶۸۰ قانون مدنی را تنها اختصاص به عزل موکل می‌دانند». در نتیجه تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر فوت موکل انجام می‌دهد، غیرنافذ است و نیاز به تنفیذ و رد ورثه دارد.

❏ مثال ۴: اگر وکیلی که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند، مسئولیت وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل چگونه است؟

(۱) تنها وکیل در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود.
(۲) وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود.
(۳) تنها شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود.
(۴) وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل به طور کلی مسئول خساراتی هستند که به موکل وارد می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۷۳ قانون مدنی: «اگر وکیلی که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند، هریک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود».



آزمون فصل پنجم

که ۱- ماهیت وکالت چیست؟

- (۱) استنابۀ فی الحفظ (۲) استنابۀ فی التصرف (۳) اذن (۴) تملیک

که ۲- آیا در وکالت توالی ایجاب و قبول لازم است؟

- (۱) توالی ایجاب و قبول در کلیه عقود از جمله وکالت لازم است.
(۲) در وکالت اصلاً قبول شرط نیست.
(۳) توالی ایجاب و قبول در وکالت شرط نیست.
(۴) هیچکدام

که ۳- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) سوگند قابل توکیل به غیر است.
(۲) در وکالت وصول قبول به موکل شرط تحقق وکالت است.
(۳) در وکالت موکل باید خود دارای اختیار امری باشد تا بتواند آن را به دیگری تفویض کند.
(۴) ورشکسته برخلاف سفیه قادر به اعطای وکالت در امور مالی است.

که ۴- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) اثر مستقیم عقد وکالت ایجاد اذن است.
(۲) جواز عقد وکالت ناشی از اذنی بودن عقد وکالت است.
(۳) ورشکسته چون از تصرف در اموال خود منع می‌شود، وکیل دیگری هم نمی‌تواند بشود.
(۴) عقد وکالت در نتیجه فوت یا حجر یکی از طرفین منفسخ می‌شود.

که ۵- وکالت عقدی است معوض یا مجانی؟

- (۱) وکالت یک عقد غیرمعوض و مجانی است یعنی کار وکیل رایگان است.
(۲) وکالت یک عقد غیرمعوض و مجانی است یعنی در مقابل تفویض اختیار از ناحیه موکل عوض قرار نمی‌گیرد.
(۳) اگر در وکالت شرط عوض شده باشد معوض است، اولاً غیرمعوض است.
(۴) وکالت عقدی غیرمعوض است و شرط اجرت وکیل، خلاف مقتضای ذات وکالت است.

فصل ششم

«مزارعه و مساقات و مضاربه»

تست‌های تألیفی فصل ششم

❏ مثال ۱: کدام عبارت صحیح است؟

(۱) عقد مزارعه عقدی جایز است.

(۲) هرگاه عقد مزارعه بعد از ظهور ثمره باطل شود، مزارع و عامل، شریک در محصول هستند.

(۳) اگر در مزارعه شرط افزوده بر حصه شود، شرط باطل است.

(۴) هرگاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آن را زرع نماید، مزارعه قابل فسخ می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق حاشیه ۱ ماده ۵۳۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرگاه عقد بعد از ظهور ثمره باطل شود، مزارع و عامل شریک در محصول هستند».

❏ مثال ۲: در صورتی که مساقات فسخ شود، محصول متعلق به کیست؟

(۱) محصول متعلق به مالک است.

(۲) محصول متعلق به عامل است.

(۳) محصول متعلق به عامل است و مالک مستحق اجرت‌المثل است.

(۴) محصول متعلق به مالک است و عامل مستحق اجرت‌المثل است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۵۴۴ قانون مدنی: «در هر مورد که مساقات باطل باشد یا فسخ شود تمام ثمره مال مالک است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود».

❏ مثال ۳: اگر در عقد مضاربه شرط شود که مضارب ضامن سرمایه باشد یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نشود وضعیت عقد و شرط چگونه است؟

(۱) عقد و شرط باطل است.

(۲) عقد و شرط صحیح است.

(۳) عقد و شرط اصولاً باطل است.

(۴) عقد و شرط اصولاً صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۵۸ قانون مدنی: «اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد، عقد باطل است، مگر اینکه به‌طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند».



آزمون فصل ششم

که ۱- در عقد مزارعه

- (۱) مدت مزارعه باید متناسب با زمان کشت باشد و الا عقد باطل است.
- (۲) سهم عامل می‌تواند به طور مشاع باشد یا غیر آن.
- (۳) هر یک از طرفین هر وقت بخواهند می‌توانند عقد را به هم بزنند.
- (۴) در عقد مزارعه نیازی نیست زمان تعیین شود.

که ۲- در عقد مضاربه

- (۱) هر یک از طرفین بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند.
- (۲) سرمایه حتماً باید وجه نقد باشد.
- (۳) حصه‌ی هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل، از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد.
- (۴) همه‌ی موارد

که ۳- در کدام یک از عقود زیر، علم اجمالی بر عوضین کافی نیست؟

- (۱) مزارعه
- (۲) مساقات
- (۳) معاوضه
- (۴) مضاربه

که ۴- در رابطه با عقد مساقات، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) مورد مساقات باید درختان مثمره باشد.
- (۲) درختان باید دارای اصول ثابت باشند.
- (۳) صاحب درخت نیازی نیست که صاحب منافع نیز باشد.
- (۴) سهم عامل باید به طور مشاع از ثمره‌ی درختان تعیین گردد.

که ۵- در رابطه با عقد مزارعه کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) بعد از ظهور ثمره‌ی زرع، عامل مالک حصه‌ی خود از آن می‌شود.
- (۲) در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یا عامل تنها باشد، عقد باطل است.
- (۳) اگر عقد مزارعه به علتی باطل شود، تمام حاصل مال، مالک زمین است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود.
- (۴) عقد مزارعه، عقدی لازم است.

فصل هفتم

«هبه»

تست‌های تألیفی فصل هفتم

❏ مثال ۱: نقش «قصد قربت» در تحقق عقد هبه چگونه است؟

- (۱) قصد قربت شرط لزوم عقد هبه است.
 (۲) قصد قربت شرط تحقق عقد هبه است.
 (۳) قصد قربت شرط نفوذ عقد هبه است.
 (۴) هیچ اثری در عقد هبه ندارد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» برطبق قانون مدنی هبه عقدی است که با تراضی طرفین محقق می‌شود و قصد قربت از سوی طرفین در آن نقش نخواهد داشت اگرچه اگر قصد قربت باشد مانعی برای تحقق هبه ایجاد نمی‌کند.

❏ مثال ۲: در مورد ایجاد بیمه‌ی عمر به سوی ثالث کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هبه‌ای است که متب به آن شخص ثالث است.
 (۲) هبه نیست چرا که مال موضوع هبه بایستی عین باشد.
 (۳) صرفاً عطیه‌ای است که به طور غیرمستقیم برای ثالث ایجاد شده و هبه نمی‌باشد.
 (۴) هبه است چرا که شخص ثالث به طور مستقیم از آن بهره می‌برد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» درست است که مبنای اصلی استحقاق ثالث از بیمه‌ی عمر سرمایه‌گذاری بیمه‌گذار در شرکت بیمه می‌باشد اما لازمه‌ی تحقق هبه این است که به طور مستقیم برای متب به وجود آید نه غیرمستقیم.

❏ مثال ۳: در مورد شرط عوض در عقد هبه کدام گزینه درست است؟

- (۱) شرط عوض در عقد هبه باعث می‌شود که عقد از حالت مجانی بودن درآید.
 (۲) شرط عوض در عقد هبه در صورتی صحیح است که ارزش این شرط بیشتر از ارزش مال موهوبه نباشد.
 (۳) شرط عوض در ضمن عقد هبه حتماً بایستی ارزشش کمتر از خود مال موهوبه باشد.
 (۴) شرط عوض ممکن است ارزشش کمتر یا بیشتر از مال موهوبه باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» فرقی نمی‌کند که ارزش شرطی که ضمن عقد هبه می‌شود به چه میزان باشد و لزوی ندارد که حتماً کمتر از خود مال موهوبه باشد. نکته: حتی اگر شرط عوض ضمن عقد هبه ارزشش بیشتر از مال موهوبه باشد باز هم ماهیت رایگان بودن هبه را تغییر نمی‌دهد.

❏ مثال ۴: کدام مورد از ویژگی‌های عقد هبه محسوب می‌شود؟

- (۱) هبه عقدی است معوض
 (۲) هبه عقدی است تشریفاتی
 (۳) هبه عقدی است عینی
 (۴) هبه عقدی است لازم

❏ پاسخ: گزینه «۳» برطبق ماده‌ی ۷۹۸ قانون مدنی برای تحقق عقد هبه لازم است که متب مال موهوبه را قبض کند. لذا باید گفت که هبه از مصادیق عقود عینی محسوب می‌شود که قبض شرط تحقق آن است. اگرچه عنوان «هبه‌ی معوض» در قانون مدنی به کار رفته اما هبه عقدی مجانی است و منظور مقنن هبه همراه با شرط عوض می‌باشد لذا گزینه «۱» نادرست است. نکته: هبه در زمره‌ی عقود جایز است نه لازم.

❏ مثال ۵: طبق قراردادی که بین حسین و محمدرضا منعقد شده است محمدرضا ماشینی را به حسین هبه می‌کند و طرفین این قرارداد را امضا می‌کنند اما قبل از اینکه این ماشین به حسین برسد محمدرضا در اثر حادثه‌ای ناگهانی فوت می‌کند حال با توجه به این شرایط تکلیف خودرو چیست؟

- (۱) خودرو باید به حسین تحویل داده شود چرا که بعد از توافق طرفین مالکیت آن به حسین منتقل گردیده است.
 (۲) حسین هیچ حقی بر خودرو ندارد و خودرو به وراثت متوفی می‌رسد.
 (۳) خودرو با رضایت وراثت به حسین منتقل می‌شود.
 (۴) وراثت می‌تواند خودرو را به قبض حسین دهند و باعث انتقال آن به حسین شوند.

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۸۰۲ قانون مدنی چنانچه واهب یا متب قبل از قبض و بعد از توافق فوت نمایند هبه باطل خواهد شد لذا در فرض مذکور حتی وراثت متوفی هم نمی‌تواند با به قبض دادن مال موهوبه باعث انتقال مالکیت و تمام شدن عقد هبه گردند.



مثال ۶: شخص «الف» خانه‌ی خود را به شخص «ب» هبه می‌کند و شخص «ج» نیز به موجب قراردادی که با «ب» منعقد می‌کند حق ارتفاق نساختن بیش از ۵ طبقه را به دست می‌آورد. حال با توجه به فرض مذکور کدام گزینه درست است؟

(۱) «الف» می‌تواند از هبه‌ی خود رجوع نماید چرا که عین مال او همچنان باقی است.

(۲) نمی‌تواند رجوع کند چرا که مال موهوبه متعلق حق غیر قرار گرفته است.

(۳) نمی‌تواند رجوع کند چرا که در هبه‌های غیر معوض امکان رجوع برای واهب وجود ندارد.

(۴) می‌تواند رجوع کند چرا که برای شخص «ج» حقی عینی ایجاد نشده است.

پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۸۰۳ قانون مدنی یکی از مواردی که باعث غیرقابل رجوع شدن هبه از سوی واهب می‌گردد تعلق مال به غیر است. در فرض مورد سؤال نیز حقی عینی به واسطه‌ی برقراری حق ارتفاق برای شخص «ج» ایجاد شده است. لذا امکان رجوع از بین رفته است.

مثال ۷: کدام گزینه در مورد اوصاف رجوع نادرست است؟

- (۱) رجوع قائم به شخص واهب است.
- (۲) رجوع در هبه حق است نه حکم
- (۳) اثر رجوع ناظر به آینده است
- (۴) رجوع عمل حقوقی دو جانبه است
- پاسخ:** گزینه «۴» رجوع عمل حقوقی یک جانبه و ایقاع است لذا اراده‌ی متب‌ب در آن هیچ نقشی ندارد و صرفاً با اراده‌ی واهب محقق می‌گردد.

مثال ۸: براساس قراردادی که بین «مهدی» و «علیرضا» منعقد می‌شود مهدی خودروی سواری خود را به علیرضا هبه می‌کند و به قبض وی می‌دهد بدون آنکه عوض دریافت کند علیرضا هم بلافاصله بعد از دریافت خودرو آن را به تعمیرگاه می‌برد و حدود ۳ میلیون تومان برای تعمیر موتور ماشین خرج می‌کند. حال مهدی از اقدام خود پشیمان شده و قصد رجوع دارد:

کدام گزینه راجع به رجوع مهدی صحیح به نظر می‌رسد؟

(۱) از آنجایی که علیرضا با تعمیر ماشین باعث تغییر آن شده است حق رجوع مهدی از بین رفته و امکان رجوع برای وی وجود ندارد.

(۲) علیرضا می‌تواند بدون اینکه تکلیفی داشته باشد خودروی خود را پس بگیرد و رجوع نماید.

(۳) علیرضا می‌تواند رجوع کند اما باید هزینه‌های تعمیر را بدهد.

(۴) علیرضا نمی‌تواند رجوع کند مگر با پرداخت نیمی از هزینه‌های تعمیر ماشین.

پاسخ: گزینه «۳» منظور از «تغییر» که در ماده‌ی ۸۰۳ قانون مدنی به عنوان اسباب سقوط حق رجوع واهب، آن تغییری است که صورت نوعی مال موهوبه را تغییر دهد نه هر تغییری مثل تعمیر که صورت عرفی مال همچنان پابرجا می‌ماند.

اما از آنجایی که با رجوع از هبه، واهب از هزینه‌هایی که متب‌ب کرده است برای تعمیر ماشین، بی‌جهت بهره‌مند می‌شود لذا بایستی او را مکلف به پرداخت ۳ میلیون هزینه‌ی تعمیر دانست. (ملاک ماده‌ی ۲۸۸ قانون مدنی)

مثال ۹: کدام مورد در مورد تفاوت بین فسخ و رجوع نادرست است؟

- (۱) هر دو عمل حقوقی هستند
- (۲) رجوع قائم به وجود مال موهوبه است در حالی فسخ قائم به وجود مال مورد معامله نیست.
- (۳) در فسخ اهلیت شرط است اما در رجوع خیر
- (۴) هر دو اثرشان ناظر به آینده است.
- پاسخ:** گزینه «۳» فسخ و رجوع هر دو عمل حقوقی هستند و لذا در هر دو مورد اهلیت شرط است.

مثال ۱۰: باتوجه به شرایط مقرر در قانون مدنی راجع به احکام قبض کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در صورتی که بعد از توافق واهب و متب‌ب، واهب از به قبض دادن مال موهوبه خودداری نماید، متب‌ب می‌تواند از طریق دادگاه وی را ملزم به تسلیم نماید.
- (۲) در صورتی که مال موهوبه مشاعی باشد عقد هبه بدون اذن واهب در قبض نیز محقق می‌شود چرا که امکان اخذ اذن همه‌ی شرکاء مشاعی همیشه فراهم نمی‌باشد.
- (۳) قبض مال موهوبه جزو عناصر و ارکان عقد هبه می‌باشد.
- (۴) در مورد به قبض دادن مال موهوبه هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۳» اینکه واهب بخواهد به قبض دهد یا خیر، به اختیار خودش است و هیچ الزامی وجود ندارد. در موردی که مال موهوبه مشاع باشد اذن واهب باز هم برای قبض شرط است.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه در مورد هبه صحیح است؟

- (۱) شرطی که ضمن عقد هبه می‌شود می‌تواند خودش یک عقد معوض یا یک عقد رایگان باشد.
 - (۲) شرط عوض در هبه حتماً بایستی غیر معوض و رایگان باشد.
 - (۳) در صورتی که در ضمن عقد هبه شرط عوض شود این شرط ماهیت عقد هبه را به عقدی معوض تبدیل خواهد نمود.
 - (۴) هبه جزو عقود نامعین است که در چهارچوب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی قابلیت استفاده دارد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» شرط عوضی که در ضمن عقد هبه می‌شود به هیچ وجه ماهیت این عقد را دگرگون نمی‌کند و هبه همچنان غیر معوض باقی خواهد ماند حتی اگر این عوض شرط شده ارزشش بیشتر از مال موهوبه باشد.
- هبه جزو عقود است که عنوان و احکام و آثار آن در قانون مدنی آمده است لذا نباید آن را جزو عقود نامعین و تابع ماده ۱۰ قانون مدنی دانست.

❏ مثال ۱۲: در مورد «وصیت تملیکی و هبه» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) وصیت تملیکی برخلاف هبه قابل رجوع نمی‌باشد.
 - (۲) وصیت تملیکی قلمرو گسترده تری نسبت به هبه دارد.
 - (۳) هر دو نهاد رایگان و غیر معوض‌اند.
 - (۴) وصیت تملیکی معلق به موت است اما هبه مربوط به زمان حیات است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» وصیت تملیکی نیز همانند هبه قابل رجوع است و موصی می‌تواند تا قبل از فوت خود از آن رجوع نماید.
- قلمرو وصیت تملیکی شامل ابراء‌دین، حبس مال و ... هم می‌شود در حالی که هبه تنها شامل «تملیک مال» است لذا وصیت تملیکی قلمرو گسترده‌تری نسبت به هبه دارد.

❏ مثال ۱۳: علی با سجاد توافق می‌کند که یک دانگ از زمین مشاعی خود را در قالب عقد هبه به سجاد انتقال دهد حال برای اینکه این عقد منعقد شود و ملکیت انتقال یابد اذن شرکاء مشاعی چه تأثیری در قبض خواهد داشت؟

- (۱) علی نمی‌تواند بدون اذن شرکاء مشاعی خود زمین را به قبض دهد.
 - (۲) چنانچه شرکاء مشاعی از دادن اذن در قبض خودداری کنند الزام آنها توسط دادگاه امکان‌پذیر است.
 - (۳) علی می‌تواند بدون اذن شرکاء زمین را به قبض سجاد دهد.
 - (۴) خود سجاد می‌تواند بدون اینکه از کسی اذن در قبض بگیرد در زمین تصرف نماید.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» طبق قانون مدنی عقد هبه از عقود عینی است و قبض شرط صحت انعقاد آن می‌باشد و از طرفی هم اذن در قبض لازم است و متهب نمی‌تواند بدون اذن واهب اقدام به قبض مال نماید.
- اگرچه تصرف مادی هریک از شرکاء مال مشاعی نیازمند اذن سایر شرکاء است اما باید توجه داشت که قبض لزوماً به معنای تصرف مادی در عین مال موهوبه نیست و مفهومی عرفی دارد که گاهی سلطه‌ی معنوی متهب برای تحقق قبض کافی است در فرض مورد سؤال نیز تسلط معنوی متهب بر مال موهوبه محقق شده است و لزومی به تصرف مادی و به تبع آن اذن شرکاء مشاعی در قبض نیست.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد تلف مال توسط متهب، قبل از قبض توسط وی صحیح می‌باشد؟

- (۱) چنانچه با اذن واهب و به قصد تصرف باشد قبض محقق شده است.
 - (۲) در هر صورت قبض محقق می‌شود و هبه تمام می‌شود چرا که قبض یک عمل مادی است و به اذن کسی نیاز ندارد.
 - (۳) چنانچه متهب این عمل را با آگاهی و عمد مرتکب شده باشد هبه تمام می‌شود.
 - (۴) این تلف چنانچه عمدی باشد باعث فسخ شدن عقد مذکور می‌گردد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» برخلاف بیع که برای قبض و تسلیم مال معین نیاز به اذن و اراده‌ی بایع وجود ندارد، و تلف مال از سوی مشتری در حکم قبض محسوب می‌شود، در هبه لازمه‌ی تحقق قبض از طریق تلف مال از سوی متهب این است که به قصد تصرف و نیز با اذن واهب باشد.



کلمه مثال ۱۵: کدام گزینه در مورد هبه‌ی مال محجور صحیح است؟

- (۱) به هیچ وجه امکان ندارد چرا که همیشه باعث زیان محجور است و نماینده‌ی قانونی نمی‌تواند اقدام صرفاً مضر را انجام دهد.
 - (۲) اصولاً ولی قهری می‌تواند مال محجور را هبه کند مگر اثبات خلاف مصلحت بودن آن
 - (۳) اصولاً ولی قهری نمی‌تواند مال محجور را هبه کند مگر اثبات غبطه‌ی محجور در دادگاه
 - (۴) ولی قهری از چنین اختیاری برخوردار است و می‌تواند برحسب تشخیص خوی اقدام به هبه نماید.
- پاسخ:** گزینه «۳» هبه‌ی مال اصولاً عملی زیان‌بار است که باعث می‌شود مال از دارایی واهب خارج شود وانگهی ولی قهری هم نمی‌تواند اقداماتی انجام دهد که صرفاً به زیان محجور باشد. اما گاهی اوقات چنین هبه‌هایی به مصلحت و باعث رشد اجتماعی محجور می‌گردد مثل کادو دادن در تولد. در این موارد جواز از هبه‌ی ولی ترجیح دارد البته باید این غبطه در دادگاه ثابت شود چون خلاف اصل است.

کلمه مثال ۱۶: کدام گزینه در مورد هبه درست است؟

- (۱) هبه تنها شامل انتقال عین می‌شود.
 - (۲) اگرچه هبه عقد است اما اراده‌ی واهب است که عقد را به وجود می‌آورد و متبهب تنها اختیار رد آن را دارد.
 - (۳) عین کلی را نیز می‌توان در قالب عقد هبه، منتقل نمود.
 - (۴) منفعت یک مال را نمی‌توان در قالب هبه به غیر منتقل نمود چرا که قالب قبض نیست.
- پاسخ:** گزینه «۳» عقد هبه محدود به انتقال عین نیست و دین و منفعت را نیز می‌توان در قالب این عقد به غیر منتقل نمود. از آنجایی که هبه عقد محسوب می‌شود پس برای ایجاد آن هم اراده‌ی دو طرف لازم است و رایگان بودن این عقد مجوز تحقق آن با یک اراده نخواهد بود.

کلمه مثال ۱۷: کدام گزینه در مورد هبه صحیح است؟

- (۱) هدایایی که فروشنده‌ها به مشتری‌های خود می‌دهند را نمی‌توان در شمار عطایا آورد.
 - (۲) اگر فردی کاری انجام دهد که عرفاً اجرت ندارد اما دیگری از آن سود ببرد و خود را مکلف به دادن پاداش ببیند و مالی به او بدهد هبه محسوب نمی‌شود.
 - (۳) دادن هدیه از سوی بیماری که توسط طبیب رایگان معالجه شده هبه‌ی غیر معوض است.
 - (۴) هبه اصولاً غیر قابل رجوع از سوی واهب است.
- پاسخ:** گزینه «۱» اگر شخصی کاری انجام دهد که دیگری از آن سود ببرد و به وی پاداش دهد هبه‌ی رایگان است اگرچه عمل انجام شده عرفاً بدون اجرت باشد. در گزینه‌ی «۳» عمل حقوقی فرد از آنجایی که معوض است قابلیت رجوع برای وی وجود ندارد. نکته: هبه اصولاً قابل رجوع می‌باشد مگر موارد استثناء.

کلمه مثال ۱۸: براساس قرارداد اجاره‌ای که بین علی و محسن منعقد شده، مقرر گردیده است که محسن بتواند به عنوان مستأجر ۳ سال در خانه علی

اقامت گزیند اما بعد از گذشت ۲ سال موعد قرارداد، محسن از ادامه اجاره صرف‌نظر می‌کند. حال با توجه به این فرض کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

- (۱) عمل محسن هبه محسوب می‌شود چرا که او ادامه‌ی انتفاع از مال را به علی بخشیده است.
 - (۲) عمل محسن هبه محسوب می‌شود اما هبه نیست چرا که قصد قربت دارد.
 - (۳) عمل محسن هبه محسوب نمی‌ود و باید آن را اسقاط حق عینی تلقی نمود.
 - (۴) عمل محسن هبه محسوب نمی‌شود چرا که امکان هبه‌ی منافع وجود ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۴» عملی که محسن انجام می‌دهد یکجانبه و مصداقی از اعراض و ساقط حق عینی است و نمی‌توان آن را هبه تلقی نمود که عمل حقوقی دو جانبه است. صدقه مصداقی از هبه محسوب می‌شود و همچنین امکان هبه‌ی منفعت هم وجود دارد.



آزمون فصل هفتم

که ۱- در مورد عقد هبه کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) هبه عقدی تملیکی است.
- (۲) واهب باید مالک مالی باشد که هبه می‌کند.
- (۳) در هبه‌ی مجنون قبض ولی معتبر است.
- (۴) هبه نمی‌تواند به‌صورت معوض باشد.

که ۲- در مورد اهلیت واهب در عقد هبه وی باید:

- (۱) اهلیت تصرف در مال خود را داشته باشد.
- (۲) اهلیت معامله داشته باشد.
- (۳) هم اهلیت معامله و هم اهلیت تصرف در اموالش را داشته باشد.
- (۴) نیازی به اهلیت واهب نیست.

که ۳- اگر الف پس از هبه‌ی اموالش به ب فوت کند:

- (۱) فقط ورثه الف می‌توانند از هبه رجوع کنند.
- (۲) فقط ب می‌تواند از هبه رجوع کند.
- (۳) رجوع از هبه ممکن نیست.
- (۴) هم ورثه الف و هم ب می‌توانند از هبه رجوع کنند.

که ۴- اگر پدری، ماشینش را به پسرش هبه کند و پسر نیز ماشین را قبض کند:

- (۱) پدر در هر صورت حق رجوع دارد.
- (۲) پدر حق رجوع ندارد.
- (۳) پدر در صورت بقاء عین موهوبه حق رجوع دارد.
- (۴) پدر حق رجوع دارد به شرطی که در حین رجوع، اهلیت داشته باشد.

که ۵- هبه چه نوع عقدی است؟

- (۱) لازم
- (۲) جایز
- (۳) لازم است مگر در چند مورد که جایز است.
- (۴) جایز است مگر در چند مورد که لازم است.



پاسخنامه آزمون‌های عقود معین ۲

فصل اول: عقود ضمان، ودیعه و عاریه

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۴»	۱۷- گزینه «۴»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۴»	۲۰- گزینه «۲»
۲۱- گزینه «۳»	۲۲- گزینه «۴»	۲۳- گزینه «۲»	۲۴- گزینه «۱»	۲۵- گزینه «۳»
۲۶- گزینه «۳»	۲۷- گزینه «۳»	۲۸- گزینه «۲»	۲۹- گزینه «۴»	۳۰- گزینه «۴»
۳۱- گزینه «۴»	۳۲- گزینه «۴»	۳۳- گزینه «۲»	۳۴- گزینه «۴»	۳۵- گزینه «۲»

فصل دوم: عقد حواله

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل سوم: عقد کفالت

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل چهارم: عقد رهن

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۳»	۱۷- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۳»	۲۰- گزینه «۱»

فصل پنجم: عقد وکالت

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل ششم: مزارعه و مساقات و مضاربه

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل هفتم: هبه

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۴»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------